



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الربما
علیهما صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شرح دعاہلی روزانہ

ماہ مبارک رمضان



محمد امین گلستانی اردو پبلشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح دعاهاي روزانه ماه رمضان

نویسنده:

محمد امینی گلستانی

ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	شرح دعاهای روزانه ماه رمضان
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۵	فهرست مطالب
۲۵	پیشگفتار
۲۷	روز ۱
۲۷	اشاره
۲۷	شرح دعای روز اول: چرا برخی دعاها مستجاب نمی شود
۲۹	آیا دعا قضا و قدر را تغییر می دهد؟
۳۶	روز ۲
۳۶	اشاره
۳۶	شرح دعای روز دوم: تقرب به رضای خدا و دوری از غضب او
۴۲	روز ۳
۴۲	شرح دعای روز سوم: چگونه از خواب غفلت بیدار شویم؟
۴۷	روز ۴
۴۷	اشاره
۴۷	شرح دعای روز چهارم: شیرینی ذکر خدا در دعای روز چهارم
۴۹	اولین مسلمانی که در کوفه دفن شد
۵۴	چگونه شیرینی ذکر خدا را درک کنم!؟
۵۴	اویس، میراث دار ارزش ها
۵۶	روز ۵
۵۶	اشاره
۵۶	شرح دعای روز پنجم: کلید خوشبختی و سعادت در دعای روز پنجم

۵۸ اویس قرن نمونه ای از مستغفرین
۵۸ احترام به مادر کلید خوشبختی و سعادت
۶۲ روز ۶
۶۲ اشاره
۶۲ شرح دعای روز ششم: راز عزت و سربلندی در دعای روز ششم
۶۳ گناه؛ عامل خواری انسان
۶۴ بلعم باعورا نمونه ای از خوار شدگان
۶۷ از موجبات غضب الهی دوری کنیم
۶۸ علی بن یقطین الگوی کارگزاران
۷۱ روز ۷
۷۱ اشاره
۷۱ شرح دعای روز هفتم: روزه دارانی که روزه نیستند!
۷۲ برای روزه گرفتن، از خدا کمک بخواهیم
۷۵ نماز، واجبی که در همه حال واجب است.
۷۷ مناجات اعجاب انگیز حضرت علی (علیه السلام):
۸۰ روز ۸
۸۰ اشاره
۸۰ شرح دعای روز هشتم: راهکار تشخیص افراد صالح از ناصالح
۸۱ قلب چگونه جلا می یابد؟
۸۵ «سلام» یک مستحب اجتماعی
۸۶ همنشینی با صالحان؛ رمز سعادت انسان
۸۹ روز ۹
۸۹ اشاره
۸۹ شرح دعای روز نهم: نمونه هایی از رحمت و وسعه خداوند
۹۲ حکایت شگفت انگیز! بهلول نباش:
۹۴ برخورد کریمانه اباعبد الله

با حر بن یزید ریاحی ----- ۹۴

روز ۱۰ ----- ۹۶

اشاره ----- ۹۶

شرح دعای روز دهم: توکل چیست و چگونه اهل توکل باشیم؟ ----- ۹۶

روز ۱۱ ----- ۱۰۳

اشاره ----- ۱۰۳

شرح دعای روز یازدهم: ماه مبارک رمضان ----- ۱۰۳

اهتمام بزرگان دین به احسان و نیکی ----- ۱۰۴

خدایاتو آتش دنیا و آخرت را، به این جوان خاموش کن ----- ۱۰۷

روز ۱۲ ----- ۱۱۱

اشاره ----- ۱۱۱

شرح دعای روز دوازدهم: زینت آدمی در چیست؟ ----- ۱۱۱

ازدواج راه عفاف ----- ۱۱۳

روزی رسان خداست ----- ۱۱۶

روز ۱۳ ----- ۱۱۹

اشاره ----- ۱۱۹

شرح دعای روز سیزدهم: چگونه از ناپاکی ها دور شویم ----- ۱۱۹

چگونه از بدی ها و ناپاکی ها، دور بشویم؟! ----- ۱۲۰

پنهان بودن علم چند چیز بر انسان! ----- ۱۲۲

روز ۱۴ ----- ۱۲۶

اشاره ----- ۱۲۶

شرح دعای روز چهاردهم: شیطان چگونه ما را ناامید می کند ----- ۱۲۶

از رحمت خدا مایوس نشویم ----- ۱۲۹

روز ۱۵ ----- ۱۳۴

اشاره ----- ۱۳۴

شرح دعای روز پانزدهم: چگونه شرح صدر پیدا کنیم ----- ۱۳۴

- ۱۳۷ چگونه شرح صدر پیدا کنیم
- ۱۴۰ به بهانه ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۱۴۱ لشکر کشتی معاویه برای غصب خلافت ظاهری حضرت
- ۱۴۵ غربت حضرت پس از صلح تحمیلی
- روز ۱۶ ۱۴۷
- ۱۴۷ اشاره
- ۱۴۷ شرح دعای روز شانزدهم: رفاقت با اشرار انسان را از خدا دور می کند
- ۱۴۹ قرآن بهترین همنشین:
- ۱۵۱ رخصه دختر نمرود نمونه ای از صالحین
- روز ۱۷ ۱۵۵
- ۱۵۵ شرح دعای روز هفدهم: از مکر شیطان ایمن نباشیم
- ۱۵۷ چهار وصیت مهم
- ۱۶۰ چهار درخواست شیطان از حق متعال
- روز ۱۸ ۱۶۵
- ۱۶۵ دعای روز هیجدهم: برکات سحر را در شبهای قدر دریابیم
- روز ۱۹ ۱۷۳
- ۱۷۳ برکات سحر را در شبهای قدر دریابیم
- ۱۷۵ اهتمام ویژه به تلاوت قرآن و مناجات در شب های قدر
- ۱۷۷ تحقیقی در حقیقت غیبت و معنای آن
- ۱۸۱ شرح دعای نوزدهم: افطاری دادن از مصادیق خیرات است
- ۱۸۳ امیر المومنین (علیه السلام) اول مظلوم تاریخ
- ۱۸۴ ابن ملجم مرادی را بیشتر بشناسیم؟
- ۱۸۶ گزارشی از حالات امیر المومنین در شب نوزدهم
- روز ۲۰ ۱۹۰
- ۱۹۰ اشاره
- ۱۹۰ شرح دعای روز بیستم: فضیلت تلاوت قرآن در تدبیر آن است

- ۱۹۱ چگونه اهل بهشت بشویم؟
- ۱۹۴ گریزی به فضایل امیر المومنین علیه السلام
- ۱۹۷ محبت علی زمینه ساز بخشش گناهان
- ۱۹۹ روز ۲۱
- ۱۹۹ دعای روز بیست و یکم: خداوند چرا شیطان را آفرید؟
- ۲۰۱ مقام استادی امیر المومنین علیه السلام به جبرئیل
- ۲۰۳ چرا این مقامها از طرف خداوند به این بزرگواران داده شد؟
- ۲۰۵ موعظه شیطان به حضرت نوح و موسی علیهما السلام
- ۲۰۸ روز ۲۲
- ۲۰۸ اشاره
- ۲۰۸ شرح دعای روز بیست و دوم: چگونه رضایت الهی را جلب کنیم؟
- ۲۱۰ دفاع از امامت علی (علیه السلام) بزرگترین دستاویز رضایت الهی
- ۲۱۱ حیات و زندگی علی علیه السلام در جهت جلب رضایت الهی گذشت
- ۲۱۵ روز ۲۳
- ۲۱۵ اشاره
- ۲۱۵ شرح دعای روز بیست و سوم: معیار در ایمان چیست؟
- ۲۱۶ ولایت امیر المومنین ملاک امتحان قلب ها
- ۲۲۰ حرکت های زیر زمینی یهود برای مقابله با اسلام راستین
- ۲۲۱ انتقام یهود از مظلوم تاریخ امیرالمؤمنین
- ۲۲۳ مصیبت منع نقل و کتابت حدیث
- ۲۲۵ روز ۲۴
- ۲۲۵ اشاره
- ۲۲۵ شرح دعای روز بیست و چهارم: مظلوم ترین شخصیت عالم چگونه خدا را عبادت می کرد
- ۲۲۸ علی همنشین محرومان
- ۲۲۹ علی مظلوم ترین شخصیت عالم
- ۲۳۰ آیا بهشت آفریده شده است و وجود دارد؟

۲۳۳	روز ۲۵
۲۳۳	اشاره
۲۳۳	شرح دعای روز بیست و پنجم: محبت علی(علیه السلام)؛ شرط قبولی اعمال
۲۳۴	محبت علی(علیه السلام)؛ شرط قبولی اعمال
۲۳۵	روایتی عجیب در فضیلت محبت امیرالمومنین(علیه السلام)
۲۳۹	نور خدا خاموش شدنی نیست
۲۴۰	یزید نمونه ای از خوار شوندگان
۲۴۳	روز ۲۶
۲۴۳	اشاره
۲۴۳	شرح دعای روز بیست و ششم: هر عمل خیری مورد تشکر خداوند است
۲۴۵	میثم تمار نمونه ای از صالحین:
۲۵۰	روز ۲۷
۲۵۰	شرح دعای روز بیست و هفتم: توبه چگونه باعث شادی مومن می شود
۲۵۲	توبه و محو آثار گناه
۲۵۵	روز ۲۸
۲۵۵	اشاره
۲۵۵	شرح دعای روز بیست و هشتم: اعمالی که مورد تاکید امام زمان(عج) است
۲۶۷	روز ۲۹
۲۶۷	اشاره
۲۶۷	شرح دعای روز بیست و نهم: عصمت از گناهان؛ مقامی دست یافتنی
۲۶۹	عصمت از گناهان مقامی دست یافتنی
۲۷۰	نگاهی به فضائل جناب حجر بن عدی
۲۷۱	خبر غیبی امیر المومنین از شهادت جناب حجر
۲۷۶	روز ۳۰
۲۷۶	اشاره
۲۷۶	شرح دعای روز سی ام: خداوند رضایت خود را در طاعت مخفی نموده است

۲۷۸ فضیلت و اعمال شب عید فطر

۲۷۸ خداوند چهار چیز را در چهار چیز، مخفی کرده است

۲۷۹ حکایت:

۲۸۳ حکایت

۲۸۶ منابع و اسناد بیواسطه یا باواسطه کتاب

۲۹۲ درباره مرکز

شرح دعاهای روزانه ماه رمضان

مشخصات کتاب

سرشناسه: امینی گلستانی، محمد، 1317 -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: شرح دعاهای روزانه ماه رمضان [کتاب] / محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر: قم: سپهر آذین، 1395.

مشخصات ظاهری: 280 ص.؛ 11×17 س م.

شابک: 150000 ریال: 9-26-6920-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: دعاهای ماه رمضان -- نقد و تفسیر

موضوع: *Prayers of Ramadan -- Criticism and interpretation

رده بندی کنگره: BP270 / 80422 الف 775 1395

رده بندی دیویی: 297/772

شماره کتابشناسی ملی: 4245894

ص: 1

اشاره

شرح دعاهای روزانه ماه رمضان

محمد امینی گلستانی

ص: 2

نام کتاب : شرح دعاهاى روزانه ماه رمضان

نام مؤلف : محمد امينى گلستانى

ناشر : مؤلف

تلفن مؤلف : همراه 09132793915

نوبت چاپ : اول

تاريخ چاپ : پاييز 1382

قطع : جيبى

تيراژ : 2000

چاپخانه : سپهر قم

ص:3

فهرست مطالب

شرح دعاهای 1

روزانه ماه رمضان در اینترنت 1

محمد امینی گلستانی 1

شناسنامه 4

فهرست مطالب 5

شرح دعاهای 15

روزانه ماه رمضان در اینترنت 15

محمد امینی گلستانی 15

پیشگفتار 15

شرح دعای روز اول؛ 17

چرا برخی دعاها مستجاب نمی شود؟ 17

آیا دعا قضا و قدر را تغییر می دهد؟ 20

شرح دعای روز دوم 27

تقرب به رضای خدا و دوری از 27

غضب او 27

ص: 4

شرح دعای روز سوم 33

چگونه از خواب غفلت بیدار شویم؟ 33

ب شرح دعای روز چهارم 39

شیرینی ذکر خدا در دعای 39

روز چهارم 39

اولین مسلمانی که در کوفه دفن شد 41

چگونه شیرینی ذکر خدا را 46

درک کنیم؟! 46

اویس، میراث دار ارزش ها 46

شرح دعای روز پنجم 49

کلید خوشبختی و سعادت در 49

دعای روز پنجم 49

اویس قرن نمونه ای از مستغفرین 51

احترام به مادر 51

کلید خوشبختی و سعادت 51

شرح دعای روز ششم 55

راز عزت و سربلندی 55

در دعای روز ششم 55

ص: 5

گناه؛ عامل خواری انسان 56

بلعم باعورا نمونه ای از خوار شدگان 57

از موجبات غضب الهی دوری کنیم 61

علی بن یقظین الگوی کارگزاران 61

شرح دعای روز هفتم 65

روزه دارانی که روزه نیستند! 65

برای روزه گرفتن، از خدا کمک بخواهیم 66

نماز، واجبی که در همه حال واجب است. 69

مناجات اعجاب انگیز حضرت علی (علیه السلام): 71

شرح دعای روز هشتم 74

راهکار تشخیص افراد صالح از ناصالح 74

قلب چگونه جلا می یابد؟ 75

«سلام» یک مستحب اجتماعی 79

همنشینی با صالحان؛ رمز سعادت انسان 80

شرح دعای روز نهم 83

نمونه هایی از رحمت واسعه خداوند 83

حکایت شگفت انگیز! بهلول تباش: 86

برخورد کریمانه اباعبد الله علیه السلام 88

با حر بن یزید ریاحی 88

شرح دعای روز دهم 90

توکل چیست و چگونه 90

اهل توکل باشیم؟ 90

شرح دعای روز یازدهم 97

ماه مبارک رمضان 97

اهتمام بزرگان دین به احسان و نیکی 98

خدایا تو آتش دنیا و آخرت را، به این جوان 101

خاموش کن 101

شرح دعای روز دوازدهم 105

زینت آدمی در چیست؟ 105

ازدواج راه عفاف 107

روزی رسان خداست 110

شرح دعای روز سیزدهم 113

چگونه از ناپاکی ها دور شویم 113

چگونه از بدی ها و ناپاکی ها، دور بشویم؟! 114

پنهان بودن علم چند چیز بر انسان! 116

شرح دعای روز چهاردهم 120

ص: 7

شیطان چگونه ما را ناامید می کند 120

از رحمت خدا مایوس نشویم 123

شرح دعای روز پانزدهم 128

چگونه شرح صدر پیدا کنیم 128

چگونه شرح صدر پیدا کنیم 131

به بهانه ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام 134

لشکر کشی معاویه برای غصب خلافت ظاهری 135

حضرت 135

غربت حضرت پس از صلح تحمیلی 139

شرح دعای روز شانزدهم 141

رفاقت با اشرار انسان را از خدا دور می کند 141

قرآن بهترین همنشین: 143

رضه دختر نمرود نمونه ای از صالحین 145

شرح دعای روز هفدهم 149

از مکر شیطان ایمن نباشیم 149

چهار وصیت مهم 151

چهار درخواست شیطان از حق متعال 154

دعای روز هیجدهم 159

ص: 8

برکات سحر را در شبهای قدر دریابیم 159

برکات سحر را در شبهای قدر دریابیم 167

اهتمام ویژه به تلاوت قرآن و مناجات در شب 169

های قدر 169

تحقیقی در حقیقت غیبت و معنای آن 171

شرح دعای نوزدهم 175

افطاری دادن از مصادیق خیرات است 175

امیر المومنین (علیه السلام) اول مظلوم تاریخ 177

ابن ملجم مرادی را بیشتر بشناسیم؟ 178

گزارشی از حالات امیر المومنین در شب نوزدهم 180

شرح دعای روز بیستم 184

فضیلت تلاوت قرآن در تدبیر آن است 184

چگونه اهل بهشت بشویم؟ 185

گریزی به فضایل امیر المومنین : 188

محبت علی زمینه ساز بخشش گناهان 191

دعای روز بیست و یکم 194

خداوند چرا شیطان را آفرید؟ 194

مقام استادی امیر المومنین علیه السلام به جبرئیل 196

چرا این مقامها از طرف خداوند به این 198

بزرگواران داده شد؟ 198

موعظه شیطان به حضرت نوح و موسی علیهما 200

شرح دعای روز بیست و دوم 205

چگونه رضایت الهی را جلب کنیم؟ 205

دفاع از امامت علی (علیه السلام) بزرگترین دستاویز 207

رضایت الهی 207

حیات و زندگی علی علیه السلام در جهت 208

جلب رضایت الهی گذشت 208

شرح دعای روز بیست و سوم 213

معیار در ایمان چیست؟ 213

ولایت امیر المومنین ملاک امتحان قلب ها 214

حرکت های زیر زمینی یهود برای مقابله با 218

اسلام راستین 218

انتقام یهود از مظلوم تاریخ امیرالمؤمنین 219

مصیبت منع نقل و کتابت حدیث 220

ص: 10

شرح دعای روز بیست و چهارم 223

مظلوم ترین شخصیت عالم چگونه خدا را 223

عبادت می کرد 223

علی همنشین محرومان 226

علی مظلوم ترین شخصیت عالم 227

آیا بهشت آفریده شده است و وجود دارد؟ 229

شرح دعای روز بیست و پنجم 232

محبت علی (علیه السلام)؛ شرط قبولی اعمال 232

محبت علی (علیه السلام)؛ شرط قبولی اعمال 234

روایتی عجیب در فضیلت محبت امیر 235

المومنین (علیه السلام) 235

نور خدا خاموش شدن نیست 238

یزید نمونه ای از خوار شوندگان 239

شرح دعای روز بیست و ششم 244

هر عمل خیری مورد تشکر خداوند است 244

میثم تمار نمونه ای از صالحین: 246

شرح دعای روز بیست و هفتم: 251

توبه چگونه باعث شادی مومن می شود 251

توبه و محو آثار گناه 253

شرح دعای روز بیست و هشتم 257

اعمالی که مورد تاکید امام زمان (عج) است 257

شرح دعای روز بیست و نهم 269

عصمت از گناهان؛ مقامی دست یافتنی 269

عصمت از گناهان مقامی دست یافتنی 271

نگاهی به فضائل جناب حجر بن عدی 272

خبر غیبی امیر المومنین از شهادت جناب 273

حجر 273

شرح دعای روز سی ام 278

خداوند رضایت خود را در طاعت مخفی 278

نموده است 278

فضیلت و اعمال شب عید فطر 280

خداوند چهار چیز را در چهار چیز، مخفی 280

کرده است؛ 280

حکایت: 282

حکایت 286

منابع و اسناد بیواسطه یا باواسطه کتاب. 289

ص: 12

پیشگفتار

در یکی از روزهای بهاری سال 1394 شمسی مطابق با ماه شعبان 1436 قمری، از طرف خبرگزاری حوزه علمیه مقدسه قم، مأموری بنام جناب آقای حمید کرمی که (قبلاً- با من مصاحبه داشت و در رسانه های عمومی کشور با عناوین مختلف، انتشار یافت) با اینجانب حضوراً صحبت کرد که نزدیک ماه مبارک رمضان است، از طرف خبرگزاری حوزه

مأموریت دارم، در باره دعا‌های روزانه این ماه شریف، از توضیحات حضرت‌تعالی، استفاده نموده و هر روز در اینترنت و رسانه‌ها پخش نمائیم تا مورد استفاده عموم قرار گیرد. حقیر نیز این پیشنهاد را با کمال میل پذیرفته و در طول یک هفته سی جلسه در مورد محتوا و مضامین دعا‌های مربوطه، تشریح و توضیح داده و در اختیار عزیزان و سروران محترم، قرار دادم و در طول ماه مبارک رمضان همان سال، از اینترنت و رسانه‌ها پخش گردید و خود بنده نیز از اینترنت ضبط کرده، بدون دخل و تصرف مجدد در اختیار علاقمندان قرار دادم امیدوارم این بنده ناچیز و فرزند جوانمرگم مرحوم حجت الاسلام آقای دکتر حاج حسن امینی گلستانی را از دعای خیر خود محروم نفرمایند.

سه شنبه 9 تیر 1394 الثلاثاء 13 رمضان Tuesday, 2015,03 June کد خبر: 352045 / تاریخ مخابره: 1394/3/28 - 04:07
/سرویس: علمی، فرهنگی

شرح دعای روز اول: چرا برخی دعاها مستجاب نمی شود

حوزه / دعا در اصل اگرچه گفتگو با خالق یکتاست، ولی در حقیقت مبین نیاز و احتیاج بشر به بی نیاز مطلق است که همه به او پناه می برند و در موقعیتی که انسان دستش از همه جا کوتاه بود و فریادرسی جز خدا را نمی شناسد، او را صدا می زند...

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، ضمن

تبریک حلول ماه مبارک رمضان، چون سنوات گذشته، شرح و توضیح دعا‌های روزانه ماه پرفضیلت رمضان را این بار به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می‌کند.

* متن دعا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ (1) وَصِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَنَبِّهْنِي فِيهِ عَنِ نَوْمِهِ الْغَافِلِينَ وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ. (2)

* ترجمه

خدایا روزه مرا در این روز مانند روزه داران حقیقی قرار ده، اقامه نمازم را مانند نمازگزاران واقعی مقرر فرما و مرا از خواب غافلان هوشیار ساز و هم در این روز جرم و گناهم را ببخش، ای خدای عالمیان و از زشتی‌هایم عفو فرما، ای عفوکننده از گناهکاران عالم.

* شرح دعا

دعای روز اول ماه رمضان دارای فرازهای چندی

ص: 17

است که نیاز به توضیح و تشریح دارد. ولی قبل از توضیح آن شایسته است که مطالبی در خصوص دعا ذکر شود.

همیشه و مخصوصاً در ماه مبارک رمضان، وقتی دعا می‌کنیم، دعا چه اثر و چه منفعتی برای ما دارد؟ اگر خداوند عالم برای ما تقدیر و سرنوشتی تعیین کرده، آیا می‌توان با دعا؛ قضا، قدر و تقدیر را عوض کرد و سرنوشت را تغییر داد؟ بسیاری از افراد این سؤال را می‌پرسند و منتظر جواب هم می‌مانند، برخی جواب را می‌پذیرند و برخی نیز در شک باقی می‌مانند!

آیا دعا قضا و قدر را تغییر می‌دهد؟

اتفاقاً این سؤال در زمان امام صادق (علیه السلام) هم مطرح بوده؛ امام (علیه السلام) به میسر بن عبدالعزیز می‌فرماید: ای میسر دعا کن و مگو که کار گذشته و آن چه مقدر شده همان شود (و دعا اثری ندارد)، همانا نزد خدای عزوجل منزلت و مقامی است که بدان نتوان رسید، جز

به درخواست و مسألت، و اگر بنده ای دهان خود ببندد و درخواست نکند، چیزی به او داده نشود، پس درخواست کن تا به تو داده شود،
در

این مسیر هیچ دری نیست که کوبیده شود، جز این که امید آن رود که به روی کوبنده باز شود. (3)

نمونه هایی از اثرات دعا در زندگی انبیاء و اولیاء الهی

حضرت زکریا (سلام الله علیه) با این که پیر شده بود و خانم ایشان هم نازا بود، اما از خداوند اولادی خواست که وارث آل یعقوب (علیه السلام) باشد، بعد از مدتی، جبرئیل امین برای او خبر آورد، خداوند عالم می خواهد به شما اولادی دهد، حضرت زکریا (علیه السلام) تعجب کرد، به جبرئیل امین (علیه السلام) فرمود: آیا بعد از آن که زن من پیر است، خداوند می خواهد به من اولادی دهد؟ جبرئیل امین (علیه السلام) فرمود، تو را خداوند آفرید، در زمانی که هیچ چیزی نبود، یعنی خدایی که تو را از نیستی به هستی آورد، همان خدا هم به تو اولاد خواهد

ص: 19

داد و در زمان پیری و نازائی؛ خداوند حضرت یحیی را به وی عطا فرمود؛ یا برای حضرت مریم (س)، بدون شوهر فرزندی را عنایت می کند که از نظر طبیعی غیر ممکن می نمود و قضایای حضرت ابراهیم (علیه السلام) که کارهای ناشدنی با دعا شدنی می شود.

اما این که اوقات قبولی چه زمانی است و شرایط دعا کردن چیست، از مسائلی می باشد که در مورد آن بسیار قلم فرسایی کرده اند، چون دعا مانند عبادت بوده و باید عابدانه، زاهدانه و عارفانه باشد و همچنین شرایطی که در عبادت هست، در دعا نیز رعایت شود.

پرهیز از غفلت در ماه مبارک رمضان!

امروز روز اول ماه مبارک رمضان است، ما وارد ماه دعا و قرآن و عبادت می شویم و این روزها را با غفلت نگذرانیم و با خداوند متعال اتصال داشته باشیم و از برکات سحر محروم نشویم، در روایت است «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُّ عَيْنٍ بَأَكِيهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٌ عَيْنٌ

ص: 20

عُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ أَوْ عَيْنٌ سَهْرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ حَشْيِهِ اللَّهُ» (4) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است، مگر سه چشم:

(1) چشمی که از محرّمات الهی بسته شده باشد.

(2) چشمی که در طاعت خدا شب زنده داری کند.

(3) چشمی که در دل شب از خشیت و ترس خداوند گریان باشد.

خدایا به احترام محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) تو را قسم می دهیم که چشمان ما را در آن روز نگریانی.

امروز دعای ما این بود که خدایا روزه ما را مانند روزه روزه داران قرار بده، یعنی روزه ما را روزه قبول شده قرار بده، و قیامی فیہ قیام القائمین، نماز من را در این روز مانند نماز نمازگزاران واقعی قرار بده، یعنی آنهایی که نمازشان مورد قبول شماس است تا مانند بی نمازان نباشم، نماز جایگاه عظیمی در نزد حق متعال دارد

خدایا به احترام محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) و به احترام این ماهی که در آن برای عبادات ارزش قائل هستی، ما را از روزه داران و نمازگزاران واقعی این ماه به حساب بیاور. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

پی نوشت ها:

(1) مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی راجع به شرایط روزه صحیح چنین گفته است :

در روایات آمده است: «غیبت، دروغ، نگاه (حرام) پی در پی، دشنام دادن و ظلم - کم باشد یا زیاد -، باعث باطل شدن روزه می شود، و روزه، فقط خودداری از خوردنی و آشامیدنی نیست، هنگام روزه گوش، چشم، زبان، فرج و شکمت نیز باید روزه بگیرند. دست و پایت را نگهدار و بسیار سکوت کن مگر از خیر. و با نوکرت رفق و مدارا نما. هنگام روزه باید گوش و چشم تو نیز از حرام و زشتی روزه بگیرد. از جدال و آزار

ص: 22

رساندن به نوکر خودداری کن و وقار روزه را داشته باش و روزی که روزه ای با روزی که روزه نیستی باید با هم فرق داشته باشند.» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «آسان ترین چیزی که خداوند در روزه بر روزه دار واجب نموده، خودداری از خوردنی و آشامیدنی است.» فقها به صحت روزه بعضی از آنها فتوا داده اند. جمع بین روایات بالا با روایتی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده و سخن فقها به این است که بگوییم منظور از صحت در احادیث فوق این است که چنین روزه ای مورد قبول خداوند است و منظور از صحت در کلام فقها این است که چنین روزه ای قضای آن را ساقط می کند.

خلاصه این که روزه صحیح و کاملی که خدا برای کامل نمودن روزه دار مقرر فرموده است، قطعاً روزه ای است که شامل خودداری اعضای بدن از گناه می باشد، و روزه کاملتر این است که علاوه بر آن، قلب را از یاد غیر خدا باز داشته و از هر چه غیر اوست روزه بگیرد. و هنگامی که انسان ماهیت روزه، درجات و فلسفه تشریح

آن را فهمید، ناچار باید از هر گناه و حرامی، بخاطر قبول روزه اش خودداری کند.

و الا مسئول بوده و بخاطر اینکه اعضای بدنش روزه نگرفته اند، مجازات می شود، و ساقط شدن قضای روزه به این معنا نیست که انسان را در روز قیامت از مجازات نجات دهد. (ترجمه المراقبات ص: 210)

(2) اقبال الاعمال ص 109

(3) أصول کافی / ترجمه مصطفوی، ج 4، ص: 211

(4) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: 177

(5) إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج 1، ص: 190

ص: 24

سه شنبه 9 تیر 1394

کد خبر: 334402 / تاریخ مخابره: 1394/4/9-09:03/سرویس:

علمی، فرهنگی

به گزارش جهان به نقل از «خبرگزاری دانشجو» دومین روز ماه مبارک رمضان شرح دعای این روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

شرح دعای روز دوم: تقرب به رضای خدا و دوری از غضب او

اللهم قَرِّنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَاتِكَ، وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِقِرَائِهِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ص: 25

خدایا مرا در آن (روز) نزدیک کن به آنچه مورد رضای تو است، و مرا در آن از کارهایی که موجب ناراحتی و خشم و غضب تو است دور بدار، و برای خواندن آیات قرآنت به من توفیق ده، به حق رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

پیام های این روز عبارتند از:

1- گام برداشتن برای بدست آوردن رضای الهی؛

2- گام برنداشتن در مسیر خشم الهی؛

3. اهمیت تلاوت قرآن کریم.

در فراز اول این دعا آمده است: «اللهم قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ»؛ «خدایا مرا نزدیک کن به آنچه مورد رضای تو است.»، یعنی خداوندا به آن اعمالی که مایه رضای تو است مرا نزدیک کن.

مقام رضا مقام والای بندگان خالص خدا

مقام رضا مقام بالایی است که بندگان خالص خدا به

ص: 26

آن می رسند و هر کسی لیاقت دست یابی به این مقام را ندارد. در پایان سوره مبارکه فجر که به سوره امام حسین (علیه السلام) مشهور است سخن از مقام رضا صحبت شده است، می فرماید: «يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِزْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي»

ای نفس آرام گرفته به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که تواز او راضی هستی و او از تو راضی، پس داخل بندگان من شو، و وارد بهشت من شو.

حالات سیدالشهدا (علیه السلام) در روز عاشورا تجلّی مقام رضا است؛ حضرت در لحظات آخر تجلّی صبر و رضای خود را در قالب مناجات نشان داده است که از درک آن عاجزیم، آن کلمات و عبارات در حالی صادر شده است که خود غرق در خون بر روی زمین افتاده و در حالی است که او عزیزترین افراد خویش در مقابل چشمانش پَر پَر شده و خاندانش در آستانه اسارت قرار گرفته اند.

در فراز اول دعای این روز از خداوند می خواهیم که

ص: 27

ما را به آنچه مورد رضای اوست نزدیک سازد؛ گامی برداریم و کاری انجام دهیم که مورد رضایت و خوشنودی او باشد؛ چون اعمال ما بر دو دسته است: دسته اول: کارهایی که ما را به خدا نزدیک می کند، دسته دوم:

کارهایی که ما را از خدا دور می کند، در این فراز از دعا از خدا می خواهیم اعمال و کارهای ما را جزء اعمال دسته اول قرار دهد.

پرهیز از خشم الهی

در فراز بعدی دعا آمده است: «وَجَبَّئِنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَاتِكَ» سخط در مقابل رضا است و نقیمت به معنای غضب است. معنای این فراز از دعا آن است که «خدایا! از کارهایی که موجب ناراحتی و خشم و غضب توست، من را دور بدار.»

اهمیت تلاوت قرآن کریم

در فراز سوم دعا آمده است: «وَوَقَّعَنِي فِيهِ لِقْرَائِهِ»

ص: 28

آيَاتِك بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ «و برای خواندن آیات قرآنت به من توفیق ده، به حق رحمتت ای مهربان ترین مهربانان!»

ماه مبارک رمضان ماه قرآن و بهار تلاوت قرآن است. حضرت زین العابدین (علیه السلام) در ماه مبارک رمضان چهل بار ختم قرآن می کردند. یعنی هر روز یک ختم کامل به علاوه یک مقدار اضافه تر.

امام خمینی نیز با توجه به این که بار بسیار سنگین رهبری انقلاب و مرجعیت دینی را بر دوش داشتند، با توجه به کهنوت سن و کسالتی که داشتند، ولی با این همه مقید بودند که در ماه مبارک رمضان، روزی ده جزء از قرآن را تلاوت می کردند و تمام جلسات سخنرانی خود را تعطیل می کردند.

ماه رمضان ماه نزول قرآن در مهمترین شب آن یعنی شب قدر است، تلاوت قرآن در ماه مبارک رمضان جلوه خاصی دارد و بسیار با اهمیت است چنان که در این فراز از دعا از خداوند می خواهیم توفیق تلاوت در ماه

مبارک را داشته باشیم.

کفعمی در ثواب این دعا نقل کرده است: «کسی که این دعا را بخواند، خدای تبارک و تعالی به ازای هر گام او یک سال عبادتی که روزهای آن را روزه باشد و شب های آن را به عبادت گذرانده باشد عطا می کند.» این ها همه تفضّل خداوندی است که راه میان بر برای بندگان خویش می نمایاند، و آنان را برای پیمودن این راه تشویق و ترغیب می سازد، این گونه تشویق ها برای بیان لزوم ایجاد ظرفیت و فراهم آوری زمینه برخورداری انسان از نعمت های ویژه ای است که در این ماه وجود دارد.

ص:30

شرح دعای روز سوم: چگونه از خواب غفلت بیدار شویم؟

خدایا به ما آنقدر هوش و فراست بده که پیرو مخالفین تو نباشیم، مانند آنهایی که در زمان همه انبیاء پشت سر اشخاص نامناسبی که از خدا دور بودند حرکت کرده و از آنها تبعیت می نمودند.

به گزارش جهان به نقل از «خبرگزاری دانشجو» در سومین روز ماه مبارک رمضان شرح دعای این روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَالتَّيْبَةَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ وَاجْعَلْ لِي نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ. (1)

خدایا در این روز مرا هوش و بیداری نصیب فرما و از سفاهت، جهالت و کار باطل دور گردان و از هر خیری که در این روز نازل می فرمایی، مرا نصیب بخش، به حق جود و کرمت، ای جود و بخشش دارترین عالم.

در قسمت اول این دعا می گوئیم خدایا برای من در این روز ذهن و هوش و بیداری روزی بگردان، این کلمه خیلی مهم است، یعنی خدایا مرا در این روز به نوعی بیدار کن و ذهن و هوش بده که من تابع دستورات شما باشم، پیرو کسانی نباشم که با تو مخالفت می کنند و بدون رضایت تو کارهایی را انجام می دهند، حال این بیدار شدن و باهوش شدن براساس چه اصلی است؟ این ذهن که ما می گوئیم یعنی هوش و این هوش از نظر خواندن دعا و قرآن و خوردن میوه ها و مواد غذایی که هوش را زیاد می کند، جای بحث فراوان دارد و روایات احادیث متعددی در این باب بیان شده است.

مانند این که کسی که می خواهد هوشش زیاد شود، کندر بخورد، کندر با اینکه تلخ است، خیلی از علمای ما عادت داشتند که کندر بخورند، اینها مسائل مادی

است اما از نظر معنوی که هوش و بیداری را از (خدا می خواهیم، مسأله مهم این است که خدایا به ما آن قدر هوش و فراست بده که ما پیرو مخالفین تو نباشیم، مانند آنهایی که در زمان همه انبیاء پشت سر اشخاص نامناسبی که از خدا دور بودند، حرکت و از آنها تبعیت می کردند.

دوری از ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) از مصادیق پیروی از باطل این تباعد از دوستان الهی و پیروی از دشمنان اولیای الهی در صدر اسلام نیز اتفاق افتاد.

رسول خدا در مدت بیست و سه سال دوران نبوتشان در هر فرصتی امیر المؤمنین (علیه السلام) را به مردم می شناساند، و فضیلت او را بیان می فرمود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در اولین روزهای دعوت به رسالتش که از فامیل ها، اقارب و نزدیکانش دعوت کرد کسی غیر از امیر المؤمنین (علیه السلام) جواب او را لیبیک نگفت و رسول الله (صلی الله علیه و آله) در همان جلسه اول فرمودند: این وزیر و امین و جانشین من است، حتی ابوطالب که پدر امیر المؤمنین (علیه السلام) بود را مسخره کردند و می گفتند: باید بعد از این از پسر

خردسالت اطاعت کنی، لذا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مردم را از همان روز نخستین دعوتش متوجه مقام امامت و ولایت علی علیه السلام نمودند و این توجه دادن تا آخرین روزی که پیامبر اکرم از این دنیا رحلت نمودند ادامه داشت.

عظمت این انتصاب الهی به گونه ای بود که حضرت در حجه الوداع در غدیر خم، چهار روز حاجی های خسته را سر چهار راه غدیر خم نگه داشت، زیر آفتاب سوزان تا آنهایی که جلوتر رفتند برگردند و آنهایی که عقب ماندند برسند، بعد از چهار روز که مردم زیر سایه اسبان خودشان نشسته بودند، منبر بلندی از جهاز شتر درست کردند و دست امیر المؤمنین (علیه السلام) را گرفت و بالای پله آخر منبر برد، بعد از خواندن خطبه ای مفصل و اعتراف گرفتن از حاضرین که من نسبت به ادای فرایض و فرامین الهی برای شما قصوری نکرده و همه را انجام داده ام و همه تصدیق کردند فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر فرمود: أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَرَفَعَ يَدِيهِ

الی السّماء و قال ألا من كنت مولاه فهذا علیّ مولاه أللّهمّ وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله: آیا من از خود شما به شما اولی تر نیستم؟ گفتند بلی ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله)، سپس دستهایش را به آسمان بلند کرد و گفت: آگاه باشید هرکس من مولای اویم این علی مولای اوست، خدایا دوست دار آنان که علی را دوست دارند، دشمن بدار کسانی را که علی را دشمن بدارند، و کمک کن به آنان که علی را یاری رسانند و خوار (وذلیل) کن کسانی را که علی را خوار نمایند.

متأسفانه برخی از مغرضین و مفسرین بی انصاف روی این آیه تصرفات و تفسیرهای مغرضانه نوشتند و این حقیقت بین تاریخی را با تاویلات غیر صحیح مخفی نمودند و انکار کردند.

پی نوشت ها:

(1) اقبال الاعمال ؛ سید بن طاوس ص 123

انتهای خبر / خبرگزاری دانشجو / کد خبر 419833

جهان نیوز

ص:35

تیر 1394 الثلاثاء 13 رمضان 2015,03 Tuesday, June

کد خبر: 352207 / تاریخ مخابره: 1394/4/31 - 4:13 / سرویس:

علمی، فرهنگی

شرح دعای روز چهارم: شیرینی ذکر خدا در دعای روز چهارم

حوزه / اگر خداوند این دعا را از ما بپذیرد، ما را هم آماده و مهیا می کند با آن قدرت و نیرویی که بخشیده، در مقابل ناملایمات و در مقابل بلاها و گرفتاریهای دینی و مذهبی مقاومت و صبر و تحمل نماییم .

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»

ص:36

در چهارمین روز ماه مبارک رمضان شرح دعای این روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

اللهم قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَادِقِّنِي فِيهِ حِلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَاحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَسِتْرِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ»

خدایا نیرومندم نما در آن روز به بر پا داشتن فرمانت و بچشان در آن شیرینی یادت را و مهیا کن مرا برای انجام سپاس گزاریت به کرم خودت نگهدار مرا در این روز به نگاه داریت و پرده پوشی خودت ای بیناترین بینایان.

چگونه امر الهی را برپا کنیم؟

فراز اول این دعا « اللهم قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ»، جمله ای بسیار پر محتواست می فرماید؛ من را در این روز قوت و نیرو ده برای به پا داشتن فرمان خودت، این نیروبخشی خداوند عالم لطفی است که اگر شامل کسی

شود، تمام مشکلات برای او حل خواهد شد، اگر خداوند این دعا را از ما بپذیرد، ما را هم آماده و مهیا می کند و با آن قدرت و نیرویی که بخشیده، در مقابل ناملاایمات و بلاها و گرفتاری های دینی و مذهبی مقاومت و صبر و تحمل می نماییم، برای نمونه هزاران و بلکه ده ها هزار نفر در تاریخ داریم که خداوند عالم نعمت قدرت، توان و تحمل را در برابر معتقدات و آرمانهایش به آنها داده بود و با این قدرت و نیرو در برابر دشمنان ایستادگی کردند حال در زمان خودمان چه کارهایی انجام دهیم، خودش می داند.

اولین مسلمانی که در کوفه دفن شد

برای نمونه خباب بن ارت تمیمی از اعراب قبیله تمیم و از اسیران دوران جاهلیت بود در مکه به زنی به نام «امّ النمار» فروخته شد. او پدر عبدالله بن خباب بود.

خاباب از پیشگامان مسلمان و نخستین گروندگان به اسلام است. وی در راه پذیرش اسلام متحمل رنج و

شکنجه زیادی گشت و از این رو وی را از معدّیین» (عذاب دیدگان) به شمار می آورند. خباب آهنگر بود و از زمانی که ام النمار از مسلمان شدن خباب آگاهی یافت، آهن گداخته را از کوره بیرون می آورد و سر خباب را با آن می سوزاند.

کفار قریش، زره بر تن وی می پوشاندند، او را زیر آفتاب سوزان مکه می انداختند و وقتی حلقه های زره به بدنش فرو می رفت، آن را با پوست تش می کردند! وی همچنان در راه اسلام استقامت ورزید، تا اینکه روزی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را کنار کعبه دید و زبان به گلایه گشود، از پیامبر(صلی الله علیه و آله) خواست برای رهایی وی دعا کند. پیامبرصلی الله علیه و آله) وی را دلداری داد و با بیان شکنجه هایی که خداپرستان امت های پیشین متحمل می شدند، او را به استقامت در راه هدف فرا خواند.

خاباب پس از چندین سال تحمل شکنجه و آزار مشرکان قریش، به هنگام هجرت مسلمانان به مدینه، به آن دیار هجرت کرد و همچون گذشته در کنار رسول

خدا(صلی الله علیه و آله) ماند و در تمامی جنگ های آن زمان شرکت کرد.

او پس از رحلت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از حامیان و دوستان خاص امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) شد. خواب در سال های آخر عمر به کوفه هجرت کرد و به علت بیماری سختی که دچارش شده بود، نتوانست در جنگ های امام علی(علیه السلام) شرکت جوید.

سرانجام خواب در سال 37 قمری در اثر همان بیماری درگذشت و اولین مسلمانی بود که در کوفه مدفون گشت.

نقل است که امیرالمؤمنین(علیه السلام) به هنگام بازگشت از نبرد صفین، وقتی از مرگ وی آگاه شد، وی را ستود و فرمودند: «خداوند خواب را رحمت کند که به دلخواه خویش اسلام آورد، به میل خود هجرت کرد، عمری را به مجاهدت سپری کرد و شکنجه های فراوانی تحمل نمود.

خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد.» (1)

عبدالله بن خباب که یکی از مریدان خاص امیر المؤمنین (علیه السلام) بود، قصه ای بسیار شنیدنی دارد، وقتی که شیوخ نهروان در گردن خود قرآن آویختند و همه جا می خوانند و از امیر المؤمنین (علیه السلام) جدا شدند و به حضرت اعلام جنگ کرده و به سوی نهروان حرکت کردند، عبدالله بن خباب، با همسرش نزدیک وضع حملش بود، در نزدیکی نهروان با شیوخ نهروان مواجه شد، او را شناختند و گفتند عبدالله، درباره علی و درباره تحکیم یعنی حکمیت عقیده ات چیست؟ گفت علی امیر المؤمنین است و اول من آمن بالله علی است که دین اسلام را یاری کرد و پرچم اسلام را برافراشته کرد و با زحمات او دین اسلام پیشرفت نمود، به او گفتند؛ بگو علی مسلمان است یا کافر؟ گفت کسی که اسلام را در همه جا جلو برده و پخش کرده بگویم کافر است؟ گفتند بخاطر همین عقیده ما تو را می کشیم، این بنده خدا را با زن و بچه اش، با چهار خانمی که همراهش بود، کنار نهر نهروان آوردند و اول شکم خانمش را شکافتند، بچه زنده را

بیرون آوردند و جلوی چشم پدر سر بچه اش را بریدند و زنش هم که شکمش پاره شد از بین رفت، خودش را هم سر بریدند و خودش را به نهر نهروان ریختند و چهار زن همراه او را اعدام کردند، این شخص با این عشق و علاقه، همه چیزش را با نیروی خدادادی در راه اسلام و قرآن فدا کرد.

مراقب راهزنی جهالت و نادانی باشیم

خوارج نهروان نمونه ای از کج فهمان حقیقت دین هستند، تا جایی که اینگونه جنایاتی انجام می دهند و بی گناهان را سر می برند، اما زمانی که از نخل خرما می یک عدد خرما پایین افتاد و یکی از اینها خرما را برداشت و خورد، دیگران بر سر او فریاد زدند و گفتند چرا حق الناس می خوری؟ حق خرما را به صاحبش پرداخت کن، یا کسی از ایشان که با شمشیر به خوکی که متعلق به یهودی ها یا نصرانی ها بود زد، باز بر سر او فریاد زدند که تو حق الناس را زخمی کردی، لذا باید

ص:42

پول این خوک را به صاحبش پرداخت کنی، گاهی جهات جهالت و نادانی تا کجا ها می رسد. بنابراین همواره خوف جهالت و نادانی وجود دارد و ما در ماه مبارک رمضان از خداوند می خواهیم که ما را از این نوع جهالت ها دور بدارد انشاء الله.

چگونه شیرینی ذکر خدا را درک کنیم!؟

در قسمت دوم این دعای مبارک می خوانیم، و اذقنی فیه حلاوه ذکرک، خدایا در این روز برای من شیرینی یاد کردنت را بچشان، یعنی به من عنایت فرما که شیرینی ذکر تو را درک کنم.

اویس، میراث دار ارزش ها

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در هر جلسه ای که در مدینه شرکت می کرد، رو به یمن کرده و می فرمودند: **إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ** (2) من رحمت الهی را از طرف یمن درک می کنم و می چشم، روزی

یکی از اصحاب گفت؛ یا رسول الله این کیست که به این اندازه به او علاقه مند هستید؟ فرمود او کسی است که اگر به مجلس ما بیاید به او بی‌اعتنایی می‌کنید و او را به حساب نمی‌آورید، اگر سخن بگوید، به حرفش گوش نمی‌کنید، اگر در جماعتان باشد، خود را سرافکننده به حساب می‌آورید که این شخص چرا در جلسه ما شرکت کرد، اما او کسی است که با شفاعت او مانند قبیله به تعداد قبیله ربیع و مضر به بهشت می‌روند (این دو قبیله به پرجمعیتی معروف بودند)، اما حیف که من او را نخواهم دید، او در بیابان یمن است، یک نفر شترچران بود با مادرش زندگی می‌کرد و از مال دنیا چیزی نداشت و پا برهنه بود. (3)

پی‌نوشت‌ها:

(1) اعیان الشیعه، ج 6، ص 304؛ قاموس الرجال، ج 4، ص 154

(2) مجموعه ورام، ج 1، ص: 154

(3) رک: الارشاد مفید: 167، اعلام الوری: 173، روضه الواعظین: 2/ 289، الثاقب فی المناقب: 267 ذح 230، الأحادیث

ص: 44

روز 5

اشاره

به خبرگزاری حوزه خوش آمدید اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحَجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

سه شنبه 1 تیر 1394 الثلاثاء 13 رمضان Tuesday, 2015,03 June

کد خبر: 352275 / تاریخ مخابره: 1394/4/1 - 1:17 / سرویس:

علمی، فرهنگی

شرح دعای روز پنجم: کلید خوشبختی و سعادت در دعای روز پنجم

ص: 45

حوزه / در شرح و توضیح دعای روز پنجم به برخی از حالات او ایس قرنی، مرد الهی و نمونه بارز مستغفرین می پردازیم .

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه» شرح و توضیح دعاهای روزانه ماه پرفضیلت رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

دعای روز پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَائِمِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (1)

ترجمه: خدایا مرا در این روز از توبه کنندگان و استغفار کنندگان قرار ده و از بندگان صالح مطیع خود مقرر فرما و هم در این روز مرا از دوستان مقرب درگاه خود قرار ده به حق لطف و رأفت خود ای مهربانترین

ص: 46

اویس قرن نمونه ای از مستغفرین

اویس قرنی نمونه ای از مستغفرین بود که رسول خدا برای اصحابشان حالات این شخص را تشریح کرد و فرمود: من از دنیا می روم و با آرزوی دیدارش دنیا را وداع می کنم ولی حیف که او را نخواهم دید.

این یک جمله بود که عرض کردم در حالی که یک دنیا معنا دارد، یک نفر در بیابان خشک و بی آب و علف یمن با پای پیاده شترچرانی می کند و رسول خداص در مدینه با آرزوی دیدار او از دنیا می رود.

احترام به مادر کلید خوشبختی و سعادت

مادر اویس، پیرزنی ناتوان، بیمار و نابینا بود. اویس به حکم فطرت و هم چنین فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله به نیکی و مهربانی با والدین، مراقب مادر

بود. هنگامی که شوق دیدار پیامبر نور و رحمت (صلی الله علیه و آله)، سرتاسر وجودش را فراگرفته بود، بر خویش واجب دانست با اجازه مادر، برای دیدار پیامبر به مدینه سفر کند. مادر که کسی جز اوئیس نداشت و نیازمند پرستاری بود، گفت: اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه نبود، توقف نکن و زود بازگرد.

اوئیس با شور و شوق دیدار

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه سفر کرد. وقتی به مدینه رسید، با خبر شد که پیامبر به سفر رفته است. او که می دانست پیامبر راضی نیست برای دیدارش به مادری بی احترامی شود، آخرین نگاه را به خانه گلین پیامبر دوخت و با سختی از شهر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خارج شد.

هنگامی که پیامبر به مدینه بازگشت، به او عرض کردند: شتر چرانی از یمن به نام اوئیس به این جا آمد و به شما سلام رسانید و بازگشت. پیامبر فرمود:

«آری، این نور اوئیس است که در خانه ما هدیه گذاشته و خود رفته است».

(2)

ص: 48

یک شب را شب رکوع می گفت، دو رکعت نماز مستحبی شروع می کرد در رکعت اول که به رکوع می رفت تا اذان صبح در رکوع بود، شبی را به نام ليله السجود گذاشته بود، شب را با یک سجده به صبح می رساند، یک شب را ليله القرائه نام گذاشته بود و قرآن می خواند، به او گفتند چرا این همه زحمت را متحمل می شوی؟ یک شب را با رکوع به صبح می رسانی؟ گفت من آرزو می کنم کاش تمام عمر من یک شب بود و آن شب را با یک رکوع به صبح می رساندم چراکه او شیرینی صحبت با خدا را درک کرده بود، و همچنین از استغفار کنندگان و بندگان صالح و مطیع خدا بود.

(1) اقبال الاعمال ج 1 ص 261؛ با این تفاوت که در کتاب اقبال الاعمال و دیگر مصادر روایی بجای « اولیائک المقربین » عبارت « اولیائک المتقین » آمده است

(2) منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل علیهم السلام (فارسی)، ج 1، ص: 467

(3) ارشاد شیخ مفید: 167، اعلام الوری: 173

ص: 50

کد خبر: 352357 / تاریخ مخابره: 1394/4/3 - 16:4 / سرویس:

علمی، فرهنگی

شرح دعای روز ششم: راز عزت و سربلندی در دعای روز ششم

حوزه/ فاصله گرفتن از حق، همه حالات انسانی را به نابودی می کشاند و از وجود انسان، حیوانی خطرناک می سازد که جز زیان، ضرر، خسارت و خطر چیزی برای خود و دیگران به بار نمی آورد.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه» شرح و

ص: 51

توضیح دعاهای روزانه ماه رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَصْنَرْبُنِي بِسِيَّئِ يَأْطِ نَقْمَتِكَ وَزَحْزِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَأَيَّادِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ (1)

خداوندا مرا در این روز به واسطه ارتکاب عصیان خوار مساز و به ضرب تازیانه قهرت کیفر مکن و از موجبات خشم و غضبت دور گردان، به حق احسان و نعمت های تو به خلق ای منتهای آرزوی مشتاقان.

گناه؛ عامل خواری انسان

در این دعا به مسائل مهمی متوسل و متمسک می شویم و از خدا می خواهیم تا ما را در این روز از نافرمانی خدا محفوظ بدارد و خوار نشویم، این جمله اشاره بر این است که گناهکاران و معصیت کاران موجب خشم خدا و مورد خواری در نظر خدا و رسولش خواهند

ص: 52

شد، یعنی کسانی که گناهکارند، همیشه مورد غضب و مورد خذلان و خواری در پیشگاه خداوند عالم هستند.

بلعم باعورا نمونه ای از خوار شدگان

بلعم باعورا، عالمی از بنی اسرائیل است که اسم اعظم را می دانست و مستجاب الدعوه بود، ولی مورد فریب فرعون قرار گرفت و با حضرت موسی (علیه السلام) به دشمنی پرداخت و این امر موجب گرفته شدن اسم اعظم و سایر عنایات الهی از او شد.

در قرآن می خوانیم: برای آنان سرگذشت آن کس را بخوان که آیات خود را به او دادیم، ولی او از این مقام کنار گذاشته شد و از گمراهان گردید و اگر ما می خواستیم می توانستیم او را با این آیات بالا ببریم ولی او به زندگی این دنیا چسبید و پیرو هوای نفس خود شد (2)

این آیه از دانشمندی سخن می گوید که به مقامات معنوی بسیار بالا رسید ولی سرانجام پیرو شیطان شد و ساقط گردید.

ص: 53

بلعم باعورا بر اثر تمایل به فرعون از راه حق منحرف شد و همه مقامات معنویش از دست رفت و از مخالفان حضرت موسی گردید.

خداوند عالم در سوره اعراف مثل این شخص را اینگونه بیان می کند: «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثُ» پس داستانش چون داستان سگ است [که] اگر به او هجوم ببری، زبان از کام بیرون می آورد، و اگر به حال خودش واگذاری [باز هم] زبان از کام بیرون می آورد. این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ پس این داستان را [برای مردم] حکایت کن، شاید [نسبت به امور خویش] بیندیشند.

آری؛ فاصله گرفتن از حق، همه حالات انسانی را به نابودی می کشاند و از وجود انسان، حیوانی خطرناک می سازد که جز زیان و ضرر و خسارت و خطر چیزی برای خود و دیگران به بار نمی آورد.

یعنی شخصی که دارای اسم اعظم بود در نهایت

مورد ذلت و خواری معصیتی شد که اقدام نمود.

عبودیت راز عزت و سربلندی

در برابر امثال بلعم باعوراء کسانی را در تاریخ می بینیم که حضرت موسی (علیه السلام) به کوه طور مراجعه می کردند مردی آنجا بود که ششصد سال عمر کرده بود، کنار راه افتاده بود و حتی به خرج روزش هم محتاج بود.

حضرت موسی (علیه السلام) که از آنجا عبور می کرد، به حضرت موسی (علیه السلام) گفت: یا موسی می گویند خدایی هست و تو با او حرف می زنی، تو به او بگو: خدایا آن شخص می گوید من تو را به خدایی نمی پذیرم، و روزی تو را هم نمی خورم.

حضرت بعد از مناجات قصد برگشت کرد، از درگاه خداوند عرضه شد یا موسی چرا امانت بنده من را نرساندی؟ عرض کرد من خجالت می کشم حرف او را بگویم، عرضه شد بگو، گفت او گفته من تو را به خدایی نمی پذیرم و روزی تو را هم نمی خورم روزی من را

ص: 55

نده، خداوند فرمود: به او بگو اگر من را به خدایی قبول نداری من تو را به بندگی قبول می کنم، و اگر روزی من را نمی خواهی ولی من روزی تو را می دهم، در برگشت آن شخص گفت یا موسی پیام من را به خدایت رساندی؟ خدایت چه گفت؟ موسی گفت: خداوند فرمود: اگر من را به خدایی نمی پذیری من تو را به بندگی می پذیرم، اگر روزی من را نمی خوری، من روزی تو را می دهم، گفت موسی خدای تو خدای خوبی است. او هم هماندم ایمان آورد و در همانجا وفات کرد، نه نمازی خواند؛ نه روزه ای گرفت نه کاری کرد، اما عاقبت به خیر شد، او با آن وضع مورد رحمت خدا قرار گرفت اما شخصی که اسم اعظم را می دانست خداوند عالم با کلمه کلب او را مثال می زند، لذا می گوئیم خدایا در این روز با معصیت کردن من را خوار نکن، و با تازیانه های غضب و خشم تنبیه ام نکن.

از موجبات غضب الهی دوری کنیم

در فراز دیگری از این دعا می خوانیم: « وَ زَحْزَحْنِي

ص: 56

فِيهِ مِنْ مُوَجِّبَاتِ سَخَطِكَ» خدایا من را از آن عملهایی که موجب سخط توست دور بدار افراد زیادی بودند اقدام به آن اعمال نمودند و بیچاره شدند، در مقابل برخی افراد از آن اعمال کنار رفتند و بار کنار رفتن خودشان، از مقربین درگاه خداوند عالم شدند. این است که ما هم از خدا می خواهیم ما را از آنهایی قرار بدهد که به درگاه خودش نزدیک کرد.

علی بن یقطين الگوی کارگزاران

علی بن یقطين نخست وزیر عصر هارون الرشید که به اجازه موسی بن جعفر علیهما السلام پست نخست وزیری را قبول کرده بود، یک بار فقط یک شیعه را راه نداد، گفت من وقت ندارم، بگوئید یک وقت دیگر بیاید.

وقتی با لباس مبدل به مکه آمد و اعمال حجش را انجام داد، با اینکه در روایات آمده، حاجی وقتی اعمالش تمام می شود مانند روزی است که از مادر متولد شده، دیگر هیچ گناهی در پرونده اش نیست، ولی این نخست وزیر حج انجام داده، وقتی آمد مدینه،

سحر که مأمورین هارون الرشید هم او را نبینند، درب خانه موسی بن جعفر علیهما السلام را زد، حضرت آمد پشت در و گفت من وقت ندارم تو را ملاقات کنم.

سه شبانه روز در زد و گریه می کرد و گفت من چه کردم که مرا راه نمی دهید؟

فرمود: ابراهیم جمال را چرا در اداره راه ندادی؟ وقت ندارم یعنی چه؟ چرا روی صندلی نخست وزیری کسی را کوچک دیدی و بی ارزش و قرب راهش ندادی مگر کیستی؟

علی بن یقطین گفت من چه کار کنم که از این خجالت بیرون بیایم، حضرت فرمود رضایت او را جلب کن تا من به تو اجازه بدهم، گفت او در مدینه است و من در مکه هستم، حضرت فرمود بعد از اذان مغرب به قبرستان بقیع برو، در فلان محل شتری خوابیده آن شتر تو را به کوفه و منزل آن شتربان می رساند از او حلیت بطلب و برگرد، علی بن یقطین این کارها را انجام داد، به منزل شتربان رسید، وقتی شتربان خواست به او احترام بگذارد، اجازه نداد و به

ص: 58

زمین افتاد و گفت پایت را به صورت من بگذار، قبول نکرد، علی بن یقظین گفت باید این کار را انجام بدهی چرا که به خاطر تو امام مرا در مدینه نپذیرفت، با زحمت و اصرار شتربان پایش را به صورت علی بن یقظین گذاشت، علی بن یقظین گفت پایت را تکان بده و صورت من را به زمین بمال، بعد سوار شتر شد و خدمت حضرت رسید، و حضرت او را پذیرفت، بعد از وفاتش مقاماتی برای او قائل شدند. (3)

(1) إقبال الأعمال ص : 130

اللهم لا تخذلني فيه [في هذا اليوم] بتعرض معصيتك [معاصيتك] ولا تضربني [فيه] بسياط [و أعذني فيه من سياط] [نقمتك و مهاويك و زحزحني] [و ازجرتني] [فيه من] [عن] موجبات سخطك بمنك و أياديك يا منتهى رغبة الراغبين [برحمتك يا أرحم الراحمين]

(2) اعراف آیه 175-176

(3) بحار الأنوار: 85/ 48، باب 4، حدیث 105؛

ص: 59

سه شنبه 9 تیر 1394 الثلاثاء 13 رمضان Tuesday, 2015,03 June

کد خبر: 352406 / تاریخ مخابره: 1394/4/3-13:05/سرویس:

علمی، فرهنگی

شرح دعای روز هفتم: روزه دارانی که روزه نیستند!

حوزه/ نزد رسول خدا(صلی الله علیه و آله) کسی از شخص دیگری در ماه رمضان غیبت کرد، حضرت فرمودند برو افطار کن، گفت یا رسول الله من روزه ام، حضرت فرمودند دیگر تو روزه نیستی، چرا که غیبت کرده ای.

ص:60

«حوزه» / اگر کمک خداوند نباشد موفق به اعمال این روز نمی شویم.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری حوزه شرح و توضیح دعاهای روزانه ماه پرفضیلت رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ اعِنِّي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَجَنَّتِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَأَثَامِهِ وَارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ (1)

ای خدا مرا در این روز بر روزه و اقامه نماز یاری کن و از لغزش ها و گناهان دور ساز و ذکر دایم نصیبم فرما، به حق توفیق بخشی خود، ای رهنمای گمراهان عالم.

برای روزه گرفتن، از خدا کمک بخواهیم

خدایا در این روز من را به نماز و روزه کمک کن، نماز

ص: 61

و روزه مسائلی است که برای همه مهم است، روزه که دستور الهی است و طبق نص قرآن برای امت‌های دیگر هم بوده، «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (2) کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم، روزه گرفتن برای شما واجب شد همانگونه که برای امت‌های گذشته واجب شده بود، کلمه «کما» هم شامل تعداد روز و هم شامل کیفیات آن است و همچنین شامل مسائل مربوط به آن. یعنی همانگونه با چه تعداد روز و چه مسائلی و با چه کیفیتی به ملت‌ها و امت‌های انبیاء پیشین نوشته شده است، برای شما هم واجب گردید.

اینکه برخی از پیروان مذاهب قبلی می‌گویند: ما سه روز روزه می‌گیریم، چرا که خدا فرموده برای هر عمل توده برابر می‌دهم، پس اگر سه روز روزه بگیریم برابر سی روز است، این غلط است، عین همان سی روز باید روزه گرفته بشود و به دستور الهی عمل نماییم.

روزه صحیح شرایط زیادی دارد و تنها تحمل گرسنگی و تشنگی نیست، در روایات زیادی داریم که باید چشم، قلب، اعضا و جوارح روزه بگیرد، بنابر این اینکه یک نفر گرسنه و تشنه می ماند، اما به کارهای حرام دست می زند، به نامحرم نگاه می کند، غیبت می کند، تهمت می زند و معصیت انجام می دهد و خیال می کند که روزه گرفته، در حقیقت روزه نگرفته است.

نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کسی از شخص دیگری در ماه رمضان غیبت کرد، حضرت فرمودند برو افطار کن، گفت یا رسول الله من روزه ام، حضرت فرمودند دیگر تو روزه نیستی، چرا که غیبت کرده ای، «مَنْ اغْتَابَ مُسَدِّمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَنَقَصَ وُضُوءَهُ فَإِنْ مَاتَ وَهُوَ كَذَلِكَ مَاتَ وَهُوَ مُسَدِّمٌ لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ» (3) هر کس از مسلمانی غیبت کند روزه اش باطل و وضویش شکسته شده و اگر در این حال بمیرد، حرام خداوند را حلال داشته است.

در ماه مبارک رمضان همه اعضای ما باید روزه باشد، بخصوص قلب ما، یعنی کینه کسی را در قلب جا ندهیم، اگر از برادر مسلمانی کینه ای داریم عفو و گذشت کرده و از اعمالی که در حق ما انجام داده چشم پوشی کنیم و از خدا بخواهیم او را ببخشد چرا که خداوند شغلش بخشیدن است و از بندگان بخشنده اش هم راضی بوده و آنها را دوست دارد.

نماز، واجبی که در همه حال واجب است.

در قسمت دوم دعا می خوانیم: مرا در قیام این روز یعنی در نماز خواندن و عبادت آن یاری بفرما، چرا که اگر کمک خداوند نباشد موفق به اعمال این روز نمی شویم، نماز حقیقتی است که خداوند عالم برای آن اهمیت زیادی قائل است، برای تمام واجباتش راه

فراری گذاشته، مثلاً در حج می گوید اگر از نظر مالی برای تو حج واجب شده و از نظر جسمانی نمی توانی نایب بفرستی، یا در روزه اگر به خاطر بیماری نمی توانی روزه بگیری، صبر کن تا قضای آن را بجای آوری یا اگر هیچ وقت نتوانستی، دیگر تکلیفی نداری، یا اگر کسی می خواهد عمل واجب دیگری انجام دهد و قدرت ندارد بر او واجب نیست خداوند عالم به کسی بیرون از توان او تکلیف نمی کند، ولی در نماز هیچ گذشتی نیست، می فرماید: اگر کسی نمی تواند ایستاده نماز بخواند به چیزی تکیه کند و بایستد و اگر نمی تواند، بنشیند و بخواند، اگر نمی توانی نشسته بخوانی رو به قبله بخوان، نیت کن و موقع رکوع سرت را خم کن و مهر را با دست به پیشانی بگذار و اگر دستت هم حرکت نمی کند موقع رکوع و سجود با نیت رکوع و سجود چشمانت را ببند و باز کن و اگر پلک چشمانت هم باز و بسته نمی شود، از دلت بگذران لذا برای نماز هیچ گذشتی نیست، هر گونه آزادی به ما داده است، به اندازه ای که امکان داریم، لباس تمیز نداری و فقط یک

لباس داری، زنی که بچه دار است و بچه لباس او را کثیف کرده، می گوید اگر لباس دیگری نداری و نمی توانی اینها را بشویی و خشک کنی، با همان لباس نماز بخوان، دیگر نمی توانی بگویی با این لباس نمی توانم نماز بخوانم، خدایا در این روز من را برای روزه و نمازش کمک کن .

مناجات اعجاب انگیز حضرت علی (علیه السلام):

ابودرداء از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) میگوید: شبی علی ابن ابی طالب (ع) را در لابه لای درختان نخل دیدم که نیمه های شب با صدایی حزن آلود مناجات می کرد بدون حرکت در گوشه ای ایستادم و دیدم علی (علیه السلام) در دل تاریکی شب چند رکعت نماز گزارد. آن گاه به دعا، گریه و مناجات مشغول شد. سپس آن قدر گریست که بدون حرکت افتاد. من پیش خودم گفتم از شدت شب زنده داری، خوابش برده، و گفتم او را برای نماز صبح بیدار می کنم. جلو رفتم و او را تکان دادم، ولی

تکائی نخورد. گفتم انالله و انا اليه راجعون. علی بن ابی طالب (علیه السلام) از دنیا رفت!!

با شتاب به منزلش رفتم و خبر مرگ او را به حضرت زهرا (س) دادم ...

فرمودند: ای ابودرداء، به خدا سوگند این حالتی است که از ترس خدا به علی (علیه السلام) دست می دهد. صبح که شد مردم به صورت علی (علیه السلام) آب زدند و علی به هوش آمد، مرا دید که می گریم. فرمود: چرا گریه می کنی؟ گفتم: به خاطر کاری که تو با خودت می کنی.

فرمود: ای ابودرداء، چه می گویی اگر مرا ببینی که برای حساب فرا خوانده اند، فرشتگان عذاب مرا گرفته اند و در پیشگاه خداوند جبار ایستاده ام، در حالی که دوستانم رهایم ساخته اند. در این هنگام تو بیشتر از اکنون به من رحم می کنی و برایم دل می سوزانی. (4)

خدایا در این روز من را از لغزش ها و گناهان دور بفرما، یعنی اگر توفیق خدا نباشد من نمی توانم خودم را کنترل کنم، اگر لطف خدا نباشد من نمی توانم خودم را

از لغزش ها نجات دهم.

(1) إقبال الأعمال ص: 132؛ متن دعا با آنچه در مفاتیح الجنان آمده، اندکی متفاوت است

اللهم أعني فيه [في هذا اليوم] على صيامه وقيامه واجنبني و [جنبني] فيه من هفواته و آثامه و ارزقني فيه ذكرك و شكرک بدوامه بتوفيقك يا ولى المؤمنين [بدوام هدايتك و توفيقك يا هادى المؤمنين برحمتك يا أرحم الراحمين]

(2) بقره 183

(3) ثواب الأعمال: 284؛ محجة البيضاء: 133 / 2، باب اسرار الصيام.

(4) بحار الانوار، ج 41، ص 11، حديث 1؛ مجموعه ورام بن ابى فراس، ج 2، ص: 156-157

ص: 68

سه شنبه 9 تیر 1394

ne 2015,03

کد خبر: 352465 / تاریخ مخابره: 1394/4/4-04:03/سرویس:

علمی، فرهنگی

شرح دعای روز هشتم: راهکار تشخیص افراد صالح از ناصالح

حوزه/ اگر قلب انسان زنگ بزند چند امر باعث جلای آن است، تلاوت قرآن، استغفار در سحرها و رحمت بر ایتام و دستگیری از ایشان .

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، در هشتمین روز ماه مبارک رمضان شرح دعای این روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی

ص: 69

متن: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْيَتَامِ وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِفْشَاءَ السَّلَامِ وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مَلِجَ الْأَمَلِينَ (1)

ترجمه: ای خدادر این روز مرا ترحم به یتیمان و اطعام به گرسنگان و افشاء و انتشار سلام در مسلمانان و مصاحبت نیکان نصیب فرما به حق انعامت ای پناه آرزومندان عالم.

قلب چگونه جلا می یابد؟

در فراز اول می خوانیم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْيَتَامِ» یعنی خدایا من را برای محبت، ترحم و رسیدگی به یتیمان موفق کن، رسیدگی به یتیمان از فضائل اخلاقی و مسائل مهم اجتماعی است.

در اجتماع همیشه یتیم و بی سرپرست هست و ما از خدا می خواهیم که توفیق رسیدگی به ایشان را به ما

عنایت فرماید کما اینکه انبیاء و اولیاء و بزرگان عالم همیشه در این مسیر بوده و هستند.

اگر قلب انسان زنگ بزند چند امر باعث جلای آن است، تلاوت قرآن، استغفار در سحرها و رحمت بر ایتام و دستگیری از ایشان. این سه امر قلب را جلا می دهد. (2)

از خدا بخواهیم اطعام نیازمندان را روزیمان کند

در فقره دیگر دعا می خوانیم: خدایا در این روز اطعام طعام را برای من روزی بگردان، اطعام طعام کلمه ای عام هست یعنی یا به مستحقین یا به روزه داران، هر قسمتی را در نظر بگیریم از خدا می خواهیم که ما را موفق به این اطعام طعام بنماید.

اطعام طعام و نزول سوره انسان

در تفسیر کشاف از ابن عباس نقل شده که امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) بیمار شدند

ص: 71

و رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) با جمعی از صحابه از ایشان عیادت کرد، مردم به علی (علیه السلام) گفتند: چه خوب است برای بهبودی فرزندان، نذری کنی، علی (علیه السلام) و فاطمه (س) و فضّه کنیز ایشان نذر کردند که اگر کودکان بهبودی بیابند، سه روز، روزه بگیرند، بچه ها بهبودی یافتند و اثری از کسالت در آنها نماند.

بعد از بهبودی آنها، علی (علیه السلام) سه من جو از شمعون خیبری قرض کرد، و فاطمه (س) یک من از آن جو را دستاس و سپس خمیر کرد و پنج قرص نان به عدد افراد خانواده پخت و سهم آنها را در برابرشان گذاشت تا با آن افطار کنند، در همین بین سائلی به نزدشان آمد و به ایشان سلام کرد و گفت: سلام بر شما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) من مسکینی از مساکین مسلمین هستم، مرا طعام دهید تا خدا به شما از مائده های بهشتی طعام دهد، خاندان پیامبر، سائل مسکین را بر خود مقدم شمرده و افطار خود را به او دادند و آن شب جز آب چیزی نخوردند و

با شکم گرسنه دوباره نیت روزه کردند، هنگام افطار روز دوم طعام را نهادند تا افطار کنند، یتیمی بر در سرای ایشان بیامد و درخواست طعام نمود، آن شب هم یتیم را بر خود ترجیح دادند و دوباره با شکم گرسنه نیت روزه کردند، شب سوم اسیری آمد و درخواست طعام نمود، آنها باز هم او را بر خود مقدم کرده و طعام خود را به او بخشیدند، صبح روز چهارم علی (علیه السلام) دست حسنین (علیه السلام) را گرفت و نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم آورد، پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) وقتی بیچه ها را مشاهده کرد که چون انسان ضعیف از شدت گرسنگی می لرزند، فرمود: چقدر بر من دشوار است که شما را به چنین حالی بینم، آنگاه همراه ایشان نزد حضرت فاطمه روانه شد و او را در محراب عبادت یافت و مشاهده کرد که از شدت گرسنگی شکمش به پشتش چسبیده و چشمانش به گودی نشسته، از مشاهده این وضع ناراحت شد، در این حال جبرئیل نازل شد و عرضه داشت: این سوره را بگیر، خدا تو را بخاطر داشتن چنین

اهل بیٹی تهنیت می گوید و آنوقت سوره انسان را قرائت کرد. (3)

«سلام» یک مستحب اجتماعی

سلام، غیر از نماز، در برخوردهای مسلمانان در جامعه اسلامی، یکی از آداب معاشرت و ادب و اخلاق به شمار می آید، که هم جلب محبت و دوستی می کند، هم نشان تواضع و فروتنی است، و هم پاداش بسیار دارد.

خداوند، بر اهل بهشت، سلام می فرستد. (4) و به پیامبر، دستور می دهد که در برخورد با مؤمنان، به آنان سلام بدهد. (5)

فرشتگان نیز به رستگاران، سلام می دهند. (6)

احادیث بسیار فراوانی، درباره سلام، پاداش و کیفیت آن وارد شده که در کتب حدیثی می توان ملاحظه کرد. در اینجا تنها به چند نمونه، که حاوی نکاتی درباره «سلام» است، اکتفا می کنیم: «ابْخَلَّ النَّاسِ

مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ» (7) بخیل ترین افراد، کسی است که در سلام دادن بخیل باشد.

همنشینی با صالحان؛ رمز سعادت انسان

خدایا در این روز صحبت بندگان گرامیت را روزی من بفرما، چنانچه می خواهید از ماهیت کسی اطلاع پیدا کنید و بدانید ماهیت او چیست با سه چیز او را بشناسید، اول با کیفیت پوشیدن لباس، ببینید چگونه لباس می پوشد؟ لباس کسانی را می پوشد که در جامعه ارزش پایینی دارند یا لباس آبرومند و لباسی که در شأن یک مسلمان است را می پوشد؟ دوم در رفتار و کردار او، ببینید که گفتار و رفتار او چگونه است و از دهان او چه سخنانی خارج می شود؟ آیا کلماتی که می گوید مؤدبانه است یا کلماتی است که خیلی زشت و زننده است و دیگر اینکه او را از هم صحبت هایش بشناسید و ببینید با چه کسانی رفت و آمد و خیز دارد، او را از رفقاییش بشناسید، ببینید با افراد هرزه جامعه که ارزش

ص: 75

اجتماعی ندارند و در برابر خدا ارزش ندارند افت و خیز دارد؟ یا همیشه با اشخاص محترم و کسانی که مورد نظر خدا هستند رفت و آمد می کند.

نتیجه این می شود که محمد بن ابی بکر که استاندار امیر المؤمنین (علیه السلام) در مصر بود و با فرمان معاویه و تزویر عمر و عاص او را به شهادت رساندند، شهادتش هم بسیار سوزناک بود، وقتی خبر شهادت او به امیر المؤمنین (علیه السلام) رسید فرمود محمد پسر من بود از صلب ابو بکر (9)(8) در مقابل پسر امام صادق علیه السلام) و برادر امام موسی (علیه السلام) کاظم، عبدالله افطح در برابر امام موسی کاظم قرار می گیرد و مدعی امامت می گردد.

لذا صحبت کرام انسان را مثل محمد بن ابوبکر می کند چون نشست و برخاست او با امیر المؤمنین (علیه السلام) و اصحاب ایشان بود، ولی عبدالله افطح نشست و برخاستش با کسانی بود که در پیشگاه خدا ارزش واقعی نداشتند و به آنجا رسید.

پی نوشت ها:

ص: 76

(1) إقبال الأعمال ص: 134 با اندکی تفاوت اللهم ارزقني فيه رحمه الأيتام وإطعام الطعام وإفشاء السلام و مجانبه [و جنبني فيه صحبه] اللنام و ارزقني فيه صحبه الكرام بطولك [بعزتک] يا ملجأ أمل الآملين [برحمتک يا أرحم الراحمين]

(2) نصاب ص 219؛ آیت الله مشکینی؛ ترجمه احمد جنتی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): پنج چیز دل را صفا دهد و سختی قلب را برطرف کند: همنشینی علما، دست به سر یتیم کشیدن، نیمه شب استغفار کردن، و کم خوابیدن شب و روزه

(3) به نقل از ترجمه خلاصه تفسیر المیزان، ج 4، ص:

689

(4) یس، آیه 58

(5) انعام، آیه 54

(6) رعد، آیه 24

(7) بحار الانوار، ج 73، ص 3

(8) تنقیح المقال، ج 2، ص 57-58 (از ابواب میم) (ش 10230)

(9) منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل علیهم السلام (فارسی)، ج 1، ص: 508

ص: 77

سه شنبه 9 تیر 1394

esday, June 2015,03

کد خبر: 352518 / تاریخ مخابره: 1394/4/5 - 13:04 / سرویس:

علمی، فرهنگی

شرح دعای روز نهم: نمونه هایی از رحمت واسعه خداوند

حوزه / آیات توبه و آیات بسم الله الرحمن الرحيم که در صد و سیزده سوره قرآن و در وسط سوره نمل در یکصد و چهارده مرحله با کلمه رحمان و رحيم خودش را ياد مي کند و مي شناساند، يعني خداوند عالم، وجودش و لطفش همه رحمت و برکت است .

ص: 78

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، در نهمین روز ماه مبارک رمضان شرح دعای این روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

متن: اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيْبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَ اهْدِنِي فِيهِ لِإِبْرَاهِيْمَكَ السَّاطِعِ وَ خُذْ بِنَاصِيْتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ (1)

ترجمه: ای خدا مرا نصیبی از رحمت واسعه خود عطا فرما و به ادله روشن خود هدایت فرما و پیشانی مرا بگیر و بسوی رضا و خشنودی که جامع (هر نعمت) است سوق ده به حق دوستی و محبت ای آرزوی مشتاقان.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيْبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ

در قسمت اول می فرماید: خدایا برای من نصیبی از

رحمت واسعه خودت در این روز قرار بده، خداوند تبارک و تعالی در سوره انعام آیه دوازده رحمت را بر خودش واجب کرده و در سوره اعراف آیه 156 «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» رحمتش را فراگیر معرفی کرده است.

یعنی وجودش رحمت و برکت است، و رحمت خدا تمام موجودات را فرا گرفته است، در سوره انعام آیه 147 می فرماید: «رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ» خدای تو صاحب رحمت واسعه است و باز در سوره حجر آیه 49 می فرماید: «بَبْنِي عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»، پیامبرص به بندگان من خبر بده که خدای من بخشنده و مهربان است.

آیات توبه و آیات بسم الله الرحمن الرحيم که در صد و سیزده سوره قرآن و در وسط سوره نمل در یکصد و چهارده مرحله با کلمه رحمان و رحيم خودش را یاد می کند و می شناساند، یعنی خداوند عالم وجود و لطفش همه رحمت و برکت است اگر کسی بتواند آن را

به دست بیاورد، حتی در سوره زمر آیه 53 اعلام می کند « قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ » و می فرماید به آن بندگان که گناهکارند بگوای بندگان من که گناه کرده و به نفس خود اسراف کرده اید من بخشنده ام و می بخشم.

بالاخره روایات و آیات در این مورد زیاد است و خوشا به حال کسانی که رحمت و وسعه خداوند را به دست بیاورند و موفق شوند.

حکایت شگفت انگیز! بهلول نباش:

در کتاب مجالس از عبد الرحمن بن غنم دوسی آمده که آیه شریفه:

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً...»، درباره بهلول نباش (کسی که قبرها را نبش می کرد و کفن مردگان را می دزدید) نازل شده، چون این مرد در یکی از این دزدیهایش قبر دختری از انصار را نبش کرد، جنازه را بیرون آورده، کفنش را باز کرد- و با او زنا کرد، آن گاه

ص: 81

پشیمان شد، و نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده جریان را به عرض آن حضرت رسانید، ولی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را رد کرد، و او از مردم کناره گرفت، و دور از آنها در کوه های مدینه به عبادت و مناجات پرداخت، تا آنکه خدای تعالی توبه اش را قبول نموده آیاتی از قرآن در باره اش نازل شد (2)

قاتل امیر مؤمنان علیه السلام را دست بسته به محضرش می آورند در حالی که می لرزید، با اینکه خود غرق در خون بود، به فرزندانش فرمود: اگر من از دنیا رفتم، اگر می توانید او را ببخشید و گرنه فقط یک شمشیر به او بزنید و بیشتر اذیتش نکنید.

اگر من زنده ماندم، او را خواهم بخشید، در حال تب و تاب، برایش شیر می آورند، کاسه شیری که یکی از یتیمان بی سرپرست به نمایندگی از یتیمان و بی سرپرستان دیگر آورده، تا بخورد و جلوی سرایت زهر شمشیر زهر آلود قاتل را بگیرد و به بدن مبارک سرایت نکرده، از دست بیچارگان و بی سرپرستان و مظلومان،

نرود، سؤال می کند آیا از این شیر به ابن ملجم نیز دادید؟! جواب می شنود نه، فرمود: اول از این شیر به او دهید تا خیالم راحت شود و بعد من می خورم، فرزندانم او اسیر شماست با اسیر خود مدارا داشته باشید!

چنان که می بینیم بندگان خالص او نیز، با اعتراف طرف مقابل که با کوهی از گناه، به سوی او برگشته و اظهار ندامت و احساس شرمندگی کرده، بدون این که کوچکترین توییخی متوجه او نماید و سرزنشش کند، از تقصیر او می گذرد و قبولش می کند. (3)

برخورد کریمانه اباعبد الله

علیه السلام

با حر بن یزید ریاحی

همچنین امام حسین علیه السلام بعد از آنکه حرّ بن یزید ریاحی رضوان الله علیه با این که گناهی به آن بزرگی را کرده و آن حضرت را با اهل و عیالش در دست دشمنان گرفتار ساخته بود، بعد از آن که در روز عاشورا در یک حمله، بیش از چهل نفر به شهادت رسیدند، با

ص: 83

دیدن این منظره، در یک چشم بهم زدن تصمیم خود را گرفت و به تمام جاه و مقام دنیائی، ثروت و دارائی خود، پشت پا زد و خود را به دربار حجت خدا رسانید، سر به آستان او سائید و به سوی معبود خود پرکشید و رفت. (4)

پی نوشت ها:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 30

(2) به نقل از ترجمه تفسیر المیزان، ج 4، ص: 34

(3) گلستان سخنوران، 110 مجلس سخنرانی مذهبی، ج 2، ص: 236

(4) گلستان سخنوران، 110 مجلس سخنرانی مذهبی، ج 1، ص: 34

به گزارش جهان به نقل از «خبرگزاری دانشجو» در دهمین روز ماه مبارک رمضان شرح دعای این روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

ص: 84

کد خبر: 352519 / تاریخ مخابره: 1394/4/6 - 14:04 / سرویس:

علمی، فرهنگی

شرح دعای روز دهم: توکل چیست و چگونه اهل توکل باشیم؟

حوزه/ همه چیز در این دنیا اعم از زمان و مکان بر ما حاکم است اما اگر می خواهیم بر زمان و مکان حاکم باشیم باید عبدالله شویم.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، شرح و توضیح دعاهاى روزانه را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

ص: 85

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ (1)

ای خدا مرا در این روز از آنان که بر تو توکل کرده و نزد تو فوز و سعادت یابند، قرار ده و مرا از آنان که مقربان درگاه تو باشند قرار ده به حق احسانت ای منتهای آرزوی طالبان.

توکل چیست و چگونه اهل توکل باشیم؟

در این روز از خدا می خواهیم ما را از متوکلین قرار دهد، توکل یعنی انسان در تمام زندگی خود به خداوند پناه برده و به او پناهنده شود. درباره توکل سرگذشت ها و روایات بسیاری وجود دارد که قابل توجه می باشد هر کسی که به خدا توکل کرده همیشه برنده بوده است و کسانی که به بنده یا به شخص خودشان توکل کرده اند همیشه بازنده بوده اند.

ص: 86

یکی از بزرگان فرمود: من با عبرت گیری از یک زن به مقام توکل رسیدم، زنی در سفرمکه که در جلوی حاجی ها با سرعت زیاد راه می رفت و من خیال کردم او توشه راه و مرکب ندارد: نزدیک او رفته و از جیبم بیست درهم بیرون آوردم و به او گفتم: این را بگیر و برای خودت مرکبی کرایه نما، آن زن نگاهی کرد و نگرفت، دست هایش را به آسمان بلند کرد و دست هایش پر از زر گردید و به من گفت: ای شیخ تو از جیب در می آوری و من از هوا، برو پی کارت من محتاج نیستم، پس این آیه را تلاوت نمود «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» گفت: رزق و توشه من بر خداست و از مخلوقات ابداً چیزی نخواسته ام؛

به خود گفتم من این کرامات از مردان شنیده بودم و حالا از زن ها دیدم، به او گفتم ترا به خدا قسمت می دهم به من بگو باچه وسیله ای به این مقام رسیده ای؟!، گفت با توکل به خدا، بعد از این ماجرا من

به مقام توکل رسیدم و باقی عمرم را راحت شدم. (2)

اهل فوز و سعادت واقعی چه کسانی هستند؟

در ادامه دعا می خوانیم: «واجعلنی فیه من الفائزین لدیک» خدایا من را در این روز از کسانی قرار ده که به تو رسیده اند، کسانی که در جایگاه تو آبرویی دارند.

چوپانی در بیابان بالای تلی نشسته بود و عارفی از آن جا می گذشت، دید گله گوسفند را چند گرگ شبانی می کند و گوسفندان ره گم کرده را با دم خود برگردانده به گله می رسانند. با تعجب گفت: «متی إصطلح الغنم مع الذئب؛ گوسفندان از چه زمانی با گرگ هم سو شده و عقد اخوت بسته اند؟!» شبان از بالای تل جواب داد: حین اصطلاح الرّاعی مع مولاه؛ هم سویی و برادری آن ها آن وقت بیار نشست و حقیقت پیدا کرد که شبان با مولای خود هم سو شد و طرح دوستی افکند.

همه چیز در این دنیا اعم از زمان و مکان بر ما حاکم است اما اگر می خواهیم بر زمان و مکان حاکم باشیم

ص: 88

باید عبدالله شویم خداوند عالم فرموده: «عبدی اطعنی حتّی اجعلک مثلی» (3) بنده من، از من اطاعت کن و فرمانبردار باش، تا من تورا مثل خودم قرار بدهم، همانطور که من به هر چیزی می گویم بشو، می شود تو هم صاحب مقام «کن فیکون» می شوی، یعنی مثل من هر کاری می خواهی انجام بده.

آصف برخیا نمونه ای از بندگان صالح خدا

چقدر ما می توانیم در این مورد نمونه هایی بیاوریم؟ می بینیم حضرت سلیمان (علیه السلام) با آن عظمت که نبی بود در خانه نشسته بود، این مطلب از قرآن است و نمی توانیم مثل روایت بگوییم شاید راوی آن اشتباه کرده، وقتی هدهد برای او خبر آورد که بلقیس از صبا به سمت شما حرکت کرده است، فرمود: «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» (4) حضرت سلیمان می گوید چه کسی می تواند آن تخت را برای من بیاورد قبل از آن که ملکه به اینجا برسد؟ «قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ

ص: 89

مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» (5) یکی از جن ها گفت: ای نبی خدا من آن تخت را پیش از آنکه از جای برخیزی و بنشینی به تو می رسانم، حضرت سلیمان (علیه السلام) فرمود: دیر است؛ اما آن کسی که علمی از کتاب در نزد او بود، گفت: من به طرفه العینی آن تخت را حاضر می کنم.

این مطالب قرآن است، داستان نیست، تخت با آن عظمت، چگونه مسیر دو ماه راه را در یک چشم بر هم زدن طی نمود؟! ابن کثیر گوید: امام صادق علیه السلام در باره آیه شریفه «کسی که دانشی به کتاب داشت (آصف بن برخیا) گفت من آن تخت را نزد تو آورم، پیش از آنکه چشمت را بهم زنی» انگشتانش را باز کرد و بر سینه اش گذاشت و سپس فرمود: به خدا که همه علم کتاب نزد ماست (ولی آصف اندکی از آن را می دانست و از برکت همان مقدار بود که توانست تخت بلقیس را در چشم بهم زدنی نزد سلیمان حاضر کند و خدای تعالی این داستان را در سوره نمل بیان می کند). (6)

یعنی او با یک اسم اعظم توانست آن کار را انجام

بدهد ولی ما که تمام هفتاد و یک کلمه را می دانیم چه کارهایی می توانیم انجام بدهیم.

پی نوشت ها:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 31؛ «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَّقِينَ عَلَيَّكَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْفَائِزِينَ إِلَيْكَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ لَدَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ»

(2) لنالی الاخبار: 2/ 72.

(3) بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج 102، ص: 165

(4) نمل آیه 38

(5) نمل آیه 39

(6) أصول الكافي / ترجمه مصطفوی، ج 1، ص: 333

ص: 91

سرویس فرهنگی - دین و اندیشه ،

تاریخ:

94:13- 4/7/1731

،

شناسه خبر: 421830

شرح دعای روز یازدهم: ماه مبارک رمضان

ای خدا در این روز احسان و نیکویی را محبوب من و فسق و معاصی را ناپسند من قرار ده، در این روز خشم و آتش قهرت را بر من حرام گردان به یاری خود ای فریادرس فریاد خواهان.

به گزارش گروه فرهنگی «خبرگزاری دانشجو» به نقل

ص: 92

از حوزه شرح و توضیح دعاهاى روزانه را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ وَكَرِّهْ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ (1)

ای خدا در این روز احسان و نیکویی را محبوب من و فسق و معاصی را ناپسند من قرار ده، در این روز خشم و آتش قهرت را بر من حرام گردان به یاری خود ای فریادرس فریاد خواهان.

اهتمام بزرگان دین به احسان و نیکي

احسان و نیکي کردن مسأله ای است که تمام بزرگان دین، انبیاء، اولیاء و اشخاصی که دوست خدا هستند، مورد اهتمام قرار داده اند، انسان با نیکي و احسان

ص:93

می تواند به مقاماتی برسد که دیگران به او غبطه بخورند.

در حالات عبدالله بن مبارک آمده، در یکی از سال ها باعده ای از رفقای خود عازم حج بود، خرجی راهش را آماده نموده و همراه خود داشت، روزی موقع گرمای هوای بعد از ظهر از کنار خرابه ای می گذشت، دید زنی در میان خرابه می گردد، کنجکاو شد دید آن زن خم شد و چیزی را برداشته و زیر چادرش زد هنگامی که می خواست از خرابه بیرون رود، عبدالله خود را به او رسانید و پرسید؟ آن چیست که زیر چادرت زدی؟ گفت ای بنده خدا به تو چه ربطی دارد، اصرار نمود زن چادر را کنار زد دید یک مرغ مرده است! گفت ای زن نمی دانی این میته برایت حرام است؟! جواب داد می دانم ولی الان برای من و بچه هایم که دارند از گرسنگی جان می دهند، حلال است!؛

عبدالله از احوال آن زن که اطلاع یافت، با خود گفت: ای عبدالله کمک به این زن و بچه هایش از این حج تو

واجب تر است، گفت: دامن را باز کن، و خرجی مکه اش را در دامن اوریخت، زن هم مرغ مرده را انداخت و گفت حالا- این برای ما حرام شد.

آن سال از حج منصرف شد و رفقایش رفتند و هنگام بازگشت به کوفه که رسیدند، دوستان و آشنایان به آن ها تقبل الله می گفتند و آن ها نیز به عبدالله تقبل الله می گفتند، یکی می گفت: در طواف تو را دیدم و یکی می گفت در عرفات فلان جا که مشغول دعا بودی تو را دیدم و یکی دیگر گفت در مشعرالحرام در فلان جا وقوف کرده بودی!!

عبدالله خیال کرد این ها او را به خاطر اینکه همراه آن ها به حج نرفته مسخره اش می کنند! دیگر به دیدن آن ها نرفت، شب هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید که فرمودند: عبدالله آن ها راست می گویند! چون تو خرج حجّت را به یکی از فرزندان من دادی و آن ها را از فلاکت درآوردی خداوند فرشته ای را به صورت تو آفرید تا روز قیامت هر سال به نیابت تو به مکه رفته اعمال حج را انجام دهد و رفقای آن فرشته را

در آن مکان ها دیده اند و خیال می کنند تو بودی. (2)

این شخص با این احسان به چه مقاماتی که نرسید؟ خودش زیر خاک می رود، ولی تا زمانی که قیامت قیام نکرده، آن فرشته از طرف او اعمال حج انجام خواهد داد.

خدایاتو آتش دنیا و آخرت را، به این جوان خاموش کن

در ادامه می خوانیم: «وَكُرَّةَ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» فسق، فجور و گناه را برای من ناپسند قرار بده به گونه ای که از آن ها بدم بیاید، یکی از عرفا می خواست استادی را برای خود پیدا کند که از همه بالاتر باشد، شهرها را می گشت، به شهری رسید و داخل کوچه ها به جایی رسید که دید یک نفر آهنگر مشغول آهنگری است، او آهن گذاخته شده در کوره را با دست خالی بر می داشت و روی سندان می گذاشت و می کوبد با خود گفت آن کسی که در جستجوی او بودم

ص: 96

را یافتم، کنار مغازه او نشست و دقت کرد آهنگر چه کاری انجام داده که به این مقام رسیده هر چه منتظر ماند عمل خاصی از او ندید، برایش مسأله شد و در آخر گفت: خواهشی از تو دارم، به من بگو به چه دلیل به اینجا رسیده ای که آهن گداخته را با دست خالی بر می داری، جوان تبسم کرد و گفت: من با یک عمل به این مقام رسیده ام، گفت آن عملت چه بود؟ گفت در این همسایگی ما خانمی بود که به او دل بسته بودم، هرچه به او اظهار حاجت کردم به من اعتنایی نکرد، صاحب او که فوت شد، او بی سرپرست ماند، قحطی آمد و کار به جایی رسید که یک روز دیدم همین خانم به مغازه من آمد و گفت ما همسایه تو هستیم و الان سه روز است که بچه های من گرسنه هستند و می دانی ما سرپرست نداریم، به ما کمک کن، گفتم همه چیز در اختیار تو قرار می دهم اما تو هم در اختیار من باش، آن زن برگشت، دوباره آمد و همین حرف را زدم، سومین بار گفت: جوان من می پذیرم در اختیار تو باشم مشروط بر اینکه مرا جایی ببری که کسی ما را نبیند، درب ها و پنجره ها

را بستم و گفتم الان دیگر حرفی نداری، دیدم او دارد مثل بید می لرزد، گفتم چرا می لرزی و رنگت پریده؟ گفت چرا نلرزم و رنگم نپرد من با تو شرط کردم من را جایی ببری که کسی ما را نبیند، آن کسی که ما را آفریده و به تمام اعمال و رفتار ما شاهد و ناظر است را به اندازه یک فرد معمولی به حساب نمی آوری؟ از او می خواهیم نافرمانی کنیم، در این زمان، حالتی به من دست داد که درها را باز کردم و به او گفتم سریع بیرون برو، من خودم آمدم بعد از آن غذا و پولی به منزل او بردم، در حالی که از من جدا می شد رو به آسمان کرد و گفت: خدایا این جوان به خاطر تو و من، آتش نفسش را خاموش کرد، تو آتش دنیا و آخرت را بر این جوان خاموش کن.

امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» (3) از نافرمانی خداوند در خلوت ها بپرهیزید، چراکه در روز قیامت شاهد خودش حکم خواهد کرد اما زمانی که قاضی خود جرم را دیده، دیگر نیازی به شاهد نیست.

پی نوشت ها:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 33

(2) گلستان سخنوران، 110 مجلس سخنرانی مذهبی، ج 2، ص: 277

(3) مجموعه ورام، ج 2، ص: 154

انتهای خبر / خبرگزاری دانشجو / کد خبر 421830

صفحه نخست

صفحه سرویس فرهنگی

به گزارش جهان به نقل از «خبرگزاری دانشجو» در دوازدهمین روز ماه مبارک رمضان شرح دعای این روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

ص: 99

به خبرگزاری حوزه خوش آمدید اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحَبَّيْبِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

سه شنبه 9 تیر 1394 الثلاثاء 13 رمضان Tuesday, 2015,03 June

کد خبر: 352700 / تاریخ مخابره: 1394/4/8 - 04:18 / سرویس:

علمی، فرهنگی

شرح دعای روز دوازدهم: زینت آدمی در چیست؟

حوزه / به خاطر دنیا و خود نمایی، عزیزانمان را به آتش نیافکنیم و گرفتار غضب الهی نکنیم.

ص: 100

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری حوزه شرح و توضیح دعاهای روزانه ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسُّتْرِ وَالْعَفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِبِلَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَّافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ وَآمِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ
بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ (1)

ای خدا در این روز مرا به زیور ستر و عفت نفس بیارای، به جامه قناعت و کفاف بپوشان، به کار عدل و انصاف بدار و از هر چه ترسانم، مرا ایمن ساز به نگهبانی خود، ای نگهدار و عصمت بخش خدا ترسان عالم.

*پرده پوشی و عفاف؛ زینت آدمی

در قسمت اول می فرماید: «اللهم زيني فيه بالسستر

والعفاف»، خدایا مرا در این روز با پرده پوشی و عفت زینت بده، ستر و عفاف برای هر انسانی لازم است، خداوند عالم به طور کلی نر و ماده را که آفریده، برای بقاء نسل، آن‌ها را نسبت به همدیگر محبوب قرار داد، همه آنها می‌خواهند، غریزه جنسی خود را خاموش کنند، لذا کسانی که متدین بوده، تابع فرامین آسمانی الهی و با ستر، عفاف و از راه شرعی و ازدواج خویشان را حفظ می‌کنند؛ پس آن چیزی که برای ما مهم است این است که از خدا بخواهیم ما را در زندگیمان صاحب زینت و پوشش قرار دهد.

ازدواج راه عفاف

مسأله ازدواج یعنی راه حلال ارضاء غریزه جنسی، مسأله ای که در عالم اسلام خیلی مهم شمرده شده و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به این مطلب بسیار اهمیت داده است؛ تاجایی که فرمودند: مابنی بناء فی الاسلام أحبّ الی الله من التزویج. (2) در اسلام بنائی محبوبتر از

ص: 102

و فرمودند: «تناكحوا تناسلوا تكثروا فإني أباهي بكم الأمم يوم القيامة ولوا بالسقط» (3) ازدواج کنید، اولاد بیاورید و بیشتر شوید، من روز قیامت با شما برامت‌ها افتخار می‌کنم، اگرچه سقط شده باشد.

*تسهیل ازدواج؛ از وظایف اهل ایمان

کلمه «تناكحوا» در روایت کلمه مهمی است، یعنی کسانی که به سن بلوغ رسیده‌اند، باید ازدواج کنند و ترسند، ای پدران و مادران عزیز، به خاطر دنیا و خود‌نمایی عزیزانمان را به آتش نیا فکنیم و گرفتار غضب الهی نکنیم، به خاطر مهریه و جهیزیه خودمان را گرفتار و بیچاره نکنیم.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «من برکه المرءه خففه مؤنتها» از برکت زن سبکی مخارج و آسان زائی اوست، از شومی اش سختی (و زیادی) خرج و سخت زائی اوست. (4)

باز امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «من سعادة المرء أن لا تحيض (لا تطمئ) ابنته فی بیته» از

خوشبختی مرد آن است که دخترش در خانه اش حیض نبیند؛ (یعنی تا چشم باز کند تشکیل زندگی داده و به سوی بخت خویش رهسپار گشته، به صورت دست اول به خانه شوهر قدم گذارد). (5)

چرا نمی گذارید جوان زندگی خود را پی بگیرید؟ یا به خاطر جهیزیه از دختر یک فقیر خواستگاری نمی کند، مگر جهیزیه خوشبختی می آورد، امیر المؤمنین (علیه السلام) یکی از اسلحه های جنگی خود را فروخت و جهیزیه بسیار ساده ای فراهم کردند و با این شرایط و جهیزیه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حضرت زهرا (س) را به خانه امیر المؤمنین (علیه السلام) فرستاد و آنها زندگی خود را شروع کردند؛ لذا شیعه علی (علیه السلام) نباید از دستورات این عزیزان کناره بگیرد، ایشان به ما دستور می دهند که جوانان را ننگه ندارید، چون هر گناهی بکنند پدر و مادر در گناه آنها شریک هستند، بگذارید با وسیله آسان و هر چه دارند، به سر زندگی خود بروند.

جوانان عزیز، از ازدواج نترسید، روزی تمام موجودات به عهده خداست، «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (6)

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش به عهده خداست، و [او] قرارگاه و محلّ مُردنش را می داند. همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است.

حکایتی خواندنی از سلیمان بن داود (علیه السلام)

روایت شده: سلیمان بن داود (علیه السلام) روزی در کنار دریا نشسته بود، دید مورچه ای دانه ای گندم را در دهان گرفته به سوی دریا می رود، وقتی به دریا رسید لاک پشتی از دریا بیرون آمد و دهانش را باز نمود و مورچه به دهان او رفت و لاک پشت وارد دریا شد؛

سلیمان از این جریان تعجب کرد و به فکر فرورفت، پس از مدتی دید لاک پشت بیرون آمد، دهانش را باز کرد و مورچه بیرون آمد، ولی دانه گندم در دهانش نبود، سلیمان مورچه را خواست و از او قضیه را پرسید؟ عرض کرد یانبی اللّٰه در ته این دریا سنگ گودی هست و درون آن گود کرم نابینائی را خدا آفریده و مرا مأمور نمود تا روزی اش را به او برسانم، لاک پشتی را نیز امر نمود تا مرا در دهان گرفته، در سوراخ آن سنگ برساند و دهانش را باز نماید تا من آن دانه گندم را به او برسانم، سپس مرا در دهان گرفته به خشکی می رساند!

سلیمان پرسید آیا تسبیح (یا ذکری) از آن کرم کور شنیده ای؟! گفت بلی می گوید: (پاک و منزّهی) ای کسی که مرا در درون این صخره و در زیر این دریا فراموش نکرده ای، بندگان مؤمن را نیز فراموش نفرما توئی مهربانتر از مهربانان. (7)

پی نوشت ها:

(1) إقبال الأعمال ص : 142

ص: 106

اللهم زين لى [و ارزقنى] فيه الستر [زينى فيه بالستر] و العفاف و استرنى فيه بلباس [و ألبسنى فيه لباس] الصبر و القنوع الفضل و الكفاف و حلنى فيه بحلى و الإنصاف [و نجنى فيه مما أهدر و أخاف] بعصمتك يا عصمه الخائفين [برحمتك يا أرحم الراحمين]

(2) لئالى الاخبار: ج 3 ص 218.

(3) لئالى الاخبار: ج 3 ص 218.

(4) اصول كافي: 5 564؛ من لا يحضره الفقيه: 3/ 387؛ معانى الأخبار: 152؛ جامع المقاصد: 12/ 12؛ بحار الأنوار: 103/ 231.

(5) وسایل الشيعه: 61/ 20 ب 23/ ح 1/ 25036.

(6) سوره هود آيه 6

(7) لئالى الاخبار: ج 2 ص 53.

ص: 107

کد خبر: 352775 / تاریخ مخابره: 1394/4/9 - 1-4-5 / سرویس: علمی، فرهنگی

شرح دعای روز سیزدهم: چگونه از ناپاکی‌ها دور شویم

حوزه / ما هیچ‌گونه اطلاعی از سرنوشت خود نداریم، در دعای امروز می‌گوییم خدایا صبر کردن بر مقدراتت را به من عنایت کن.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری حوزه، «شرح و توضیح دعای‌های روزانه ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می‌کند.

ص: 108

«اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُدِّحْ بِهِ الْأَبْرَارَ بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ»
(1)

ای خدا در این روز مرا از پلیدی و کثافات پاک ساز و بر حوادث خیر و شر قضا و قدرت صبر و تحمل عطا کن و بر تقوی، پرهیزکاری و مصاحبت نیکوکاران موفق دار به یاری خود ای مایه شادی و اطمینان خاطر مسکینان.

چگونه از بدی ها و ناپاکی ها، دور بشویم؟!

«اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ» خداوند چطور ما را موفق کند که از بدی ها و ناپاکی ها دور شده ، پاک شویم؟ و چگونه بر مقدرات الهی صبر نماییم؟ این مهم است که خداوند عالم ما را کمک کند تا نسبت به مقدراتش صبر داشته باشیم، الان نه از خیر، نه از شرمان، نه از یک لحظه بعد خود خبر نداریم، وقتی ما اینقدر بی خبر هستیم، چرا

خودمان را می‌بازیم، وقتی مصیبتی یا ناگواری برای ما رو می‌آورد فوراً از مسیر صبر بیرون می‌رویم، بنابراین باید صبر را از خدا خواست چون در مشکلات و مسائل زندگی صبر خیلی مهم است. قرآن از صابرين به بزرگی یاد کرده، «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (2)

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال، جان‌ها و محصولات می‌آزماییم؛ و مژده‌ده شکیبایان را] * همان [کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.»

ما هیچ‌گونه اطلاعی از سرنوشت خود نداریم، در دعای امروز می‌گوییم خدایا به من صبر کردن بر مقدراتت را عنایت فرما.

پنهان بودن علم چند چیز بر انسان!

علم چند چیز فقط مخصوص خداست و هیچ کس از آن اطلاع ندارد، اول روح است، روحی که به حضرت آدم دمیده، نه روح حیوانی که تپش قلب و خوردن و جریان خون با آن تنظیم می شود «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (3)

و در باره روح از تو می پرسند، بگو: «روح از [سنخ] فرمان پروردگار من بوده، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.»

دوم اینکه فردا چه خواهیم کرد و چه به سر ما خواهد آمد نمی دانیم، در سوره لقمان می فرماید: «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا» (4) هیچ کس درک نمی کند که فردا چه خواهد کرد و چه به سر او خواهد آمد، از شب تا صبح در مورد مسأله ای فکر کرده و نقشه می کشیم، ولی صبح می بینیم که خود به خود منصرف شدیم.

ص: 111

امیر المومنین می فرماید: «عرفت الله بفسخ العزائم.» (5) من خدا را با فسخ عزائم شناختم، من نقشه می کشم و همت می کنم که بروم، اما می بینم که منصرف شدم، پس کسی من را منصرف می کند و او خداست.

سوم: «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ» (6) و هیچ کس نمی داند که در کجا از دنیا خواهد رفت، آیا در دریا می افتمیم، یا گرگ ما را می خورد یا در آتش می سوزیم یا با عزت و کرامت از دنیا می رویم، هیچ نمی دانیم.

چهارم اینکه هیچ کس نمی داند کودک شکم فلان زن حامله چه سرنوشتی خواهد داشت، از سعادت و شقاوت او اطلاع ندارد.

پنجمین امر مخفی زمان ظهور امام زمان (علیه السلام) است، تاریخ حتمی ظهور حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء فقط علائم و نشانه های ظهور بیان شده و توقیت و وقت گذاری ابداً بیان نگردیده، وقت تعیین کنندگان را، کذاب

شمرده اند زیرا علم قطعی و حتمی او نیز خاص خداست.

حتی تاریخ و روز حتمی ظهور را، شاید خود حضرت هم نمی داند به دو دلیل، 1- در روایت آمده است که در منزل حضرت دو علامت ظهور هست یکی پرچم اسلام در زمین خوابیده هر وقت دستور ظهور آمد، پرچم خود بخود بلند شده، برافراشته می شود. دوم شمشیری در نیام است هر وقت ظهور رسید آن شمشیر از غلاف کشیده می شود یعنی وقت ظهور است امام هر روز به آن ها توجه دارد.

2- امام در نوشته هائی که به بزرگان دارد از شیعیان می خواهد تعجیل در ظهور را از خدا بخواهند و دعا کنند، بنابراین اگر ایشان وقت ظهور را می دانست که در چه تاریخی خواهد بود، این درخواست و دستور به دعای تعجیل، بی معنا و لغو به نظر می آمد چون تغییر در علم حتمی امکان پذیر نیست.

این پنج مسأله مخصوص خداوند است. ما باید دقت کنیم و به این دعا خیلی متوجه بشویم که خدایا

مرا به مقدراتت صبر کننده قرار بده.

توفیق پرهیزگاری از جانب خداست

در فراز دیگر دعا می خوانیم «وَوَفَّقَنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ» مرا در این روز به پرهیزکاری موفق کن، پرهیزکاری بسیار مهم است، برای متقین، متوکلین و مؤمنین در قرآن شریف صفات بسیاری را برشمرده اند که در مجال دیگری به شرح این اوصاف خواهیم پرداخت، از خدای متعال می خواهیم که به احترام این ماه و قرآن هایی که در این ماه خوانده می شود ما را موفق به تقوا بکند تا مورد توجه او قرار گیریم.

پی نوشت ها:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 37

(2) بقره آیه 156-155

(3) اسرا آیه 85

(4) لقمان آیه 34

(5) ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج 5، ص: 72

(6) لقمان آیه 34

ص: 114

به خبرگزاری حوزه خوش آمدید اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحَجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَنَاصِراً وَدَلِيلاً وَعَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

پنج شنبه 10 تیر 1394 الخمیس 15 رمضان 20 July, 2015 Thursday

کد خبر: 352838 / تاریخ مخابره: 1394/4/10 - 04:06 / سرویس: -

شرح دعای روز چهاردهم: شیطان چگونه ما را ناامید می کند

حوزه / خداوند عالم هیچگاه برای لغزش ها و اشتباهات؛ بنده اش را محکم مؤاخذه نمی کند، چون

انسان قابل اشتباه است، اما آن بنده ای را مؤاخذه می کند که به لغزش و اشتباهاتش ادامه داده و معصیت را شغل خودش قرار دهد.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، شرح دعا های روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلِبْنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عِزُّ الْمُسْلِمِينَ (1)

ای خدا در این روز مرا به لغزشهایم مؤاخذه مفرما و عذر خبط و خطاهایم بپذیر و مرا هدف تیر بلاها و آفت ها قرار مده به حق عزت و جلالت ای عزت بخش اهل اسلام .

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلِبْنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ

«اقاله» یعنی مؤاخذه نکن، از آنجا که انسان خواسته یا ناخواسته دچار خطا و لغزش می‌گردد لذا در فراز اول این دعا از خدا می‌خواهیم ما را مؤاخذه نفرماید.

خداوند عالم هیچگاه برای لغزش‌ها و اشتباهات؛ بنده‌اش را محکم مؤاخذه نمی‌کند، چون انسان قابل اشتباه است، اما آن بنده‌ای را مؤاخذه می‌کند که به لغزش و اشتباهاتش ادامه داده و معصیت را شغل خودش قرار دهد.

بر بنده است که اگر اشتباه کرد فوراً به سوی خدا بازگردد، نه اینکه به خدا اعتنا نکند، لذاست که در روایات داریم: کسانی که به گناه اصرار می‌کنند، دیگر توبه‌ای ندارند، توبه می‌کنند ولی باز هم همان کار را انجام می‌دهند، البته باید توبه کنند، توبه باید شود، اما به گناه اصرار نوزند، چون توبه مسأله‌ای است که خداوند عالم ما را از آن محروم نمی‌کند و دست رد به سینه ما نمی‌زند و تا آخرین روز عمر امکان توبه وجود

ص: 117

از رحمت خدا مایوس نشویم

شیطان بعد از معصیت، ما را ناامید می کند، می گوید خدا دیگر تو را نمی بخشد آخرت از دستت رفت لا اقل به لذت دنیایی برس، رحمت خداوند همیشه شامل حال ما هست و خداوند همیشه بخشنده و مهربان است، هیچ وقت فکر کرده اید اگر به پدر و مادرمان که از گوشت و خون آنها بوجود آمده ایم، چند بار نسبت به آنها نافرمانی کنیم ما را از خود می رانند در حالی که روح و وجود و غذای ما در اختیار آنها نیست، اما خدایی که همه چیز ما را سالها می دهد، اگر نسبت به او نافرمانی کنیم باز می فرماید:

بنده ام برگرد و من توبه تو را قبول می کنم و واقعاً هم قبول می کند هیچ شک و شبهه ای در این مورد نیست.

یاس از رحمت الهی گناهی کبیره

اقتناع، مأیوس شدن به سبب یکی از گناهان کبیره است، « وَ مَنْ يَنْتَظِرْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ » (2) از رحمت خدا مأیوس نمی شود مگر گمراهان، همیشه در توبه باز است و توبه همیشه مقبول است و هیچگاه خداوند عالم توبه کنندگان را مأیوس بر نمی گرداند.

« قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ » (3)

بگو: «ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید- از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.

وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ

و مرا هدف تیر بلاها و آفتها قرار مده؛ خدایا من را در این روز مورد ریزش بلاها و آفات قرار نده، ضعیف ترین موجودات انسان است و لذا برای اینکه محل آفات و بلاها قرار نگیرد باید به قدرت مطلق که حق متعال است تکیه کند.

حکایتی خواندنی از لطف و رحمت الهی

بسیاری از افراد در دوران زندگی از نظر بلا و آفات محفوظ مانده اند، در تاریخ نقل شده: دزدانی به خانه ای داخل شدند، دیدند بچه ای را در گهواره دستانش را بسته اند (که از گهواره نیفتد) برای این که بچه بیدار شده گریه می کند و صاحب خانه بیدار می شود و دزدها را می بیند، گهواره را با بچه یواشکی بیرون برده و در دوردست گذاشتند، و به نقل اثاث خانه مشغول شدند و دیگر چیزی در خانه نماند، در این حال صاحب خانه بیدار شد و دید بچه نیست و دزدها خود را در گوشه خانه، پنهان نمودند و صاحب خانه زنش را

ص: 120

بیدار کرد و گفت: بچه نیست و بیرون پریدند دیدند تمام وسایل خانه بیرون چیده شده، با تعجب نگاه کردند دیدند بچه هم در گهواره آنجاست، ناگهان خانه فروریخت و دزدها زیر آوار مردند و صاحب خانه و بچه و اموالشان سالم ماند. (4)

بِعِزَّتِكَ يَا عِزُّ الْمُسْلِمِينَ

خدایا ما تسلیم تو هستیم و با تو عزیز شده ایم و با قبول تو به عزت رسیده ایم، ما را به ذلت نکشان و به احترام عزت و عظمت من را از همه بلاها نجات بده.

شعر:

به هر ناچیز چیزی او دهد او **** عزیزان را عزیزی او دهد او

مبادا آن که او کس را کند خوار **** که خوار او شدن کاریست دشوار

اگر عزت دهد رو ناز می کن **** وگرنه چشم حسرت باز می کن

ص: 121

پی نوشت ها:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 39

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلِبْ فِيهِ الْخَطَايَا وَالْهَمَمَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي غَرَضاً لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عَزَّ الْمُسْلِمِينَ

(2) حجر آیه 56

(3) زمر آیه 53

(4) لنالی الاخبار: ج 2 ص 92.

ص: 122

پنجشنبه 11 تیر 1394-33:04

شناسه خبر: 6116427- سرویس فرهنگی

نسخه قابل چاپ منبع: حوزه / لینک خبر

شرح دعای روز پانزدهم: چگونه شرح صدر پیدا کنیم

[چگونه شرح صدر پیدا کنیم] حوزه / همه اشخاص می توانند در نماز خضوع و خشوع را مراعات کنند، به شرط آنکه در این زمینه تمرین کافی داشته و دارای اراده ای قوی باشند.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، شرح دعاهای روز را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد

ص: 123

امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ وَ اشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابِهِ الْمُخْتَبِينَ بِأَمَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ.

خدایا در این روز برای من، اطاعت فروتنان و بندگان ترسانت را روزی بفرما، و شرح صدر بندگان فروتن خود را به من عطا بفرما به احترام امانت، امانی که خودت بر بندگان عنایت می فرمایی، ای امان بنده های ترسانش.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤال شد خشوع چیست؟ حضرت فرمودند:

«خشوع عبارت است از تواضع و فروتنی در نماز و اینکه بنده قلب خود را به طور کامل متوجه خدا سازد.» (1) حضور قلب در عبادات، روح و روان آن ها محسوب می شود و نورانیت و مراتب کمال

عبادت‌ها به خشوع و مراتب آن بستگی دارد. هیچ عبادتی بدون حضور قلب، مقبول درگاه احدیت واقع نمی‌شود و مورد لطف و رحمت ربوبی قرار نمی‌گیرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (2) از شکیبایی و نماز یاری جوئید و این دو جز برای اهل خشوع، امری بزرگ و دشوار است.

آنان که به مقام خشوع نرسیده باشند، نماز واقعی برایشان دشوار و سنگین است. چنین افرادی به خاطر ترس از جهنم و طمع بهشت نماز می‌خوانند. همه اشخاص می‌توانند در نماز خضوع و خشوع را مراعات کنند، به شرط آنکه تمرین کافی در این زمینه داشته باشند و نیز دارای اراده ای قوی باشند.

وَاسْرُخْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابِهِ الْمُحْتَبِينَ

ص: 125

معنای ساده شرح صدر یعنی دریا دل بودن است و این که انسان بتواند مشکلات و ناملازمات را در خود هضم کند، همانطور که دریا، آب کثیف را در خود هضم می کند و از آن آب، آلوده و کدر نمی شود و در برابر حیوانات آب زی ثابت قدم ایستاده و رنگ و بوی آن حیوانات را به خود نمی گیرد. در برابر جزر و مدها و طوفانها ایستاده و خم به ابرو نمی آورد. انسان نیز اگر بخواهد بر نفس اماره غالب شود و مشکلات را در خود هضم کند، باید دریا دل باشد، و باید دلی مانند دریا داشته باشد. تا مانند آب دریا همیشه ثابت و استوار باشد و در مقابل آب های کثیف و زلال و شیرین وضع ثابتی داشته باشد، خوشی ها و ناخوشی ها او را به این طرف و آن طرف نکشاند.

چگونه شرح صدر پیدا کنیم

در اینجا این سؤال مطرح می شود که انسان چگونه می تواند شرح صدر پیدا کند؟ در پاسخ باید گفت که در

مباحث اخلاقی و به ویژه در موضوع تهذیب نفس، قاعده ای کلی وجود دارد و آن اینکه صفات نیک و بد آدمی موجب انجام اعمال نیک و بد توسط او می شود و در مقابل، انجام اعمال نیک و بد، صفات نیک و بد او را تقویت می نماید.

فضائل اخلاقی در وجود آدمی شبیه باطری اتومبیل کار می کند.

باطری اتومبیل به اجزاء ماشین برق می دهد و آنها را به حرکت و جنبش می اندازد، در اثر جنب و جوش آن اجزاء، برق خود را تقویت می کند.

رابطه ایمان و عمل انسان نیز به همین شکل است. میزان ایمان هر انسانی، نحوه عمل او را تعیین می کند و عملکرد او در میزان ایمانی که دارد، تأثیر خواهد گذاشت.

این قاعده کلی، در مورد سعه صدر نیز به خوبی صدق می کند؛ کسی که با مشکلات مبارزه می کند، در مقابل گناه مقاومت می نماید، وقتی تمایل جنسی پیش می آید به آن پشت پا می زند و خودپسندی را در خود سرکوب می نماید، معلوم می شود شرح صدر دارد و

رفتاری که در اثر سعه صدر از خود نشان می دهد، شرح صدر او را در دل رسوخ می دهد و آن را ملکه می سازد.

همچنین کسی که در مواجهه با گناه، خود را بیازد و مرتکب گناه شود و در رویارویی با مشکلات عصبانی شده و نتواند به حرکت خود ادامه دهد، باید پی به کمبود شرح صدر خود ببرد و بداند که تکرار اینگونه رفتار توسط او، شرح صدر مختصری که دارد را نیز از بین خواهد برد. از او یک آدم تنگ نظر و ضعیف می سازد که توان مقابله با کوچکترین مشکلات و موانع را هم ندارد.

بنابراین، اگر کسی بخواهد از صفات ارزشمند و پسندیده برخوردار شود، باید عملکرد خود را با نتایج آن صفات تطبیق نماید. یعنی با اعمال نیکو، فضائل اخلاقی را در خود ایجاد و تقویت کند.

استقامت در برابر گناه، سعی در تقویت روحیه انتقادپذیری، حوصله به خرج دادن در انجام کارها، تحمّل مشکلات، مدارا با ناملایمات و اعمالی از این قبیل موجب ایجاد سعه صدر در وجود انسان و رسوخ

این خصلت نیکو در قلب او می گردد. (3)

به بهانه ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام

از آنجا که روز پانزدهم ماه مبارک رمضان مقارن با ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام است به همین مناسبت مطالبی در فضائل این امام همام تقدیم می گردد.

طریقه بیعت مردم با آن حضرت

این امام بزرگوار در میان ائمه ما از امامان مظلوم و مصیبت دیده ماست، وقتی که امیر المؤمنین (علیه السلام) به شهادت رسیدند امامت به این امام بزرگوار منتقل شد، آن حضرت شبانه امیر المؤمنین (علیه السلام) را در نجف اشرف دفن کرد و به کوفه بازگشت.

در نماز ظهر بود که حضرت بعد از نماز به منبر تشریف بردند و مقداری فضائل خود و برادرش امام

حسین(علیه السلام) را که از زبان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) صادر شده بود بیان فرمودند و بعد بالای منبر ساکت نشستند، ایشان منتظر بود که مردم بلند شوند و با ایشان بیعت کنند، هیچ کس بلند نشد، در آخر عدی بن حاتم برخاست و گفت ای مردم کوفه پسر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) منتظر شماست چرا بیعت نمی کنید، یابن رسول الله، دستت را دراز کن من با شما بیعت کنم، خودش و قبیلش بیعت کردند و مردم هم پشت سر او بیعت کردند و تا چهل هزار نفر بیعت کردند.

لشکر کشی معاویه برای غصب خلافت ظاهری حضرت

وقتی معاویه خبر شهادت امیر المؤمنین را شنید ابتدا دین روسای قبایل کوفه را با طلا- و جواهرات خرید و برای تسخیر عراق و کوفه، سپاهیان خود را بدان سو گسیل کرد، حضرت که این خبر را شنید پنج هزار نفر با یک فرمانده به خط مقدم نبرد فرستاد که اگر معاویه

رسید جلوی او را بگیرند، معاویه با یکصد و بیست هزار نفر حرکت کرد، ولی قبل از رسیدن آنها امام حسن از مردم کوفه بیعت می خواهد که برای جنگ آماده شوند، معاویه که به سرحدات رسید شبانه مبلغی برای فرمانده لشکر حضرت فرستاد و او هم شب لشگر را رها کرد و به معاویه ملحق شد، این اول کار است، امام حسن (علیه السلام) که این جریان را شنید، دوباره شخص دیگری را برای فرماندهی اینها فرستاد او هم شبانه پول را از معاویه گرفت و لشگر را رها ساخت، حضرت که دید بیگانه به درد او نمی خورد پسر عموی خود عبیدالله بن عباس، برادر عبد الله بن عباس را فرستاد و او با پنج هزار نفر به سرحدات رسید، ولی حضرت به لشگر فرمود: اگر مسأله ای برای عبیدالله بن عباس پیش آمد فرمانده شما قیس بن سعد بن عباده است، وقتی لشگر به جبهه رسید، معاویه شنید پسر عباس یعنی عبیدالله بن عباس آمده و از فامیلهای حضرت است دو میلیون درهم یا دینار، نیمی نقد و نیمی وعده کرد که اگر به من محلق شوی به تو پرداخت می کنم، صبح لشگر بیدار

شد و دید او هم به معاویه ملحق شده است، چون امام فرموده بود، قیس بن سعد بن عباده فرماندهی را به عهده گرفتند و معاویه هر چه پول و وعده فرستاد یا او را تهدید کرد، قیس تسلیم نشد و گفت من فرزند رسول خدا را تنها نمی گذارم، از این طرف حضرت با زحمت تنها توانست چهل هزار نفر را آماده کند و به نخيله که لشکرگاه کوفه بود آمدند، حضرت در نخيله دوباره از آنها بیعت گرفت و گفت مواظب حق و حقیقت باشید، آنجا سه روز منتظر شد و دید بیش از این کسی نیامد، به سمت جبهه حرکت کردند و در سابط مدائن خواستند مجدداً از اینها بیعت بگیرد و مسأله را محکم تر کند، جای بالایی تشریف برد و فرمود مردم کوفه همانطور که معاویه و اطراف معاویه یکدل و یک نفس هستند و هر چه معاویه می گوید:

آنها عمل می کنند و از هر چه نهی می کند آنها برمی گردند شما هم با من اینگونه باشید، شخصی از خوارج نهران بلند شد و گفت: این شخص مانند پدرش علی کافر شد این کلمه را که گفت آن چهل هزار نفر چنان متفرق شدند و هر کسی به طرف ناحیه

ای حرکت کرد، حضرت دید از چهل هزار نفر فقط پانصد نفر آن هم اطرافیان و خانواده خودش باقی مانده، تاریخ به طور مفصل جریان را نقل کرده، حضرت در حالی که در جایگاه بلندی ایستاده بود تا مردم دوباره بیعت کنند شخصی آمد و شمشیر مسمومی را به ران حضرت زد، حضرت خود را به روی او انداخت و با رانش به گردن او پیچاند که شمشیر دوم را نزد، و بعد حضرت افتادند و ایشان را به فرمانداری مدائن بردند تا معالجه کنند، آن پانصد نفر هم اطراف حضرت را گرفتند که آقا برویم، فرمود با چه کسی برویم؟ این پانصد نفر را هم ببریم همه قتل عام می شوند، بالاخره معاویه از جریان مطلع شد و نامه امضاء شده ای با صفحه سفید فرستاد و نوشت حسن بن علی (علیه السلام) با من صلح کن و هر چه می خواهی بنویس و هر شرایطی را که قائل هستی بنویس من هم زیر آن را امضاء کرده ام و برای من مورد قبول است، حضرت چاره دیگری نداشت شرایطش را در نامه نوشت و صلح کرد.

قیس بن سعد عباده به حضرت (علیه السلام) اعلام کرد من تا

آخرین نفس و نفر همراه شما خواهیم جنگید، هر چه معاویه به قیس بن سعد نوید داد چون از رؤسای انصار بود و بسیار قوی الایمان بود پدرش سعد بن معاذ بزرگ انصار بود، بالآخره نتوانست و به امام حسن نوشت قیس را از سر راهم بردار و حضرت به قیس نوشت، راه را باز کن یعنی تو نمی توانی در برابر یکصد و بیست هزار نفر که یکدل به سوی تو می آیند کاری بکنی، قیس بن سعد گفت من قسم خورده ام میان من و معاویه چیزی جز شمشیر حکمفرما نشود، بالآخره کنار رفت ولی تسلیم معاویه نشد و از همانجا با ناراحتی به مدینه رفت.

غربت حضرت پس از صلح تحمیلی

حضرت به مدینه تشریف بردند و معاویه به وسیله زن حضرت که دختر اشعث بن قیس و از مخالفین حضرت بود ارتباط برقرار کرد و با سمی که از ترکیه از جانب قیصر روم برای او فرستادند حضرت را مسموم

کرد، حضرت وصیت کرد بالای جنازه من یک قطره خون ریخته نشود، در حالی که می خواستند ایشان را کنار قبر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) دفن کنند، دشمنان و مخالفان اهل بیت(علیه السلام) مانع شدند و جنازه حضرت را تیرباران کردند و هفتاد تیر به جنازه حضرت اصابت کرد، ولی امام حسین(علیه السلام) به اطرافیان گفتند که جریان تیرباران را از خواهرش زینب(س) مخفی کنند، ولی در میان نوحه ها یکی از زنها گفت جانم فدای بدنی که تیرباران شد و از آنجا زینب کبری سلام الله علیها جریان را متوجه شد و تا آخر گریه می کرد که جریان کربلا پیش آمد و آنها را زیر چتر خود قرار داد.

پی نوشت ها:

(1) بحارالانوار، ج 84، ص 264

(2) بقره/ 45

(3) تذکر: از آنجایی که آیت الله محمد امینی گلستانی در شرح دعای روز پانزدهم تنها به بیان فرازهایی از بیانات امام حسن مجتبی(علیه السلام) پرداخته بود لذا در شرح فرازهای دعای امروز از مجموعه آثار آیت الله مظاهری استفاده شد.

ص: 135

کد خبر: 352956 / تاریخ مخابره: 1394/4/12-04:38 / سرویس: علمی، فرهنگی

شرح دعای روز شانزدهم: رفاقت با اشرار انسان را از خدا دور می کند

حوزه/ ابرار و اشرار دو نقطه مقابل یکدیگر هستند، اشرار کسانی هستند که هیچ گونه اعتنایی به خدا ندارند و ایمان نمی آورند، چون شر هستند و نمی خواهند سر تعظیم مقابل حق و حقیقت فرود آورند حتی بزرگترین اعجازها را می دیدند ولی اعتنایی نمی کردند.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، شرح دعا های ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُؤَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنَّبْنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ وَأُونِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَيَّ (فِي) دَارِ الْقَرَارِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ (1)

ای خدا در این روز مرا بر موافقت نیکان و مردان فروتن و خدا ترس را به من عطا فرما به حق امان بخشی خود عالم موفق بدار و از رفاقت اشرار جهان دور گردان و مرا در بهشت دار القرار به رحمت منزل ده، به حق الهیت و معبودیت ای خدای عالمیان.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُؤَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنَّبْنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ

در فراز اول این دعا می خوانیم: خدایا مرا در این روز به موافقت ابرار موفق کن و از مرافقت اشرار دور ساز، اگر تاریخ را مطالعه کنیم می بینیم آنهایی که با ابرار موافق و دوست بودند به مقامات عالی رسیدند و کسانی که با اشرار رفاقت داشتند از خدا دور شدند.

در روایت است: «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَسَادُ الْأَخْلَاقِ بِمُعَاشَرَةِ السُّفَهَاءِ، وَصَلَاحُ الْأَخْلَاقِ بِمُنَافَسَةِ الْعُقَلَاءِ»:(2) معاشرت و همنشینی با بی خردان و افراد

لابالی سبب فساد و تباهی اخلاق خواهد شد؛ و معاشرت و رفاقت با خردمندان هوشیار، موجب رشد و کمال اخلاق می باشد.

قرآن بهترین همنشین:

اویس قرنی درباره اثراتِ هم نشینی با قرآن می گوید: «هیچ کس با قرآن همدم نمی شود، مگر آن که وقتی برخاست، بر کمالش افزوده گردید یا از کوردلی و انحرافش کاسته شد. قرآن، مایه شفا و رحمت مؤمنان است، ولی برای ستمگران، چیزی جز زیان و خسارت نیست». از دیدگاه اویس، قرآن برای مؤمنان عامل رشد، قوت و کمال است و برای ستمکاران، زمینه ساز ضعف، تباهی و شکست می شود. اویس، بهترین همدم و مونس خویش را قرآن کریم قرار داده بود و آن گاه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشانه های اویس را برمی شمرد، چنین فرمودند: «اویس قرآن می خواند و بر خویش می گیرد». (3)

لذا اشرار کسانی اند که هر چقدر به ایشان نزدیک شویم و به سوی اینها برویم، از خدا دور خواهیم شد، ابرار و اشرار دو نقطه مقابل یکدیگر هستند، اشرار کسانی هستند که هیچ گونه اعتنایی به خدا ندارند و ایمان نمی آورند چون شر هستند و نمی خواهند سر تعظیم مقابل حق و حقیقت فرود آورند حتی بزرگترین اعجازها را می دیدند ولی اعتنایی نمی کردند.

نمرود نمونه ای از مستکبرین

نمرود با اینکه آیات و نشانه های فراوانی از اعجاز حضرت ابراهیم دید اما باز استکبار ورزید و ایمان نیاورد حتی زمانی که حضرت ابراهیم را به آتش افکند و آتش یکپارچه گلستان شد مع الوصف هیچ اعتنایی نکردند، تنها یک نفر از خانواده نمرود ایمان آورد و او دخترش بود.

ص: 139

نمرود با دخترش، رضه در جایگاه ویژه سلطنتی نشسته و منظره آتش انداختن حضرت ابراهیم (علیه السلام) را نگاه می کردند، رضه برای آنکه صحنه را بهتر ببیند، در بالای بلندی ایستاد؛ اما با کمال ناباوری، ابراهیم (علیه السلام) را در میان یک گلستان دید. رضه با صدای بلند گفت: ای ابراهیم این چه حال است که آتش تو را نمی سوزاند؟

حضرت جواب داد: هر کس در زیانش پیوسته بسم الله» بگوید و قلبش مملو از معرفت الهی باشد، آتش برای او اثر ندارد. رضه گفت: من هم مایلم با تو همراه باشم. ابراهیم فرمود بگو: «لا اله الا الله، ابراهیم خلیل الله و بعد از آن در آتش بیا». او این کلام را گفت و قدم در آتش نهاد و خود را نزد ابراهیم رساند و در حضورش ایمان آورد. آنگاه به سلامت به حضور پدر برگشت.

نمرود با دیدن این صحنه مبهوت و متعجب شد؛ ولی در عین حال به خاطر ترس از مملکتش و عشق و

علاقه به ریاست، او را از ایمان به خداوند تبارک و تعالی بازداشت. سپس خواست دختر را با پند و اندرز از راه توحید بازگرداند؛ ولی اثر نکرد. او را تهدید کرد. سودی نبخشید تا اینکه دستور داد او را در میان آفتاب سوزان به چهار میخ کشیدند. در این موقع پروردگار مهربان به جبرئیل امین فرمان داد: «بنده مرا دریاب.» جبرئیل رعضه را از آن مهلکه رها کرده و به محضر خلیل آورد.

رعضه در تمام مشقت‌ها با حضرت ابراهیم (علیه السلام) همراه بود تا آن که حضرت او را به همسری یکی از فرزندانش در آورد و خدای تعالی فرزندان بی‌انتهای فرمود که همه بر مسند نبوت و پیامبری قرار گرفتند. (4)

وقتی در این روز می‌گوییم: خدایا ما را از شر اشرار دور بدار؛ یعنی:

خدایا هم از پیروی اینها و هم از ستم و ظلمهای فیزیکی ایشان مرا محفوظ بدار، چراکه اهل شرّ به هر مؤمنی که دست پیدا کنند آنقدری که بتوانند او را اذیت می‌کنند، و هیچ‌گونه مضایقه هم نمی‌کنند.

وَ أَوْنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَيَّ (فِي) دَارِ الْقَرَارِ

خدایا مرا با خوبان رفیق کن و به رحمت خودت مرا در بهشت جای بده!

بِالْهِيبَةِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

به خدایی خودت قسم که این دعاها را مستجاب کن و در بهشت جای بده، تازه اگر من را به جهنم بردی با دوری تو چه کنم؟!

امیر المومنین (علیه السلام) در دعای کمیل خطاب به خداوند می فرماید :

خدایا گیرم که من به آتش صبر می کنم ولی فراق تو را چه کنم؟! (5)

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 45

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِعَمَلِ الْأَبْرَارِ وَ جَنِّبْنِي فِيهِ مُرَاقَقَةَ الْأَشْرَارِ وَ أَوْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي دَارِ الْقَرَارِ بِالْوَهْيِيِّكَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

(2) كشف الغمه في معرفة الأئمة (ط - القديمه)، ج 2، ص:

349

(3) نوادر و متفرقات، ص: 935

(4) خزینه الجواهر: ص 663.

(5) بحار الأنوار ج: 67 ص: 196

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي الدُّعَاءِ الَّذِي عَلَّمَهُ كُمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ التَّخَعُّيَّ لَمَّا لَمَسَ يَدَيْهِ فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بِلَاتِكَ وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَدِّدْ صَبْرِي عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَ هَبْنِي صَبْرًا عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ

به خبرگزاری حوزه خوش آمدید اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَ لَمَّا لَمَسَ يَدَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيَا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تَمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

ص: 142

شنبه 13 تیر 1394 السبت 17 رمضان 1394, July 2015, Saturday

کد خبر: 352957 / تاریخ مخابره: 1394/4/13 - 04:09 / سرویس: علمی، فرهنگی

ص: 143

شرح دعای روز هفدهم: از مکر شیطان ایمن نباشیم

حوزه / یکی از مسائلی که امروز از خداوند خواسته ایم، هدایت به اعمال صالح است، یعنی مرا به بهترین اعمال هدایت کن، چون ممکن است در تشخیص اعمال صالح و راه درست اشتباه کنیم.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه» شرح دعاهای ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَأَقْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْأَمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ (1)

ای خدا در این روز مرا به اعمال صالح راهنمایی کن و حاجتها و آرزوهایم را برآورده ساز ای کسی که نیازمند به شرح و سؤال بندگان نیستی ای خدایی که به سرایر خلق آگاهی درود فرست بر محمد و آل اطهار او.

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ

یکی از مسائلی که امروز از خداوند خواسته ایم، هدایت به اعمال صالح است، یعنی مرا به بهترین اعمال هدایت کن، چون ممکن است در تشخیص اعمال صالح و راه درست اشتباه کنیم لذا از او می خواهیم که خودش مرا به راه درست و صراط مستقیم هدایت بفرماید.

روایات فراوانی به ما دستور داده اند که هر چه می توانیم به سوی اعمال صالح حرکت کنیم و خودمان را با اعمال صالح تطبیق بدهیم، و هر چه می توانیم مشغول اصلاح عیوب و کارهای زشت خودمان باشیم، خودمان را به سوی پروردگار عالم حرکت دهیم و از کارهای بد پرهیز نماییم.

ص: 145

در روایت هست که خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: «قال الله تعالى لموسى، يا موسى احفظ وصيتى لك بأربعة أشياء، أوليهنّ مادمت لاترى ذنوبك تغفر، فلا تشتغل بعيوب غيرك الثانيه مادمت لاترى كنوزى قدنفدت، فلا تغتم بسبب رزقك. الثالثه مادمت لاترى زوال ملكى، فلا ترج أحداً غيرى، الرابعه مادمت لاترى الشيطان ميّناً فلا تأمن مكره» (2)

از دیگران عیب جویی مکن

حق متعال به موسی فرمود: ای موسی وصیت مرا در چهار چیز، حفظ نما، مادامی که ندیدی گناهان خودت بخشوده شده، به عیبجویی دیگران مشغول مباش. 1

غم روزی مخور:

ای موسی مادامی که خزانه روزی من تمام نشده است، غم روزی را نخور، پس خزانه خداوند عالم هیچ وقت تمام نمی شود و ما نباید غم روزی را بخوریم، روزی هر کسی معین است هیچ وقت حتی برای یک لحظه روزی کسی قطع نخواهد شد و خداوند روزی را در هر حال می رساند.

حکایت:

مالک دینارگوید: به مکه می رفتم از بیابانی گذشتم دیدم بازی، نانی در منقار داشته و در حال پرواز است گفتم سبحان الله در این کار سرّی هست از راه منحرف شده یک میل پشت سر باز راه رفتم دیدم پرنده کنار چاهی نشست و به داخل چاه رفت من هم کنار ایستاده مراقب اوضاع بودم دیدم آن پرنده در ته چاه روی سینه مردی که چشمان و دست و پایش را بسته بودند نشست

ص: 147

و نان ریز کرد و نصف نان را به او خوراند و منقارش را پر از آب نمود، وی را سیراب کرد و رفت؛ من داخل چاه رفته و دست، پا و چشمان مرد را باز کردم از ماجرایش سؤال کردم گفت: من از اهل خراسانم که به مکه می رفتم و در این محل راهزن ها مرا به این روز انداختند و هرچه داشتم بردند؛ دوروز گذشت و من گرسنه و تشنه ماندم و دعا کردم «الهی اغثنی» خدایا به فریادم برس ناگهان این پرنده سر رسید به این شکل مرا سیر و سیراب نمود؛ دست و پایش را باز نمودم و از چاه بیرون کشیدم ناگه هاتقی ندا درداد «کما أخلصته من البئر أخلصتك من الویل» آنگونه که او را از چاه خلاص کردی مانیز ترا از چاه ویل نجات دادیم؛ پس باهم به مکه رفته و اعمالش را به جا آوردیم. (3)

از مکر شیطان ایمن مباش

یا موسی مادامی که شیطان نمرده است، از مکر و فریب و حيله او در امان نباش، چون او دشمن

ص: 148

شماست، شیطان قسم جلاله یاد کرده که فرزندان آدم را گمراه می کند «فِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (4) مگر بندگان خالص خدا که بر آنها راهی ندارد «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (5) در سوره یاسین و در آیات دیگر هم داریم، «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (6) ای فرزندان آدم آیا به شما اطلاع ندادم که شیطان دشمن آشکار شماست؟

چهار درخواست شیطان از حق متعال

شیطان از موجودات آگاه و مغروری می باشد که به سادگی تسلیم اجرای فرمان خداوند متعال نگردد و در اثر خود برتر بینی، حاضر نشد به آدم علیه السلام سجده کند و سرفرود آورد این کبر و غرور او را از تمام امتیازات، محروم و از درگاه ربوبیت مطرود، گردید! در این موقعیت استثنائی بود که خدای عزّ و جلّ را زیر سؤال و در واقع محاکمه کرد که خدایا تو عادل پس نتیجه آن همه عبادت های هزاران سال من، چه شد؟!.

پاسخ شنید، در آخرت نصیبی نداری ولی به عنوان پاداش اعمال، در دنیا هرچه بخواهی برایت می‌دهم چون فرد آگاه و دانا بود، تصمیم گرفت تمام خواسته‌های خود را متوجه اولاد حضرت آدم علیه السلام نماید تا با نیروهای درخواستی، نسل او را، به آتش بکشد و نگذارد خداشناس و بندگان او باشند بدین جهت گفت:

خدایا مرا که به خاطر او از درگاه خودت و مقاماتم راندی، من می‌خواهم،

1- اولاد من حد اقل دو برابر اولاد او باشند،

2- ما آنها را ببینیم و آنها مرا نبینند،

3- اجرنی فیهم مجری الدم فی العروق من در رگهای آنها مانند خون، در جریان و گردش باشم،

4- مرا تا یَوْمٍ يُبْعَثُونَ (قیامت) عمر بده (این خواسته‌های من در برابر عبادت چندین هزار ساله ام است فرمود: دادم) «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (7) تو مهلت داده شدی تا روز وقت معلوم، حالا آن وقت معلوم تا زمان ظهور حضرت بقیّه

ص: 150

اللّٰه الاعظم روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء است يا روز رستاخيز ياكى قبل از آن، مورد اختلاف در روايات است.

هركدام از اين ها باشد، شيطان به اين زودى ها نخواهد مرد، پس نبايد از نيرنگ و مكر او، در امان باشيم و بى خيال بنشينيم.

ما الان گرفتار اين دشمن واقعى خودمان هستيم، لذا خداوند به حضرت موسى (عليه السلام) فرمود: مادامى كه شيطان نمرده است از وسوسه و فريب او در امان نباش،

از ديگران عيبجوئى مكن

چهارم كه خيلى مهم است فرمود: يا موسى مادامى كه به بخشوده شدن گناهان خودت يقين نكرده اى از ديگران عيب جوئى نكن، وقتى خودت معيوبى، چرا از ديگران عيب جوئى مى كنى؟

حكايه:

روزي شيطان با يكي از دوستانش صحبت مى كرد دوستش گفت تو حيله و فريب بيشترى دارى يا من؟

ص: 151

شیطان گفت من، گفت بیا امتحان کنیم و هر کدام شری به پا کنیم، او به داخل شهر رفت، شهر دو طایفه بودند و با هم اختلاف داشتند، در لباس و هیأت یک فرد متدین و خوش قیافه به رئیس یکی از آن دو قبیله سلام کرد و با او صحبت کرد و گفت تو مرا می شناسی؟ گفت، بله می شناسم فرد خوبی هستی؛ گفت من خصوصی به تو می گویم از آن قبیله می آدم و دیدم که آنها شمشیر و تیر و نیزه آماده می کنند تا با شما بجنگند، او هم قبیله اش را احضار کرد و گفت جریان این است مرد مؤمن و قابل اعتمادی این حرف را به من زده است، آماده شوید، از سوی دیگر نزد رئیس قبیله دیگر رفت و گفت شما نشسته اید و قبیله دیگر شمشیر و سلاح آماده می کنند تا با شما بجنگند اگر باور ندارید بروید ببینید، آنها هم تحقیق کردند و دیدند او راست می گوید، بالاخره شری را به هم زد، بعد رفت دید شیطان چه می کند، دید شیطان کنار خرابه ای نشسته است، بلند می شود به خرابه نگاه می کند و برمی گردد، دید زن و مردی را به هم رسانده و در خرابه عمل زشتی انجام می دهند،

گفت بین من چه کار کرده ام و تو چه کار کرده ای، من یک شهر را به هم زده ام و دارند همدیگر را می کشند، شیطان گفت کار من بدتر است، من تا اینها را اینطور نکنم مثل تویی بوجود نمی آید که یک شهر را به هم بزند،

یا موسی مادامی که از بخشیده شدن عیب های خودت و گناهانت مطمئن نشده ای، برای دیگران عیب جویی ممکن.

پی نوشت ها:

(1) اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِمَصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَأَقْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْآمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الصَّامِتِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

(2) سفینه البحار: ج 1 ص 501 باب الاربعينات.

(3) لئالی الاخبار: 74 / 2 از کتاب خلاصه الاخبار.

(4) سوره ص آیه 82

(5) سوره ص آیه 83

(6) سوره یس آیه 60

(7) سوره حجر آیات 37-38

ص: 153

دعای روز هیجدهم: برکات سحر را در شبهای قدر دریابیم

به گزارش گروه رسانه های نیشابور نیوز، شرح دعاهاى ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ بِنَهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْـَـحَارِهِ وَتَوَزُّ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ (1) ای خدا مرا در این روز برای برکات سحرها [۱]

به گزارش گروه رسانه های نیشابور نیوز، شرح دعاهاى ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ بَهِّنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوِّزْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ (2) ای خدا مرا در این روز برای برکات سحرها بیدار و متنبه ساز و دلم را به روشنی انوار سحر منور گردان و تمام اعضا را برای آثار و برکات این روز مسخر فرما به حق نور خود ای روشنی بخش دل‌های عارفان. اللَّهُمَّ بَهِّنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوِّزْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ اولین شب از شب های قدر در قسمت اول دعای امروز می گوئیم خدایا در این روز به برکت سحرهای ماه رمضان من را آگاه کن، امشب شب اول ليله القدر است، پس برکات سحرهای خاص این ماه مبارک رمضان در این شبها دریابیم.

تمام بندگان خاص خدا و بندگانی که خدا را همیشه در نظر می گیرند این شبها را محترم می دارند و بیدار می مانند و احیا می کنند چون این شبها، شبهای عادی نیست، یکی از این شبها، شب احیا و شب قدر است، آن شبی که خداوند عالم در نص صریح قرآن مجید می فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (3) شب قدر

بهتر است از هزار ماه، یعنی عبادت این یک شب، بهتر است از عبادت هزار ماه، اگر کسی این سه شب را احیا کند بیدار بماند و با خدای خود مناجات و راز و نیاز کند، این مناجات‌ها و این عبادت‌های و راز و نیازهای یک شب، بهتر است از عبادت و دعاها و مناجات هزار ماه. و در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که شب قدر شب بیست و یکم یا بیست و سوم است، حتی هنگامی که راوی اصرار کرد کدامیک از این دو شب است و گفت: اگر من نتوانم هر دو شب را عبادت کنم کدامیک را انتخاب نمایم؟! امام (علیه السلام) تعیین نفرمود، و افزود، « قَقَالَ مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطْلُبُ » چه آسان است دو شب برای آنچه می خواهی! (4) ولی در روایات متعددی که از طرق اهل بیت (علیهم السلام) رسیده است بیشتر روی شب بیست و سوم تکیه شده، در حالی که روایات اهل سنت بیشتر روی شب بیست و هفتم دور می زند.

اهتمام ویژه به تلاوت قرآن و مناجات در شب های قدر در این شبها دعا و مناجات مخصوصاً خواندن قرآن

که هر آیه ای از آن مساوی با ختم قرآن در ماه های دیگر است و برای هر کدامی گناه محو می شود و ده درجه بالاتر می رود و معاصی را از بین می برد و موفق به عبادت خداوند عالم هم می شویم، شب قدر، شبی است که در تمام شرایع آسمانی بوده است تا به شریعت اسلام رسید و این شریعت هم ادامه خواهد داد تا روز قیامت. شب قدر، شب توجه ویژه به امام زمان علیه السلام پیرامون شب قدر ممکن است، گمان شود «ولّی مطلقى» که ملائکه در شب قدر بر او نازل شد و تقدیر امور کردند، فقط پیامبر بوده و پس از ایشان، این امر از میان برداشته شده است؛ زیرا کسی که شایسته این مقام باشد، وجود ندارد. حال این سؤال مطرح است که آیا شب قدر تنها در زمان پیامبر صلی الله علیه و اله بوده یا بعد از ایشان هم وجود دارد؟ پاسخ این سؤال خیلی روشن است چون این مقام خاص (ولّی مطلقى زمان) است و هیچ زمانی خالی از حجّت خدا نیست و از آدم تا انقراض عالم وجود دارد؛ پس شب قدر نیز طبعاً وجود خواهد داشت.

آن چه از احادیث

ص: 157

معتبر در تفسیر سوره قدر استفاده می شود، این است که فرشتگان با ملک اعظم، هر ساله در شب قدر با مقدرات یک ساله به زمین نازل می شوند و مقدرات را به (ولّی مطلق خدا) عرضه و تسلیم می نمایند.

پس این واقعیت از نخستین روز خلقت بوده و بر نخستین پیامبر و وصی او نازل و تا قیام قیامت ادامه دارد.

تاملی در حقیقت غیبت و معنای آن مسئله غیبت و چگونگی آن، از مسایل پیچیده و پرگفت وگو است که: 1- آیا امام علیه السلام در ایام غیبت در جای به خصوصی زندگی می کند و از هرچه غیر آن، چشم پوشیده و در گوشه انزوا نشسته است؟! 2- آیا در همه جا هست و فقط از انظار غایب و با مردم و در جمع مردم حضور دارد؟! 3- با مردم قطع رابطه کرده و در موارد ضروری ارتباط برقرار می کند؟! ابتدا به یک مطلب توجه فرمایید، در روایات مربوط به حضرت قائم علیه السلام سه کلمه «ظهور» و «خروج» و «قیام» زیاد به کار رفته است؛ اما آن چه در این جا لازم است

ص: 158

بدانیم، فرق دو کلمه ظهور و حضور است، ظهور یعنی آشکاری که باید دیده شود، ولی حضور اعم از آن است. می‌گوییم حضرت غایب است و ظاهر نیست؛ یعنی ظهور فیزیکی ندارد، نه این که حضور ندارد. آن حضرت را غایب نامیده‌اند، چون ظاهر نیست، نه آن که حاضر نیست و غیبت به معنای حاضر نبودن، تهمت نارواست. به عبارت دیگر، معنای غیبت او نامرئی بودن او نیست و نباید چنین تصوّر شود که حضرت در تمام مدّت غیبت تا وقت ظهور، یک وجود نامرئی است و دیده نمی‌شود، بلکه از روایات زیاد استفاده می‌شود، امام در میان کوچه و بازار، در رفت و آمد، است و در مجالس مؤمنان و مردم شرکت می‌کند و به روی فرش‌های آن‌ها قدم می‌گذارد، ولی شناخته نمی‌شود، نه این که به طور کلی از میان مردم خارج و در گوشه‌ای زندگی می‌کند و از جامعه بریده است.

مگر او «امام زمان» نیست و نباید از اوضاع دنیا اطلاع داشته باشد، درست است که هنوز اجازه ظهور و عمل به رهبری ظاهری داده نشده است، اما رهبری

باطنی و تکوینی اش که تعطیل نشده است!! پس، آن حضرت تا زمان ظهور در میان مردم به طور ناشناس زندگی و رفت و آمد می کند و به وظایف محوِّله ولایی و تکوینی خود عمل می نماید و در میان جماعت حضور دارد و همه را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند، ولی نمی شناسند، مگر عاشقانی که دایم در آتش عشق او می سوزند و خاکستر می شوند و تا روز وصل، شوق دیدار او را در دل می پروراند، از منظر او دور است. امام زمان همه جا حاضر است و وظایف تکوینی امامتش را انجام می دهند و وظایف تشریحی را در زمانی که خداوند اجازه بدهد انجام خواهد داد، در هر شب قدر در هر سال احکام و جریانات عالم به امام زمان اعلام می شود.

پی نوشت:

(1) بحار الأنوار ج : 95 ص : 50

اللَّهُمَّ بَهِّنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوَّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ يَا نُورَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ

ص: 160

(2) القدر آیه

(3) کافی؛ 04 ط - الإسلامیه؛ 14 ج 4، ص: 651

(4) اصول کافی / کتاب الحججه فی شأن انا انزلنا حدیث 2 و 5.

روایت و بحث در این مورد بسیار است طالبین به تفسیر سوره قدر در تفاسیر و کتب حدیث به مجمع البیان/ جلد 10، ص 518، مراجعه نمایند.

منبع: حوزه

منبع: سایت عقیق

Facebook Twitter Google + Whats App Line Balatar in Google Gmail

اشتراک گذاری

ص: 161

برکات سحر را در شبهای قدر دریابیم

Posted in اخبار C

امشب شب اول ليله القدر است، پس برکات سحرهای خاص این ماه مبارک رمضان را در این شبها دریابیم.

عقیق: شرح دعاهای ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوِّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ (1)

ای خدا مرا در این روز برای برکات سحرها بیدار و متنبه ساز و دلم را به روشنی انوار سحر منور گردان و

ص: 162

تمام اعضا را برای آثار و برکات این روز مسخر فرما به حق نور خود ای روشنی بخش دل‌های عارفان.

اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَتَوَزَّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ

اولین شب از شب‌های قدر

در قسمت اول دعای امروز می‌گوییم خدایا در این روز به برکت سحرهای ماه رمضان من را آگاه کن، امشب شب اول لیل‌ه القدر است، پس برکات سحرهای خاص این ماه مبارک رمضان در این شبها دریابیم.

تمام بندگان خاص خدا و بندگانی که خدا را همیشه در نظر می‌گیرند این شبها را محترم می‌دارند و بیدار می‌مانند و احیا می‌کنند چون این شبها، شبهای عادی نیست، یکی از این شبها، شب احیا و شب قدر است، آن شبی که خداوند عالم در نص صریح قرآن مجید می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (2) شب قدر بهتر است از هزار ماه، یعنی عبادت این یک شب، بهتر

ص: 163

است از عبادت هزار ماه، اگر کسی این سه شب را احیا کند بیدار بماند و با خدای خود مناجات و راز و نیاز کند، این مناجات‌ها و این عبادت‌های و راز و نیازهای یک شب، بهتر است از عبادات و دعاها و مناجات هزار ماه.

و در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که شب قدر شب بیست و یکم یا بیست و سوم است، حتی هنگامی که راوی اصرار کرد کدامیک از این دو شب است و گفت: اگر من نتوانم هر دو شب را عبادت کنم کدامیک را انتخاب نمایم؟! امام (علیه السلام) تعیین نفرمود، و افزود، « فَقَالَ مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطْلُبُ » «چه آسان است دو شب برای آنچه می خواهی!» (3)

ولی در روایات متعددی که از طرق اهل بیت (علیهم السلام) رسیده است بیشتر روی شب بیست و سوم تکیه شده، در حالی که روایات اهل سنت بیشتر روی شب بیست و هفتم دور می زند.

اهتمام ویژه به تلاوت قرآن و مناجات در شب های قدر

در این شبها دعا و مناجات مخصوصاً خواندن قرآن که هر آیه ای از آن مساوی با ختم قرآن در ماه های دیگر است و برای هر کدامی گناه محو می شود و ده درجه بالاتر می رود و معاصی را از بین می برد و موفق به عبادت خداوند عالم هم می شویم، شب قدر، شبی است که در تمام شرایع آسمانی بوده است تا به شریعت اسلام رسید و این شریعت هم ادامه خواهد داد تا روز قیامت.

شب قدر ، شب توجه ویژه به امام زمان علیه السلام

پیرامون شب قدر ممکن است، گمان شود ولی «مطلقاً» که ملائکه در شب قدر بر او نازل شد و تقدیر امور کردند، فقط پیامبر بوده و پس از ایشان، این امر از میان برداشته شده است؛ زیرا کسی که شایسته این مقام باشد، وجود ندارد. حال این سؤال مطرح است که آیا شب قدر تنها در زمان پیامبر صلی الله علیه و اله بوده یا

بعد از ایشان هم وجود دارد؟

پاسخ این سؤال خیلی روشن است چون این مقام خاصّ (ولّی مطلق زمان) است و هیچ زمانی خالی از حجّت خدا نیست و از آدم تا انقراض عالم وجود دارد؛ پس شب قدر نیز طبعاً وجود خواهد داشت.

آن چه از احادیث معتبر در تفسیر سوره قدر استفاده می شود، این است که فرشتگان با ملک اعظم، هر ساله در شب قدر با مقدرات یک ساله به زمین نازل می شوند و مقدرات را به (ولّی مطلق خدا) عرضه و تسلیم می نمایند. پس این واقعیت از نخستین روز خلقت بوده و بر نخستین پیامبر و وصی او نازل و تا قیام قیامت ادامه دارد. (4)

تحقیقی در حقیقت غیبت و معنای آن

مسئله غیبت و چگونگی آن، از مسایل پیچیده و پر گفت و گو است که:

1- آیا امام علیه السلام در ایام غیبت در جای به خصوصی زندگی می کند و از هر چه غیر آن، چشم

ص: 166

پوشیده و در گوشه انزوا نشسته است؟!!

2- آیا در همه جا هست و فقط از انظار غایب و با مردم و در جمع مردم حضور دارد؟!!

3- با مردم قطع رابطه کرده و در موارد ضروری ارتباط برقرار می کند؟!!

ابتدا به یک مطلب توجه فرمایید، در روایات مربوط به حضرت قائم علیه السلام سه کلمه «ظهور» و «خروج» و «قیام» زیاد به کار رفته است؛ اما آن چه در این جا لازم است بدانیم، فرق دو کلمه ظهور و حضور است، ظهور یعنی آشکاری که باید دیده شود، ولی حضور اعم از آن است.

می گوئیم حضرت غایب است و ظاهر نیست؛ یعنی ظهور فیزیکی ندارد، نه این که حضور ندارد.

آن حضرت را غایب نامیده اند، چون ظاهر نیست، نه آن که حاضر نیست و غیبت به معنای حاضر نبودن، تهمت نارواست.

به عبارت دیگر، معنای غیبت او نامرئی بودن او نیست و نباید چنین تصوّر شود که حضرت در تمام

ص: 167

مدّت غیبت تا وقت ظهور، یک وجود نامرئی است و دیده نمی شود، بلکه از روایات زیاد استفاده می شود، امام در میان کوچه و بازار، در رفت و آمد، است و در مجالس مؤمنان و مردم شرکت می کند و به روی فرش های آن ها قدم می گذارد،

ولی شناخته نمی شود، نه این که به طور کلی از میان مردم خارج و در گوشه ای زندگی می کند و از جامعه بریده است.

مگر او «امام زمان» نیست و نباید از اوضاع دنیا اطلاع داشته باشد، درست است که هنوز اجازه ظهور و عمل به رهبری ظاهری داده نشده است، اما رهبری باطنی و تکوینی اش که تعطیل نشده است!!

پس، آن حضرت تا زمان ظهور در میان مردم به طور ناشناس زندگی و رفت و آمد می کند و به وظایف محوّله ولایی و تکوینی خود عمل می نماید و در میان جماعت حضور دارد و همه را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند، ولی نمی شناسند، مگر عاشقانی که دایم در آتش عشق او می سوزند و خاکستر می شوند و تا

روز وصل، شوق دیدار او را در دل می پروراند، از منظر او دور است.

امام زمان همه جا حاضر است و وظایف تکوینی امامتش را انجام می دهند و وظایف تشریحی را در زمانی که خداوند اجازه بدهد انجام خواهد داد، در هر شب قدر در هر سال احکام و جریانات عالم به امام زمان اعلام می شود.

پی نوشت:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 50

« اللَّهُمَّ بَهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنُورِ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ يَا نُورَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ »

(2) القدر آیه 3

(3) کافی (ط - الإسلامية)، ج 4، ص: 156

(4) اصول کافی / کتاب الحجج فی شأن انا انزلنا حدیث 2 و 5.

روایت و بحث در این مورد بسیار است طالبین به تفسیر سوره قدر در تفاسیر و کتب حدیث به مجمع البیان/ جلد 10، ص 518، مراجعه نمایند.

منبع: حوزه

ص: 169

شرح دعای نوزدهم: افطاری دادن از مصادیق خیرات است

به گزارش گروه فرهنگی «خبرگزاری دانشجو» شرح دعاهاى ماه مبارك رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمين محمد امينى گلستانى منتشر مى کند.

اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ وَ سَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (1)

ای خدا در این روز بهره مرا از برکاتش وافر گردان و بسوی خیراتش راهم را سهل و آسان ساز و از حسنات مقبول آن مرا محروم مساز ای راهنمای بسوی دین حق آشکار .

اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ

« وفر » به معنی « زیاد کن » خدایا روزی من کن تا از برکات ماه مبارک رمضان حظ و بهره فراوان ببرم ، و برکات ماه رمضان همان قرآن خواندن و دعای ابو حمزه خواندن است و گریه کردن بر سختی مرگ و آنچه پس از مرگ در پیش رو داریم.

وَ سَهِّلْ سَبِيلِي إِلَىٰ خَيْرَاتِهِ

خدایا راه خیرات را برای من آسان کن ، یکی از خیرات افطاری دادن هست ، اگر تمکن مالی دارید افطاری بدهید ، که ثواب زیادی هم دارد ، لذا از خدا بخواهید که راه خیرات را برای ما آسان بکند ؛ باید از حال همسایه خود با خبر باشید ؛ بعضی ها سحری ندارند بخورند با نان خالی روزه می گیرند ؛ و شما مسئول هستید حتی اگر بی خبر باشید ! باید تحقیق کنید و از حال همسایه فقیرتان اطلاع داشته باشید .

وَ لَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ

خدایا مرا از قبول حسنات محروم نکن ، خدایا اگر کار خوبی می کنم اهل نماز شب و دعای ابو حمزه و... هستم حسنات آن اعمالم را به من برسان و محروم

ص: 171

نکن ؛ یعنی کاری نکنم که حسناتم از بین برود ، مثلاً اگر یک غیبت کنم تمام اعمال چهل روزه من از بین می رود در حدیث آمده است که اگر کسی غیبت کند عبادات چهل روزه او در نامه کسی که مورد غیبت قرار گرفته است نوشته می شود .

يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

ای خدایی که راهنمایی می کنی به سوی حق ؛ الان چقدر باید از خدا شکر گزار باشیم که ما را به دین حق هدایت نموده است و همه ، شیعیان امیر المومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) هستید . «و الی الحق المبین » ولایت اهل بیت هست که خداوند ما را به سوی ولایت اهل بیت هدایت نموده است.

امیر المومنین (علیه السلام) اول مظلوم تاریخ

امروز که نوزدهم ماه مبارک رمضان است یکی از روزهای مصیبت بار برای عالم تشیع و شیعیان مولای متقیان، مظلوم تاریخ، امیر المؤمنین است. حضرت در

ص: 172

نماز صبح نوزدهم ماه مبارک رمضان با شمشیر مسموم ابن ملجم مرادی به شدت مجروح شدند،

ابن ملجم مرادی را بیشتر بشناسیم؟

بعد از کشته شدن عثمان، مردم با امیر مؤمنان علیه السلام بیعت کردند، حضرت نامه ای به حاکم یمن بنام «حبیب بن منتجب» که از طرف عثمان در آنجا مشغول بود، نوشت و سمت او را تثبیت نمود و از او خواست بعد از قرائت نامه، به مردم یمن، ده نفر از نخبگان آن نواحی را به حضور امام بفرستد

مردم یمن از خوشحالی بخلافت رسیدن حضرت، اشک شوق ریختند و ده نفرشان را اعزام نمودند و به خدمت امام شرفیاب شدند همگی اظهار وفاداری و اخلاص نمودند؛ در میان آنها جوانی با کلمات پر شور و جالب از امام تعریف و تمجید کرد و اشعاری در مدح حضرت خواند و گفت:

سلام برتو باد ای امام عادل و بدر تمام و لیث همام و بطل ضرغام و فارس قمقام و ...

ص: 173

آن قدر از این کلمات گفت:

حضرت از گفتار و کیفیت بیان او خوشش آمد و سر مبارکش را بلند کرد و پرسید نامت چیست ای جوان؟ جواب داد: اسم من عبدالرحمن است فرمود: پدرت گفت:

به ابن ملجم مرادی فرمود: امرادیّ أنت؟! قال: نعم یا امیر المؤمنین آیا مرادی هستی؟ بلی ای امیر مؤمنان فرمود: اِنَّاللّٰهَ وَاَنَا لِيَه رَاجِعُونَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ؛

حضرت مکرر دستان مبارکش را بهم می سائید و آنکلمات را تکرار می نمود، امام از او پرسید آیا یادت هست که در بچه گی دایه یهودیه داشتی هر وقت گریه می کردی به پهلو و صورت تو میزد و می گفت: ساکت شو، تواز عاقر ناقه صالح شقی تری! بزودی جنایت بزرگی را ببار می آوری و بغضب خدا گرفتار شده و به سوی آتش جهنم خواهی رفت! گفت: بلی ای امیر مؤمنین اما من تو را و دوستدارانت را دوست دارم فرمود: به خدا قسم حرف حق زدم و حق شنیده ام. (2)

ص: 174

در موارد گوناگون امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: ابن ملجم قاتل من است تا این که روزی فرمود: «أما هذا قاتلی» گفته شد چه مانع است تو او را بکشی؟! فرمود: اِنَّه لم یقتلنی بعد» (3) او هنوز مرا نکشته است (تا قصاص قبل از جنایت کنم) وانگهی پس بعد که مرا می کشد.

روزی از حضرت سؤال نمود که شما برای من بیش از دیگران توجه داری و اسبت را به من دادی و از حقوق خودت برای من کمک می کنی؟ فرمود: چون تو قاتل منی!! با تعجب و شگفتی گفت: آقا من دستم بشکنند اگر این کار را بکنم، ولی گذر زمان مسئله را به حقیقت و واقعیت رساند.

گزارشی از حالات امیر المومنین در شب نوزدهم

علی علیه السلام شب 19 ماه رمضان تا صبح نخواستید کشنده عمرو بن عبدودها و مرحب خیبری ها کَننده دَرِ خیبر و قهرمان بدر و حنین، صاحب مدال افتخار آسمانی (لا فتی إلا علیّ و لا سیف

ص: 175

مکرر از اطاق به حیاط خانه، سر می زند و به آسمانها می نگرد و می گوید: واللّه هی، هی به خدا قسم همان است و همان، نه به من دروغ گفته اند و نه من دروغ شنیده ام.

أذان صبح نزدیک می شود، امام علیه السلام کمر بند را محکم می بندد، و شتابان رو به سوی معبود می رود، بر مناره (ومأذنه) مسجد بالا می رود أذان صبح با صدای علی علیه السلام بلند و مردم با صدای او بیدار و خرامان به سوی مسجد، شتابانند، چون نماز صبح اولین شب قدر را با علی می خوانند، ثواب نماز گزاردن با معصوم را به دست می آورند.

تکبیره الإحرام گفته شد همه ساکت و آرام غیر از حسیس نفس ها چیزی شنیده نمی شود برای رکوع رکعت اول خم می شود و ذکر رکوع را گفته و می ایستد و برای سجده اول پیشانی به خاک می ساید و سر از سجده بر میدارد و شمشیر ابن ملجم بانبروی بازوی خصمانه، پائین می آید و بطور مخالف به همدیگر

اصابت می کند از محل جای زخم شمشیر عمرو بن عبدود تا موضع سجده پیشانی، شکافته می شود ناگهان صدای امام علیه السلام بلند می شود بسم الله و بالله و علی مله رسول الله، فزت ورب الكعبه و خاک محراب را بر زخم فرق مبارکش می ریزد و می گوید:

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى. خون سر مبارکش بر محاسنش جاری و می گوید: هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، زمین لرزید و دریاها موج برداشت و آسمانها، متزلزل گشت و درهای مسجد بهم خورد و خروش از ملائکه آسمانها بلند شد و بادسیاهی سخت وزیدن گرفت به طوری که جهان را تاریک ساخت و صدای جبرئیل میان آسمان و زمین در نوردید، بگونه ای که همه مردم آن صدا را شنیدند «تهدمت و الله أركان الهدى، وانطمست أعلام التقي، وانفصمت العروه الوثقى، قُتِلَ ابْنُ عَمِّ الْمُصْطَفَى قَتْلَ الْوَصِيِّ الْمُجْتَبَى قَتْلَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى قَتْلَهُ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ، به خدا سوگند که ارکان هدایت درهم شکست، و ستاره های علم نبوت، تاریک شد، و نشانهای پرهیز

کاری، بر طرف شد، و عروه الوثقای الهی از هم گسیخت، پسر عموی مصطفی، کشته شد، وصی منتخب، شهید گشت، و علی مرتضی به شهادت. (4)

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 149

اللَّهُمَّ وَفَّرْ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى حَيَاةِ خَيْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي الْقَلِيلَ مِنْ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيَ إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

(2) مراجعه شود به کتاب از مباحثه تا عاشورا: بخش 3 مولود کعبه فصل (ابن ملجم از کجا آمده) بود ص 392 از بحار الأنوار: 42/ 259 روایت مفصل و خواندنی و بیش از 20 صفحه در بحار است که بنا بفرموده علامه مجلسی قدس سره او نیز آن را مختصر کرده است که تازه به بیست صفحه تقلیل یافته است!

(3) الاستیعاب: 3/ 1127، مناقب خوارزمی: 393 ح 412، تاریخ الخميس: 2/ 280، عیون المعجزات: 50، الأحادیث الغیبیه: 148 /2 ح 440 از 14 کتاب موثق.

(4) بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 42، ص: 282

امتیاز کاربران (0.0 نفر)

Share خبرگزاری دانشجو / 22 ساعت پیش / 4 بازدید

ص: 178

کد خبر: 353174 / تاریخ مخابره: 1394/4/20-10:04 / سرویس: علمی، فرهنگی

شرح دعای روز بیستم: فضیلت تلاوت قرآن در تدبر آن است

حوزه/ از روایات اسلامی به خوبی استفاده می شود فضیلت تلاوت قرآن در زیاد خواندن آن نیست، بلکه در خوب خواندن و تدبر و اندیشه در آن است.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، شرح دعاهای ماه رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ، وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِ، وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ (1)

خدایا در این روز برای من درب های بهشت را باز کن، و دربهای آتش و جهنم را قفل کن و ببند و مرا در این روز به تلاوت قرآن موفق کن، ای نازل کننده آرامش بر دل های مؤمنان.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ،

البته خود این فقرات توضیح و تفصیل زیادی دارد که خیلی سریع گذر می کنم تا درباره امیر المؤمنین و ائمه معصومین (علیه السلام) بحثی داشته باشم که مورد نیاز است. اینکه می گوئیم خدایا درب های بهشت را برای من باز کن خیلی مهم است، یعنی خدایا من را به اعمالی موفق کن که دربهای بهشت را بر من باز کند و مرا موفق کن تا از اعمالی که موجب باز شدن درب های جهنم می شود پرهیز کنم.

چگونه اهل بهشت بشویم؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: مَنْ اسْتَتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ وَ مَنْ اسْتَمَقَّ مِنَ النَّارِ لَهِيَ عَنِ الشَّهَوَاتِ (2) هر کس مشتاق بهشت است، به سوی نیکی ها می شتابد

ص: 180

و هر کس از جهنم بترسد، از هوا و هوس روی می گرداند.

علامات اهل بهشت چیست؟

امام صادق علیه السلام: **انَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُنْبَسِطٌ وَ لِسَانٌ لَطِيفٌ وَ قَلْبٌ رَحِيمٌ وَ يَدٌ مُعْطِيَةٌ (3)** بهشتی ها چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده.

البته برای بهشتیان و رسیدن به بهشت در قرآن و اخبار اوصاف و علائم زیادی بیان گردیده است که به همین تعداد کفایت می کنیم.

پس نا برده رنج گنج میسر نمی شود، باید زحمت کشید تا به رحمت رسید آنان که از جان و مال و هستی خودشان در راه خدا، مضایقه نمی کنند، خداوند نیز بر آنها از فضل و کرم خویش دریغ نخواهد ورزید.

وَوَفَّقَنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ

از روایات اسلامی به خوبی استفاده می شود فضیلت تلاوت قرآن در زیاد خواندن آن نیست، بلکه در

خوب خواندن و تدبیر و اندیشه در آن است.

روایتی از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام آمده است که از جدش چنین نقل می فرماید: ما تیسّر منه لکم فیه خشوع القلب و صفاء السر! (4) آن مقدار بخوانید که در آن خشوع قلب و صفای باطن و نشاط روحانی و معنوی باشد! چرا چنین نباشد در حالی که هدف اصلی تلاوت، تعلیم و تربیت است. و روایات در این زمینه بسیار است.

حکایت:

جدّ علامه طباطبائی (ره) از شاگردان و معاشران نزدیک شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهرالکلام) بود و نامه ها و نوشته های ایشان را می نگاشت. مجتهد بود و به علوم غریب (رمل و جفر و ...) نیز احاطه داشت اما از نعمت داشتن فرزند محروم بود. روزی هنگام تلاوت قرآن به این آیه رسید: «وَإِيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (5) با خواندن این آیه، دلش می شکند و از نداشتن فرزند

ص: 182

غمگین می شود.

همان هنگام چنین ادراک می کند که اگر حاجت خود را از خداوند بخواهد، روا خواهد شد. دعا می کند و خداوند هم پس از عمری دراز، فرزند صالحی به او عنایت می فرماید. آن پسر، پدر مرحوم علامه طباطبائی می شود. پدر علامه نیز پس از تولد او، نام پدر خود (یعنی جدّ علامه) را بر وی می نهد. (6)

گریزی به فضایل امیر المومنین علیه السلام

از آنجایی که این ایام مقارن با شبهای قدر و خاص امیر المؤمنین است بیشتر به این بخش توجه می دهم .

ائمه ما و کسانی که از سوی خداوند عالم حجت الهی هستند، دو نوع زندگی و دو نوع مقام دارند، یکی مقام و زندگی ملکوتی و لاهوتی ، و دیگری مقام و زندگی مادی و ناسوتی است، روایتهای مربوط به این مسائل را در کتاب سرچشمه حیات همراه با اسنادش نوشته ام که «اولّ ما خلق الله» این بزرگواران هستند،

ص: 183

یعنی اولین موجودی که خداوند عالم آفرید، انوار طیبه محمد و علی و فاطمه و انوار چهارده معصوم علیهم السلام می باشد.

حدیث:

جابر بن عبداللّه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می کند؛ (أول ما خلق الله نوری، ففتق منه نور علیّ، ثم خلق العرش و اللّوح و الشّمس وضوء النّهار و نور الأبصار و العقل و المعرفه) (7)

«خداوند اولین چیزی را که آفرید، نور من بود، از آن نور؛ نور علی را شکافت، سپس عرش و لوح و آفتاب و روشنی روز و نور چشمها و عقل و معرفت را به وجود آورد.»

حدیث:

ابن عبّاس گوید: شنیدم رسول اللّه به علی علیه السلام خطاب می کرد:

«ای علی! خدای تبارک و تعالی بود و چیزی با او نبود، من و تو را پیش از آفرینش

ص: 184

آسمانها و زمینها از نور جلالش آفرید، پس در مقابل عرش تسیح و تقدیس او کرده و حمد و ستایش او را می کردیم.

حدیث :

خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله فرمود: بعث علیّ مع کلّ نبیّ سرّاً و بعث معی جهراً. علی با تمامی انبیاء در باطن و با من در ظاهر برانگیخته شده است. (8) این روایت با تعبیرهای گوناگون آمده است که به بعضی از آنها اشاره می شود عن النّبیّ صلی الله علیه و آله إنّه قال لعلیّ علیه السلام یا علیّ إنّ الله تعالی قال یا محمد بعثت علیّاً مع الأنبیاء باطناً و معک ظاهراً پیغمبر فرمود: ای علی خداوند گفت: ای محمد من علی را با پیامبران در باطن فرستادم و با تو در ظاهر. (9)

این علی با این عظمت و مقامش و با این مقام لاهوتی و ملکوتیش در این روزها در بستر شهادت آرمیده است و زهر زخم سر مبارکش را معالجه می کنند ولی چه فایده که هیچ معالجه ای اثر نبخشید و علی را

ص: 185

از عالم بشریت گرفتند و تا ظهور فرزند عزیزش امام زمان، مردم را خاکستر نشین کردند، خدا را قسم می دهیم به احترام این امیر المؤمنین و به شرافت این اولیاء متقین و منتخبین و منجبین خودش دست ما را از دامن این بزرگواران تا دم مرگ کوتاه نکند و با این عقیده و محبت ما را به قبر برساند.

محبت علی زمینه ساز بخشش گناهان

سلمان از رسول خدا پرسید یا رسول الله، هزار کلمه ای که خداوند عالم در معراج برای شما تعلیم فرمود که هزار کلمه را به مردم عرض کنید و هزار کلمه را مخیرید برای ذکر به مردم و هزار کلمه خاص خود شماست، یکی از آن کلماتی که خاص شماست را به من بفرمایید، فرمود سلمان از چیز بزرگی سؤال کردی، از مطالبی که خداوند به من یاد داد و مخصوص خود من است، یکی این است که هر کسی از دنیا برود و به اندازه ذره ای در قلبش محبت علی را با خود ببرد، خداوند عالم او را

ص: 186

خواهد بخشید و از تمام گناهانش گذشت خواهد کرد خدایا به احترام این علی ما را در دنیا از زیارتش و در آخرت از شفاعتش محروم نفرما، والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

پی نوشت ها:

(1) الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحدیثه)، ج 1، ص:

355

(2) نورالثقلین، ج 3، ص 566، ح 166

(3) مجموعه ورام، ج 2، ص 91

(4) تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص: 451

(5) انبیاء آیه 83

(6) نوادر و متفرقات، ص: 1248

(7) بحار الأنوار: ج 57 ص 12/ 174 به نقل از ریاض الجنان

(8) شرح أسماء الحسنی: ملا هادی سبزواری 1/ 28 شرح جوشن کبیر الإمام علی: أحمد رحمانی همدانی ص 86.

(9) أنوار التعمانیة جزائری: ج 30/ 1؛ الإمام علی: ص 86 از همان مصدر

شرح دعا

محمد امینی گلستانی تلاوت قرآن دعای روز بیستم

ص: 187

دعای روز بیست و یکم: خداوند چرا شیطان را آفرید؟

عقیق: شرح دعاهاى ماه رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ

لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي

مَنْزِلًا وَمَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ (1)

ای خدا در این روز مرا بسوی رضا و خشنودی خود راهنمایی کن و شیطان را بر

من مسلط مگردان و بهشت را منزل و مقامم قرار ده

ای برآزنده حاجات طالبان.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَيَّ مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا

در قسمت اول دعا می گوئیم : خدایا من را به سوی چیزهایی که مورد رضایت

توست راهنمایی بفرما و شیطان را از من دور کن، یکی از چیزهایی که خدا را

راضی می کند شناخت اولیاء خداست و معرفت به مقام و درجات آنها. البته

شناختن مقامات ایشان برای ما بسیار دشوار است و عقل ما پایین تر از شناخت

واقعی آنهاست.

در توضیح دعای روز بیستم عرض کردم خداوند «اول ما خلق الله» را انوار پاک

و طیبه این بزرگواران قرار داد و نخستین چیزی که خدا خلق کرد، نور پاک

محمد است؛ چون این ذوات مقدس «اول ما خلق الله» هستند و تمام موجودات با اشراف اینها بوجود

ص: 189

مقام استادی امیر المومنین علیه السلام به جبرئیل

روزی جبرئیل نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشست و پرسید که امیر مومنان علی علیه السلام وارد شدند. جبرئیل به احترام ایشان از جا برخاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آیا به خاطر این جوان برخاستی؟ جبرئیل عرضه داشت آری، او بر من حق استادی دارد پیامبر (صلی الله علیه و آله) از چگونگی آن سوال فرمودند. جبرئیل عرض کرد: آن گاه که خدا مرا آفرید سوال کرد

تو کیستی و نام تو چیست؟ و من کیستم و نامم چیست؟ من در پاسخ متحیر ماندم.

سپس این جوان در عالم انوار حاضر شد و پاسخ را به من آموخت.

گفت بگو: تویی

پروردگار بزرگی که نامت نیکوست و منم بنده ی خوار و اسمم جبرئیل است. بدین جهت برای او برخاستم و احترامش کردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای جبرئیل عمر تو چقدر است. پس جبرئیل عرض کرد:

ستاره ایست که هر سی هزار سال از عرش طلوع می کند و من سی هزار بار طلوع آن را دیده ام. پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چنانچه ستاره را ببینی آنرا می شناسی؟ جبرئیل عرض کرد چگونه نشناسم! آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی عمامه ی خود را از پیشانی بردار. همین که آن را کنار زد نور آن ستاره را در پیشانی امیرمومنان علی علیه السلام دید. (2)

چرا این مقامها از طرف خداوند به این بزرگواران داده شد؟

می دانیم که اولیا الهی و ائمه معصومین (علیه السلام) عبد ذلیلی در پیشگاه خداوند عالم هستند و خداوند در برابر بندگی ایشان این همه فضائل و مناقب به آنها اختصاص داده است.

در حدیث کسافرموده: «یا ملائکتی و سگان سماواتی و عزّتی و جلالی ائی ما خلقت السماء مبنیّه و لا ارضا مدحیّه و لا شمساً مضییّه و لا قمرأ منیرا و لا فلکاً یدور و لا بحراً یجری و لا فلکاً یسری الاّ لمحبه هؤلء الخمسه الذین هم تحت الکساء» (3) به عزت و جلالم قسم من آسمان بالا و زمین گسترده را و ماه و ستاره را خلق نکرده و افلاک و دریاها را نیافریده ام مگر به خاطر محبت شما و ما فقط گوشه بسیار کوچکی از

ص: 192

مقام این بزرگواران را می توانیم درک کنیم.

وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلاً

ممکن است سؤال کنند خداوند چرا شیطان را آفرید با اینکه می دانست سرچشمه وسوسه ها و گمراهی هامی شود؟

جواب: اولاً خلقت شیطان از آغاز خلقت پاک و بی عیب بود سپس با سوءاستفاده از آزادی خود بنای طغیان و سرکشی گذاشت و رانده درگاه خداوند گردید ثانیاً وجود شیطان برای پویندگان راه حق نه تنها زیانبخش نیست بلکه رمز تکامل و موفقیت نیز محسوب می شود زیرا وجود یک دشمن قوی در مقابل انسان باعث پرورش و ورزیدگی و ترقی او می گردد نتیجه اینکه شیطان گرچه به حکم آزادی اراده در

ص: 193

برابر اعمال خلاف خود مسئول است ولی وسوسه های او، زیانی برای بندگان خدا و آنهایی که می خواهند در راه حق گام بردارند نخواهد داشت بلکه بطور غیر مستقیم برای آنها ثمر بخش خواهد بود.

موعظه شیطان به حضرت نوح و موسی علیهما السلام

شیطان به محضر بعضی از انبیاء علیهم السلام می رسید و صحبت می کرد از جمله با حضرت یحیی علیه السلام گفتارهایی دارد، روزی به حضرت یحیی گفت: من از بندگی و فرمان برداری توبه خدا، خوشم می آید. آن حضرت پرسید مردم را چگونه می فریبی و از راه حق دور می داری؟! گفت: کمی صبر کن تا برگردم، پس از گذشت چند دقیقه ای، دید شیطان ظاهر شد کلاهی با انواع و اقسام رنگ ها بر سر

ص: 194

دارد و زنگوله ای در دست می زند و می رقصدا، پرسید ابلیس این چه وضعیست؟!

گفت: ای یحیی این کلاهی که بر سر دارم و رنگهای گوناگون، من هرکس را با رنگ مناسب خودش می فرییم و از ره به در می کنم، عالم را با راه علم و عابد را با راه عبادت و جوان را با این جمله که دلت صاف باشد وقتی پیر شدی توبه می کنی و پیر را با نویدهای متناسب و پرسید آن زنگوله چیست؟ گفت: ای یحیی نوای تمام موسیقی های عالم از این سرچشمه می گیرد با زدن این زنگوله همه را به حرکت و می دارم و می رقصانم، زن و مرد و پیر و جوان و پرسید در فکر فریب دادن من هم می باشی؟ گفت: بلی، مادرت که برایت آس می پزد و از آن سیر می خوری، در آن حال می خواهیم به تو نزدیک شوم باز روی

ص: 195

مرا می سوزانی!! حضرت فرمود: با خدا عهد می بندم دیگر از آتش مادر سیر

نخورم، شیطان گفت: من هم با خدا عهد می بندم، به هیچ کس حرف راست و درست

نگویم، برای فریب تو در آن مسیر امید کوچکی داشتم، آن را هم خراب کردم. (4)

پی نوشت:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 159

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ مَنْزِلًا لِي وَ مَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ .

(2) ج القطره: 190؛ الأنوار النعمانية: 95/1

إنَّ جبرئيل عليه السلام كان جالساً عند النبي صلى الله عليه وآله وسلم فدخل عليّ عليه السلام فقام له جبرئيل عليه السلام فقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم أتقوم لهذا الفتى؟! فقال جبرئيل عليه السلام: نعم، إنَّ له عليّ حقّ التعليم. فقال: كيف ذلك التعليم يا جبرئيل؟ فقال:

خلقني الله فسألني من أنت و ما اسمك؟ و ما أنا و ما اسمي؟ فتحيّرت في الجواب، ثمّ حضر هذا الشابّ في عالم الأنوار، و علّمني الجواب.

فقال: قل: أنت الربّ الجليل و اسمك الجميل، و أنا العبد الذليل و اسمي جبرئيل، فلماذا قمت و عظّمته،

فقال صلى الله عليه وآله وسلم: كم عمرك يا جبرئيل؟ فقال:

نجم يطلع من العرش كل ثلاثين ألف سنة مرّه واحده، و قد شاهدته طالعاً ثلاثين ألف مرّه. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إذا رأيت ذلك النجم تعرفه؟ قال: كيف لا أعرفه! فقال: يا عليّ خذ العمامه من جبهتك، فلما كشفها رأه في جبهه عليّ عليه السلام.

(3) ج عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيده النساء إلى الإمام الجواد، ج 11 قسم-2-فاطمه س، ص: 923

(4) گلستان سخنوران، 110 مجلس سخنرانی مذهبی، ج 1، ص: 80

منبع: حوزة

ص: 196

به خبرگزاری حوزه خوش آمدید اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

شنبه 18 تیر 1394 السبت 24 رمضان 11, 2015 Saturday, July

کد خبر: 353272 / تاریخ مخابره: 1394/4/22 - 01:11 / سرویس: -

شرح دعای روز بیست و دوم: چگونه رضایت الهی را جلب کنیم؟

حوزه/ چیزهایی که خداوند را راضی می کند آن است که اوامرش را انجام بدهیم و از نواهی او پرهیز

کنیم این یک تعریف کلی است.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، شرح دعای ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَقِّعْنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَأَسْكِنْنِي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَّتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ (1)

ای خدا در این روز به روی من درهای فضل و کرمات بگشا و بر من برکات را نازل فرما و بر موجبات رضا و خوشنودیت موقم بدار و در وسط بهشت هایت مرا مسکن ده ای پذیرنده دعای مضطر پریشان.

چگونه رضایت الهی را جلب کنیم؟

در این روز می گوئیم خدایا من را به سوی آن چیزی

ص: 198

که تو را راضی می کند موفق بفرما و به آن مقام و آن وسایل برسان.

چیزهایی که خداوند را راضی می کند آن است که او امرش را انجام بدهیم و از نواهی او پرهیز کنیم این یک تعریف کلی است.

دفاع از امامت علی (علیه السلام) بزرگترین دستاویز رضایت الهی

اما در مورد امیر المؤمنین باید عرض کنم تا چه مقدار در مورد این موجبات مرضای خداوند عالم جانفشانی و فداکاری کرد. ما می دانیم که دین اسلام به سه سبب پیشرفت کرد، اول اموال خدیجه کبری، ایشان بسیار ثروتمند بودند و در تاریخ آمده که هشتاد هزار نفر شتر تجاری و غیره داشت، و در خزانه او آنقدر طلا بود که در دو طرف آن همدیگر را نمی دیدند، این اموال را در راه پیشبرد اسلام مصرف نمود تا روزی که از دنیا رفت چادر او پنج وصله داشت، همانطور که چادر دخترش موقع از دنیا رفتن هفت وصله داشت، پس مال

ص: 199

حضرت خدیجه یکی از علل سه گانه پیشرفت اسلام بود، دوم اخلاق حسنه رسول خدا که خداوند در قرآن چند چیز را مهم و بزرگ شمرده است که یکی همین است که فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (2) و مورد سوم جانفشانی و خدمات امیر المؤمنین (علیه السلام) است.

حیات و زندگی علی علیه السلام در جهت جلب رضایت الهی گذشت

امیر المؤمنین که موجبات رضایت خداوند عالم را در مدت عمرش انجام داد هم در دوره جوانیش و حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و هم بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که بیست و پنج سال به خاطر حفظ وحدت اسلام خانه نشین شد و تحمل کرد و بعد آن هم چهار سال و هشت ماه خلافت ظاهریه داشت و با چه مصائبی روبرو شد، سه جنگ مهم بر او تحمیل کردند و در آخر با شهادت از دنیا رفت.

یکی از مسائلی که موجب رضایت خداوند عالم در

مورد امیر المؤمنین است این بود که در جنگ خندق، عمرو بن عبدود از خندق عبور کرد و مبارز خواست، کسی جلو نرفت و کسانی که جلوی رسول خدا صف کشیده بودند همه به عقب برگشتند و رسول خدا را جلو فرستادند و گفتند: این فارس یل یل است و با هزار نفر جنگجو برابری می کند ما چگونه می توانیم با او مبارزه کنیم و هر چه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود، کسی به او پاسخ نداد در نهایت امیر المؤمنین که در سنین جوانی بود جلو آمد و فرمود: یا رسول الله من می روم، صحنه نبرد پر از گرد و خاک شد ولی یک وقت دیدند که امیر المؤمنین نشسته است و منتظر است و از طرف دیگر عمرو بن عبدود هم روی زمین افتاده است بعد از لحظاتی ایشان سر عمرو بن عبدود را جدا کردند، رسول اکرم از امیر المؤمنین سؤال کرد چرا در بریدن سر او تأخیر کردی؟ حضرت فرمود: چون او به صورت من آب دهان انداخت و من نمی خواستم عصبانیت من در کاری که انجام می دهم دخالت داشته باشد و فقط برای رضای خدا این کار را انجام بدهم، در اینجا رسول اکرم

سه فراز در موجبات مرضات خداوند عالم که امیر المؤمنین در آن میدان به جای آورد ایراد کردند، یکی اینکه موقع حرکت امیر المؤمنین به سمت میدان نبرد رسول اکرم فرمود: «بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشَّرِكِ كُلِّهِ؛ تمام ایمان در برابر تمام شرک قرار گرفت» (3) فرمایش دیگر بعد از آنی بود که شمشیر را امیر المؤمنین فرود آوردند و عمرو بن عبدود را از بین بردند، رسول خدا فرمود: «صَرَبَهُ عَلَى يَوْمِ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ؛ ارزش ضربتی که علی در جنگ خندق بر دشمن فرود آورد، از ارزش عبادت جن و انس برتر است.» (4) چون آن یک ضربت اسلام را زنده کرد و اینها عبادات خود را بوسیله آن انجام می دهند و سوم اینکه حضرت فرمود: «لَوْ وُزِنَ الْيَوْمُ عَمَلُكَ بِعَمَلِ جَمِيعِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ، لَرُجِحَ عَمَلُكَ عَلَى عَمَلِهِمْ...؛ اگر امروز ارزش عمل تو با ارزش عمل همه امت من سنجیده شود، ارزش عمل تو بر ارزش عمل همه امت، برتری می یابد.» (5) این یک نمونه از موجبات مرضات الهی است که امیر المؤمنین در روز خندق انجام داد.

وَ أَسْكِنِّي فِيهِ بِحُبُوحَاتِ جَنَّاتِكَ

خدایا من را در وسط بهشت ساکن کن ، شاید وسط بهشت محل سکونت اولیاء الهی است که آن را از خدا درخواست می کنیم.

يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

ای خدایی که دعای مضطربین را اجابت می کنی ، دعاهاى امروز را در حق من مستجاب کن ؛ امام باقر علیه السلام فرمود: «هو و الله المضطرّ في كتاب الله، و هو قول الله أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ» (6) به خدا قسم اوست - حضرت مهدی - مضطربى» که در کتاب خدا و در گفتار خدا (قرآن کریم) مذکور است! (... آیا کسی است که به مضطرّ جواب دهد وقتی او را بخواند و بدی را از او دور سازد. (7)

پی نوشت

(1) إقبال الأعمال ص : 206

اللهم افتح لى فيه [فى هذا اليوم] أبواب فضلك و أنزل على فيه [فى هذا اليوم] من بركاتك و وفقنى فيه لموجبات مرضاتك و أسكنى ببركته بحبوحه جناتك [فيه بحبوحات جناتك] يا مجيب دعوه المضطربين برحمتك يا أرحم الراحمين

(2) سوره قلم آیه 4

(3) بحار، ج 20، ص 215.

(4) مستدرک حاکم، ج 3، ص 32؛ احقاق الحق، ج 6، ص 54 و 55.

(5) بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 20، ص: 216

(6) نمل: 62.

(7) بحار الأنوار: 341 / 52 ب 27 ح 91 از تفسیر عیاشی.

ص: 203

تاریخ انتشار: 19 تیر 1394 -

خانه « عمومی

شرح دعای روز بیست و سوم: معیار در ایمان چیست؟

امیر المؤمنین که با جانفشانی های او پرچم اسلام برافراشته شد و مرتب در جنگ خیبر و سایر جنگ ها حماسه ها آفرید با دسیسه دشمنان حقانیتش پنهان شد.

عقیق: شرح دعای ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

ص: 204

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ» (1)

ای خدا در این روز مرا از گناهان پاکیزه گردان و از هر عیب و نقص پاک ساز و دلم در آزمایش رتبه دل‌های اهل تقوی بخش ای پذیرنده عذر لغزشهای گناهکاران.

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ

در فراز اول می‌گوییم خدایا من را از گناهان و عیب‌ها پاک و مطهر بگردان. اینها مسائلی است که درباره همه شامل است و از خدا می‌خواهیم که درباره ما هم شامل بشود و مشمول رحمت خداوند بشویم انشاء الله.

ولایت امیر المومنین ملاک امتحان قلب‌ها

ص: 205

« وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ » امتحان قلب و امتحان دل که در زمان رسول خدا بود، خیلی مهم بود کسانی که در محضر آن حضرت بودند با این امتحانات مواجه بودند البته کسانی که از امتحان سربلند خارج شدند عده آنها کم بود و روایت امام صادق (علیه السلام) در تایید این مطلب کافی است که فرمود: « اَزْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ صِ إِلَّا ثَلَاثَةً نَعْرَ الْمُقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرَّ الْعِفَارِيُّ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ » (2) همه مردم بعد از پیامبر مرتد شدند الا سه نفر؛ یعنی آن همه مردم بیست و سه سال با پیامبر بودند ولی از امتحان بعد از پیامبر اکرم سربلند خارج نشدند مگر این سه نفر، به خاطر این است که حضرت می فرماید همه مشتاق بهشت هستند اما بهشت مشتاق چهار نفر است، علی و سلمان و اباذر و مقداد، (3) یعنی این سه نفر خودشان را در این مقام به امیر المؤمنین رساندند.

چگونه نور ولایت امیر المؤمنین را از مردم مخفی

کردند؟

امیر المؤمنین که با جانفشانیهای او پرچم اسلام برافراشته شد و مرتب در جنگ خیبر و سایر جنگ ها حماسه ها آفرید با دسیسه دشمنان حقانیتش پنهان شد.

علی (علیه السلام) بود با تقدیم جسم و جان خود و خوابیدن در فراش (و رختخواب) ، رسول خدا صلی الله علیه و آله را از شر دشمنان متحد از تمام قبایل حتی ابولهب از خود بنی هاشم ، نجات داد و راهی مدینه ، ساخت .

او بود در جنگ بدر گردنکشان قریش را به خاک مذلت نشاند، و عظمت آنها را ، نابود کرد.

او بود در جنگ احد پس از فرار تمام ارتشیان حتی خلیفه اول و دوم و سوم فقط علی ماند با زنی بنام نسیبه و رسول خدا را از شر دشمن نگهداشت و با پذیرفتن 90 زخم فقط در قسمت جلوی بدن و شکستن شمشیر و آمدن ذوالفقار ، عاشقانه از پیامبر دفاع کرد و تا به رسیدن و یاری آمدن فرشتگان خدا جانفشانی نمود.

ص: 207

او بود در جنگ خندق رسول خداصلی الله علیه و آله هنگام رفتنش به میدان فرمود: (برز الاسلام کله علی الشکر کله، کل اسلام در برابر تمامی شرک آشکارشد) و ضربه علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین ضربت علی روز خندق از عبادت جن و انس افضل است و درباره آن ضربت فرمود: اگر آن یک ضربت در یک کفه ترازو قرار گیرد و عبادت ثقلین در کفه دیگر آن ضربت بر آنها فائق خواهد آمد.

او بود با کندن در بزرگ دژهای خیبر و در فتح قلعه های هفتگانه آن و نابود ساختن قدرت یهودیان، اسلام و مسلمانان را به پیروزی رساند و خلاصه او بود که در جنگ حنین پس از فرار بیش از ده هزار ارتش اسلام و دو هزار تازه مسلمان و تا آمدن نیروی آسمانی، از رسول صلی الله علیه و آله دفاع کرد و به پیروزی رسانید.

کوتاه سخن اینکه بنا به گفته تمام ارباب تاریخ و تراجم و تفاسیر، باشمشیر علی (علیه السلام) بود که کشتی نوپا و نوساز اسلام به سر زمین عرب، لنگر انداخت و ریشه

حرکت های زیر زمینی یهود برای مقابله با اسلام راستین

در خلال این دوران های خطرناک یک گروه زیر زمینی (که از بزرگان علمای یهود و مسیحیت زمان خود ، نسبت به پایان کار و نهایت دعوت پیامبر و پیروزی دین او به تمام اقشار مختلف و گوناگون عربستان ، اطلاعاتی داشتند)، تشکیل یافت و پا به عرصه وجود گذاشت و بظاهر با ایمان آوردن و با دادن دختران ریز و درشتشان به رهبر این دین (به امید داشتن اولاد و بعدها ادعای ارث و جاسوس اندرونی بودن)، پایه کارهای آینده خود را از درون و بیرون و از داخل و خارج ، محکم کرده و در طول زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، در کنار هم پیش رفتند و پایه های تصمیمات آتی خود را استوار ساختند.

با ایمان آوردن امثال ابهریره دوسی که فرد بی چیز

و ندار و شکمو که می گفت: (الصَّـلَـوَهْ خَلْفَ عَلِيٍّ اَفْضَلُ و اَتَمُّ و سَفْرَهْ مَعَاوِيَهْ اَدَهْنُ و اَدَسَمُ نَمَازِ پِشْتِ سِرِّ عَلِيٍّ اَفْضَلُ و تَمَامُ تَرَا سَتِ و (چکنم) سَفْرَهْ مَعَاوِيَهْ رَوغْنِي و چَرَبِي دَارِ اَسْتِ). و با عنوان مسلمان شدن خود را به جمع مسلمانان و بعدها هم با آمدن کعب الاحبار عالم پر آوازه یهود این جریان قوت گرفت.

انتقام یهود از مظلوم تاریخ امیرالمؤمنین

کعب الاحبار در زمان عمر به طرف بیت المقدس حرکت کرد و با تمیم داری دست به دست هم دارند و بعد از آن وهب بن منبه و عبدالله ابن عمرو بن عاص، اسرائیلیات را وارد دین کردند؛ مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه یکصد و دوم سوره بقره ابتدا روایتی نقل می کند و بعد می فرماید: از این روایت معلوم می شود که چقدر در تفاسیر و کتابهای اسلامی اسرائیلیات نفوذ کرده است، امیرالمؤمنین را با نفوذ خود خانه نشین کردند چون کعب الاحبار تبلیغ کرد که همانطوری که در

زمان حضرت ابراهیم خلافت و نبوت در یک خانه انجام نگرفت، نبوت در خانه لاوی و خلافت در حضرت یوسف و دیگران بود در اسلام هم صلاح نیست و جایز نیست خلافت و رسالت در یک جایگاه باشد، رسالت در خانواده بنی هاشم بوده و خلافت نباید در آن خانواده باشد، و با این حرکت درب خانه امیر المؤمنین بسته شد و انتقام کشته شدگان یهود را از امیر المؤمنین گرفتند .

اگر در واقع خلافت و رسالت در یک خانه جایز نبود جمع بشود چگونه خلیفه دوم خودش امیر المؤمنین را در شورای ششگانه قرار داد؟ و چطور مردم دوباره او را که از بنی هاشم بود به خلافت برگزیدند و چطور شد که کعب الاحبار به شام رفت و در شام معاویه را پیش برد و دوباره امام حسن را به آن روز انداخت و دوباره درب خانه خاندان امیر المؤمنین را بست و به بنی امیه منتقل کرد.

ص: 211

این داستان سرائی های اسرائیلیاتی ، حتی در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله ، در افکار بعضی از گروه افراد زیر زمینی ، اثر گذاشت و به خود مشغول ساخت و مورد تایید قرار گرفت و کار را به جایی رسانید که خلیفه اول و دوم در زمان خلافت خود ، نقل احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را اکیدا ممنوع کردند و اصحاب مانند ابوذر و عبد الله بن مسعود و... را با گفتن قال رسول الله شکنجه کردند و حقوقشان را قطع نمودند و این کار یک قرن تمام (صد سال که نسل عوض شد) تا زمان ریاست عمر بن عبدالعزیز ادامه یافت اما از قال رسول الله خبری نبود و از علی (علیه السلام) و فضایل او سخنی ، به میان نمی آمد و به دست فراموشی سپرده شد.

بطور خلاصه داستانهای اسرائیلی به وسیله یهودیان و مسیحیان نفوذی و رهبران گروه زیر زمینی ، در طول تاریخ کار خود را کرد و به گونه ای رواج پیدا نمود که

اخبار و احادیث نبوی از ذهن ها و فکرهای قسمت اعظم اصحاب و تابعین و بعد از تابعین ، زدوده شد و پاک گردید.

پی نوشت:

(1) بحار الأنوار ج : 95 ص : 169

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَ اَمْتَحِنْ فِيهِ قَلْبِي لِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ

(2) الإختصاص، شيخ مفيد، ص: 6

(3) منتهى الآمال، ج 1، 228.

منبع: حوزه

برچسب ها: دعا ، روز بیست و سوم ، ایمان ، معیار

ص: 213

کد خبر: 353384 / تاریخ مخابره: 1394/4/20-04:15 / سرویس: علمی، فرهنگی

شرح دعای روز بیست و چهارم: مظلوم ترین شخصیت عالم چگونه خدا را عبادت می کرد

حوزه/ امیر المؤمنین فرد اکمل جامعه بشریت است. از چیزهایی که خدا را راضی می کرد هیچ گونه مضایقه ای نداشت حتی به کشته شدن خودش هم تمام شد و نخواست کوچکترین خدشه ای به دین اسلام وارد شود.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه» شرح

ص: 214

دعاهای ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَأَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنَّ أَطِيعَكَ وَلَا أَعْصِيكَ يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ (1)

ای خدا در این روز از تو درخواست می کنم آنچه را که رضای تو در اوست و به تو پناه می برم از آنچه تو را ناپسند است و از تو توفیق می خواهم که در این روز همه را به فرمان تو باشم و هیچ نافرمانی نکنم ای جود و عطا بخش سؤال کنندگان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ

در این قسمت می خوانیم خدایا من از تو می خواهم چیزهایی که تو را از من راضی می کند به من عنایت کنی و مرا از چیزهایی که تو را ناراحت می کند دور نمایی؛ کارهایی که خدا را راضی می کند عمل به اوامر او

و دوری جستن از منهیات اوست.

علی (علیه السلام) و جلب رضایت الهی

در این مورد امیر المؤمنین فرد اکمل جامعه بشریت است. از چیزهایی که خدا را راضی می کرد هیچ گونه مضایقه ای نداشت حتی به کشته شدن خودش هم تمام شد و نخواست کوچکترین خدشه ای به دین اسلام وارد شود؛ وقتی خلیفه دوم از دنیا می رفت از کعب الاحبار پرسیدند: آیا صلاح است بعد از خود علی را معرفی کند و کعب گفت این کار به صلاح امت اسلام نیست چرا که علی با اجتهاد خودش کار نمی کند و هر چه را قرآن و رسول خدا گفته اند با آن عمل می کند. کسی که اینطور باشد نمی تواند خلافت کند و به هر صورت امیر المؤمنین در همه چیز و در همه مورد رضایت پروردگار عالم را به دست می آورد و فقط نظرش به دست آوردن رضایت او بود. (2)

ص: 216

شب و روز انبان به دوش دور می زد و گرسنگان و یتیمان و بیوه زنان را اطعام می کرد و سیراب می نمود و اجازه نمی داد یتیمی گریه کند حتی زمانی که امام مجتبی با امام حسین و سایر اولاد حضرت از دفن امیر المؤمنین باز می گشتند از کنار خرابه ای می گذشتند که دیدند شخصی در حال گریه کردن است داخل رفتند و دیدند پیرمردی است که از هر دو چشم نابیناست، سبب گریه او را سؤال کردند و گفت گریه ام برای این است که من از بصره آمده ام تا امیر المؤمنین را بینم ولی ایشان در جنگ بود و جایی نداشتم من را آوردند اینجا گذاشتند و من گرسنه و تشنه بودم یک وقت دیدم یک نفر آمد و سر من را به روی زانویش گذاشت و خودش هم می گریست و اشکش به روی من می ریخت و می گفت خدایا مسکین با مسکین نشسته بیچاره با بیچاره نشسته به من رحم کن این حرفها را می گفت و گریه می کرد و لقمه به دهن من می گذاشت و در آخر من

را سیراب می کرد و یک سال تمام است او هر روز سه وعده غذا می داد و تر و خشک می کرد و الان دو شب است که نیامده است و نمی دانم چه اتفاقی برای او افتاده است که حسنین و سایر حاضرین گریه کردند و گفتند دیگر منتظر او نباش، پیرمرد نابینا حسنین را قسم داد که من را سر قبر او ببرید و هنگامی که او را بر مزار امیر المؤمنین حاضر کردند گفت خدایا به احترام صاحب این قبر من را هم پشت سر او ببر و دیگر نمی خواهم زنده بمانم او هم در آنجا وفات یافت و دفنش کردند.

علی مظلوم ترین شخصیت عالم

شب و روز علی با بیچارگان و مسکینان و مظلومان بود و فریاد رس آنان بود و حلال مشکلات بود و در این مورد چیزهای زیادی شنیده اید و دیده اید و گفته شده این امر المؤمنین که بر آسمانها و ملکوت عالم حکومت دارد ولی در زمین در دست یک عده به جایی رسید که حکم کفر او را صادر کردند و گفتند کفر الرجل والله،

ص: 218

گفتند علی کافر شده است، امیر المؤمنین بالاتر از بهشت را در نظر داشت و آنهایی که سالک الی الله هستند بهشت در نظرشان نیست و ترسی از جهنم ندارند و فقط رضایت و خشنودی خدا را در نظر دارند .

امیر المؤمنین در کلامش می فرماید: « مَا عَبَدْتُكَ طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ وَ لَا خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ » (3) خدایا من تو را به طمع بهشت اطاعت نمی کنم و از منهیات تو از ترس جهنم دوری نمی کنم بلکه می خواهم رضایت تو را بدست بیاورم به خدا عشق و محبت داشت و در تمام لحظات فقط خدا در نظرش بود و در هر حرکت و گفتارش رضایت خدا را می طلبید .

آیا بهشت آفریده شده است و وجود دارد ؟

بهشت آفریده شده و وجود دارد چراکه حق متعال می فرماید: « وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ » (4) بهشت از قبل آماده شده برای پرهیزگاران و بزرگی آن هم به

بزرگی آسمانها و زمین است، دانشمندان مجموعه ستارگانی را پیدا کرده اند که با مجموعه های بی شمارش سیزده میلیارد سال نوری با زمین فاصله دارد، نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر راه را طی می کند، هر دقیقه یکصد و هشتاد کیلومتر، سیزده میلیارد سال نور از آن ستاره تا زمین فاصله هست یعنی از آن ستاره نوری به طرف زمین تابش کند سیزده میلیارد سال با آن سرعتش طول می کشد تا به زمین برسد، دانشمندان ستاره ای را ره گیری کرده اند که هفده میلیارد سال نوری با زمین فاصله دارد، نوری که سیصد هزار کیلومتر در هر ثانیه پیمایش دارد ارقام ریاضی هفده میلیارد سال آن را تحمل نمی کنند و همه اینها در آسمان اول هستند، به سوی بهشتی که مساحتش به اندازه زمین و آسمان است سبقت بگیرید، الان ماه مبارک رمضان است و ساعاتی است که خداوند عالم رحمتش را به بندگانش سرازیر می کند و قدر این ایام را بدانیم.

وَ أَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنَّ أُطِيعَكَ وَ لَا أَعْصِيكَ يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ

ص: 220

در فقره دیگر دعای امروز از خداوند توفیق عبادت می طلبیم و مومن محتاج توفیق الهی است در روایت است: «لَا يَسَّ تَغْنَى الْمُؤْمِنُ عَنْ خَصَلَةٍ وَبِهِ الْحَاجَةُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ» (5) فرمود: مؤمن در هر حال نیازمند به سه خصلت است: توفیق از طرف خداوند متعال، واعظی از درون خود، قبول و پذیرش نصیحت کسی که او را نصیحت نماید.

پی نویس

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 57

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ فِيهِ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَالتَّوْفِيقَ أَنْ أُطِيعَكَ وَ لَا أَعْصِيكَ يَا عَالِمًا بِأَحْوَالِ السَّائِلِينَ

(2) رک: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج 12، ص 81 به نقل از امالی ابوجعفر محمد بن حبيب.

(3) عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ، ج 1، ص:

404

(4) آل عمران آیه 133

(5) المحاسن، ج 2، ص: 604

ص: 221

یکشنبه 25 تیر 1394 - 18:04

شناسه خبر: 6299183 - سرویس فرهنگی

- سرویس فرهنگی

نسخه قابل چاپ منبع: حوزه / لینک خبر

شرح دعای روز بیست و پنجم: محبت علی (علیه السلام)؛ شرط قبولی اعمال

[محبت علی (علیه السلام)؛ شرط قبولی اعمال] حوزه / باید متوجه باشیم که محبت امیر المؤمنین و اولاد علی، شرط قبولی اعمال است. یعنی اگر بخواهیم اعمال ما قبول بشود باید محبت علی و اولاد ایشان را در دل خود پیورانیم.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه»، شرح

ص: 222

دعاهای ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ مُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَتَابًا بِسُنَّةِ خَاتِمِ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ (1)

ای خدا مرا در این روز محب دوستان و عدو دشمنان قرار ده و در راه و روش به طریقه و سنت خاتم پیغمبران تبار ای عصمت بخش دلهای پیغمبران.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ

در این فراز از دعا می خوانیم: خدایا مرا محب اولیاء خودت قرار بده و این مسأله مهمی است و مطالب زیادی راجع این مطلب می توان بیان نمود اما در اینجا به بیان روایتی اکتفا می کنم که برای ما راهنما باشد.

محبت علی (علیه السلام) ؛ شرط قبولی اعمال

باید متوجه این معنا باشیم که محبت امیر المؤمنین

ص: 223

و اولاد علی، شرط قبولی اعمال است. یعنی اگر بخواهیم اعمال ما قبول بشود باید محبت علی و اولاد ایشان را در دل خود پیورانیم.

در روایت داریم: پیامبر خدا فرمود: خداوند پیامبران را از درختان گوناگونی آفرید و من و علی را از یک درخت آفرید و من ریشه آن و علی شاخه آن و حسن و حسین میوه های آن و پیروان ما برگ های آن هستند، پس هر کس شاخه ای از شاخه های آن را بگیرد نجات می یابد و هر کس بلغزد هلاک می شود. و اگر کسی هزار سال و پس از آن هزار سال و پس از آن هزار سال میان صفا و مروه عبادت کند تا جایی که مانند یک مشک خشک باشد ولی محبت ما را درک نکند، خداوند او را بر روی دماغش در آتش خواهد افکند، سپس تلاوت کرد: «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی». (2)

روایتی عجیب در فضیلت محبت امیرالمومنین (علیه السلام)

خدا را قسم می دهیم به احترام محمد و آل محمد ما

ص: 224

را از محبین امیر المؤمنین (علیه السلام) قرار بدهد، روایتی که قصد دارم خدمتتان عرض کنم در کتاب کشف جلد چهارم صفحه 220 نقل شده و همچنین در تفسیر فخر رازی جلد 25 صفحه 165 و در تفسیر قرطبی جلد هشتم صفحه 5843 نقل شده است؛ رسول خدا فرمود: «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً»، هر کس با محبت آل محمد از دنیا برود شهید از دنیا رفته است یعنی ثواب شهدا را به دست خواهد آورد و «من مات علی حب آل محمد مغفوراً له» آگاه باشید هر کس با محبت محمد و آل محمد از دنیا برود خداوند او را خواهد بخشید.

«مغفوراً له» بخشیده شده است، هر جمله این روایت یک دنیا معنا ندارد، «ألا و من مات علی حب آل محمد مات تائباً» آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد از دنیا برود از توبه پذیرفته شدگان است یعنی تائب از دنیا رفته است و خداوند توبه او را قبول کرده است (ألا من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الايمان) هر کس با محبت محمد و آل محمد بمیرد مؤمن از دنیا

ص: 225

رفته و با خودش ایمان کامل برده است «ألا و من مات علی حبّ آل محمّد بشره ملک الموت بالجنه ثم منکرا و نکیرا» هر کس با محبت محمد و آل محمد از دنیا برود ملک الموت به او مژده بهشت می دهد و پشت سر او نکیر و منکر مژده بهشت به او می دهند «ألا و من مات علی حبّ آل محمّد یزف الی الجنه کما تزف العروس الی بیت زوجها»، هر کس با محبت اینها از دنیا برود او را آنگونه به بهشت می برند که عروس را به خانه زفاف می برند یعنی با زیبایی و آرایش و خوشحالی، «و من مات علی حبّ آل محمّد فتح له فی قبره بابان من الجنه» هر کس با محبه اینها از دنیا برود در قبر او دو درب به بهشت باز می شود «ألا و من مات علی حبّ آل محمّد جعل الله قبره مزار ملائکه الرحمه» هر کس با محبت اینها از دنیا برود جعل الله قبره مزار ملائکه الرحمه خداوند قبر او را زیارتگاه ملائکه رحمتش قرار می دهد «ألا و من مات علی حبّ آل محمّد مات علی السنه و الجماعه؛» هر کس با محبت اینها بمیرد با سنت رسول خدا و جماعت رسول خدا از دنیا رفته است، حالا نقطه مقابلش، این

سه تفسیر از تفاسیر مشهور اهل سنت هستند و در ادامه حدیث می فرماید: «ألا و من مات علی بغض آل محمد جاء يوم القيامة مكتوب بين عينيه آيس من رحمه الله» کسانی که بغض علی و آل علی را در دل‌هایشان پرورانده اند روز قیامت می آید، در حالیکه او بین دو چشمش نوشته شده است او کسی است که مایوس از رحمت خداوند است، «ألا و من مات علی بغض آل محمد مات كافرا» آگاه باش هر کس با بغض آل محمد بمیرد کافر از دنیا رفته است، و ما صریحتر از این تعابیر چه می خواهیم «ألا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحة الجنة» هر کس با بغض آل محمد از دنیا برود بوی بهشت را هم نخواهد شنید. در روایات داریم که بوی بهشت از فاصله مسافت پانصد سال عمر به مشام انسان می رسد مگر چند گروه و یکی از ایشان کسانی اند که بغض علی را در سینه دارند اینها حتی بوی بهشت را هم نخواهند شنید چه برسد به دیدن آن؛ ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب نجدی، و تابعین اینها، القاعدة، داعشی و ... از مصادیق این روایت اند؛ این روایت در

کتابهای خود ایشان آمده است و به آن اعتنا نمی کنند.

نور خدا خاموش شدنی نیست

اما بدانید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (3) اراده می کنند و خیلی تصمیم می گیرند نور خدا را خاموش کنند اما خداوند عالم نور خودش را به پایان خواهند رساند، این لامپی را که بشر اختراع کرده است جلوی خود قرار بدهید در تمام طول عمرتان فوت کنید یک لامپ ساخته دست بشر را نمی توانید خاموش کنید ولی نور خدا را چه کسی می توان خاموش کند نوری که از حضرت آدم با شهادت پسرش هابیل شروع شد تا امروز و بعد از امروز هم خواهد رفت با اینکه سعی شد این نور خاموش بشود اما نتوانستند؛ روایات فراوانی در منابع خود اهل سنت در فضایل امیر المومنین و اهل بیت عصمت وجود دارد اما چگونه با وجود این روایات اعتنایی ندارند.

ص: 228

«ألا- و من مات علی بغض آل محمد مات كافراً» آگاه باش هر کس با بغض آل محمد از دنیا برود کافر از دنیا رفته است، این تصریح است، نور الهی خاموش نخواهد شد، یزید تمام افرادش را جمع کرد، خانواده رسول خدا را به صورت اسیر به شهرش آوردند خواست ظلمش را تا به انتها برساند و اینها را بکوبد و له کند، روز جمعه دستور داد تمام اهالی دمشق در مسجد جامع جمع شوند، همه اهالی دمشق هم به دنبال اخبار جدید بودند و حاضر شدند، یزید دستور داد امام سجاد را حاضر کردند و نظرش این بود که حضرت را در آن مجلس تحقیر مطلق کند و بکوبد، در ورود امام سجاد به مسجد اهل مسجد عصبانی شدند و گفتند چطور شده یزید اجازه داده یک خارجی به مسجد بیاید؟ وقتی دستور داد خطیبش به منبر برود و علی و آل علی را بکوبد و او هم رفت و هرچه از دهانش خارج شد را گفت، تا جایی که دیدند ولی الهی همانطور که شکم به روی زانویش خم شده بود و ناراحت و بیمار بود،

ایستاد و رو به خطیب کرد و فرمود: «وَيْلَكَ أَيُّهَا الْخَاطِبُ اشْتَرَيْتَ مَرْضَاهُ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ فَتَبَوَّأَ مَقْعَدَكَ مِنَ النَّارِ» (4) وای بر تو ای خطیب؛ رضایت مخلوق را با غضب خالق عوض کرده ای و رضایت یزید را در مقابل غضب خداوند خریده ای؟! آن شخص خطیب زبانش بند آمد و پایین آمد سپس حضرت رو به یزید کرد و فرمود: «يَا يَزِيدُ ائْذَنْ لِي حَتَّى أَصْعَدَ هَذِهِ الْأَعْوَادَ فَأَتَكَلَّمَ بِكَلِمَاتٍ لِلَّهِ فِيهِنَّ رِضًا وَ لِيَهُؤُلَاءِ الْجُلُوسَاءِ فِيهِنَّ أَجْرٌ وَ ثَوَابٌ» (5)

ای یزید به من هم اجازه می دهی بالای این تخته ها بروم و کلماتی بگویم که رضایت خالق و نجات مخلوق در آن است؟ یزید نپذیرفت، اطرافیان برخی بعنوان دلسوزی و برخی بعنوان کنجکاوی گفتند چرا اجازه نمی دهی؟ گفت اگر او بالای منبر برود تا آل ابی سفیان را رسوا نکند پایین نمی آید دیدند یزید از یک اسیر می ترسد و اصرار کردند، بالاخره یزید اجازه داد تصور می کردند حضرت شخص مریضی است که قدرت ندارد، وقتی حضرت بالای منبر قرار گرفت مردم

عصبانی تر شدند چرا که می دیدند شخص خارجی به مسجد آمده و به منبر هم می رود، همه با نهایت دقت توجه می کردند که این اسیر چه می خواهد بگوید و برخی گمان می کردند که قصد عذرخواهی دارد، اما امام بعد از اینکه حضرت حمد خداوند را خواند فرمود خداوند عالم شش چیز به ما عطا کرده و با هفت چیز ما را افضل و اشرف از شما قرار داده است (6) همه یکباره تکان خوردند که یک اسیر چنین ادعایی دارد، خطبه حضرت را شنیده اید خطبه به جایی رسید که یزید نتوانست تحمل کند و بلند شد از مسجد به داخل قصرش رفت و نتوانست عصبانیت مردم را تحمل کند اگر زمان بود آن خطبه را برایتان می خواندم تا متوجه بشوید حجت الهی و نور الهی که می خواستند در آن مسجد خاموشش کنند، خداوند عالم چگونه آن نور را پرتو افکن کرد که یزید را کوبید، والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

پی نوشت ها:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 61

(2) ترجمه شواهد التنزیل، ص: 292

(3) توبه 32

(4) مثير الأحزان، ص: 102

(5) بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 45، ص: 137

(6) بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج 45، ص: 138، أَيُّهَا النَّاسُ أُعْطِينَا سِتًّا وَفُضِّلْنَا بِسَبْعٍ أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالسَّمَاحَةَ وَالْفَصَاحَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَفُضِّلْنَا بِأَنَّ مِنَّا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا وَمِنَّا الصِّدِّيقَ وَمِنَّا الطَّيَّارَ وَمِنَّا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ وَمِنَّا سِبْطًا هَدَاهُ اللَّهُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي أَبْتَأْتُهُ بِحَسَبِي وَنَسَبِي أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي أَنَا ابْنُ رَمَزَمَ وَالصَّفَا أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ الرُّكْنَ بِأَطْرَافِ الرِّدَا أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنِ اتَّزَرَ وَازْتَدَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنِ اتَّعَلَّ وَاحْتَقَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنْ طَافَ وَسَعَى أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنْ حَجَّ وَلَبَّى أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ عَلَى الْبِرَاقِ فِي الْهُوَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ أُسْرِيَ بِهِ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى أَنَا ابْنُ مَنْ بَلَغَ بِهِ جِبْرَيْلُ إِلَى سِدْرِهِ الْمُتَهَيَّ أَنَا ابْنُ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى أَنَا ابْنُ مَنْ صَلَّى بِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ أَنَا ابْنُ مَنْ أَوْحَى إِلَيْهِ الْجَلِيلُ مَا أَوْحَى أَنَا ابْنُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى أَنَا ابْنُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى....

ص: 231

امروز : دوشنبه 22 تیر 1394

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

هرعمل خیری مورد تشکر خداوند است

تاریخ : دوشنبه 22 تیر 1394

شرح دعای روز بیست و ششم: هرعمل خیری مورد تشکر خداوند است

هر عمل خیری که انجام بدهیم کوشش هایی است که مورد تشکر خداوند عالم است و خداوند بواسطه

ص:232

این اعمال صالح به عاملین آن در دنیا و آخرت آبرو می دهد.

سرویس علمی فرهنگی شرح دعا های ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَ ذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَ عَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ.

ای خدا در این روز سعیم را (در راه طاعتت) بپذیر و گناهانم را در این روز ببخش و عملم را مقبول و عیبم را مستور گردان ای بهترین شنوای دعای خلق.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا

مشابه این تعبیر در قرآن کریم در سوره اسراء و هود وجود دارد در سوره اسراء بعد از آنکه می فرماید: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، آنانند که تلاش آنها مورد حق شناسی واقع خواهد شد.

و در سوره دهر می فرماید: «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا»

ص: 233

در این دو آیه مبارکه عده ای از اعمال خیر را خداوند عالم مورد تشکر قرار داده است و ما هم امروز از خداوند متعال می خواهیم که اعمال ما را از اعمالی قرار بدهد که مورد تشکر و مورد قدردانی خودش خواهد بود. اعمالی که مورد تشکر خداست فراوان هستند و ما هر عمل خیری که انجام بدهیم کوشش هایی است که مورد تشکر خداوند عالم است از جمله آنها نماز؛ روزه یا کار خیری که انجام می دهیم همه اعمال خیر مورد شکر پروردگار عالم است و خداوند بواسطه این اعمال صالح به عاملین آن در دنیا و آخرت آبرو می دهد و نمونه های این اشخاص در تاریخ از آدم تا به امروز فراوان یافت می شود.

میثم تمار نمونه ای از صالحین:

امیر المؤمنین با اصحاب در نخلستان نشسته بودند و یکی از آنها میثم تمار رضوان الله تعالی علیه بود و به نخلی تکیه داده بود و حضرت فرمود ای میثم حال تو

ص: 234

چگونه خواهد بود آن زمانی که تو را در آن نخلی که به آن تکیه کرده ای به دار بکشند، میثم تمار بدون اظهار ناراحتی گفت یا امیر المؤمنین آیا با محبت تو می روم؟ فرمود بله عرض کرد: پس من دیگر ناراحتی ای ندارم، فرمود به شما تکلیف می کنند که از من اظهار بیزاری کنی و انجام نمی دهی تا تو را به دار می کشند در نزدیک خانه عَمْرَوِ بْنِ حُرَیْثٍ که رئیس شهر بانی کوفه بود هر وقت میثم تمار او را می دید می گفت: یا بن حریث هر گاه که با تو همسایه شدم با من همسایه خوبی باش، هر روز میثم به آن نخل آب می داد و آن نخل را نوازش می کرد و می گفت: تو را خداوند عالم برای من آفریده و زمانی که من با تو همسایه شدم با من مراعات کن و هر روز در پای نخل دو رکعت نماز می خواند روزی دید که نخل را بریده اند با خودش گفت دیگر وقتش رسیده است، در آن زمان عبید الله بن زیاد به مکه رفته بود زمانی که بازگشت به میثم تمار گفت با ابوتراب در چه حالی هستی؟ جریانش مفصل است که در آخر تکلیف کرد که باید از او دست برداری و میثم گفت: من هیچگاه از علی

دست بر نمی دارم و چون امیر المؤمنین به میثم فرموده بود تو را به آن نخل به دار می زنند و به دهانت لجام می زنند و در آخر روز از طرف دنده چپت با نیزه می زنند و شهید می شوی و همه این کارها انجام گرفت و چون جنازه سه روز بالای دار مانده بود عَمْرَو بْنَ حُرَیْثَ به کنیزش می گفت: زیر جنازه را تمیز کن چرا که این مرد از من می خواست هر گاه همسایه او شدم با او محترمانه زندگی کنم و من نمی دانستم مسأله چیست.

حکایتی خواندنی

ما مؤظف هستیم اعمالی انجام بدهیم که مورد شکر خداوند عالم باشد. در مسجد باب الحوائج حضرت ابوالفضل سرعین اردبیل، در حال ساخت آن بودم و هر هفته روز پنجشنبه ساعت چهار بعد از ظهر دستمزد کارگران را می دادیم، در یک هفته صندوق مسجد را باز کردم که ببینم چه داریم، باید برای دستمزد کارگران ششصد و هفتاد هزار تومان پرداخت می کردم، اما فقط ده هزار تومان داخل صندوق بود ناراحت شدم خودم

ص: 236

که پول نداشتم در صندوق هم پولی نبود و این کارگران که یک هفته کار کرده اند و می خواهند برای خانواده وسایل زندگی تهیه کنند چه جوابی به ایشان بدهم، خادم مسجد را صدا زدم و گفتم این کلید را بگیر و آن صندوقی که بالای پله ها هست را نگاه کن، رفت و باز کرد و یک مقدار پول همراه مقداری کاغذ آورد و گفت بگیر. من پولها را شمردم و دیدم شصت هزار تومان است و در بین آنها دوازده عدد چک پول پنجاه هزار تومانی نیز بود و با ده هزار تومان صندوق اصلی مسجد سرجمع شد ششصد و هفتاد هزار تومان و پول کامل شد، هفته آینده همان مسأله رخ داد و من پانصد و هفتاد هزار تومان پول می خواستم و این جریان تکرار شد.

در دو هفته متوالی خداوند اجازه نداد من شرمنده بشوم چرا؟ چون غیر از رضای خدا هدف دیگری نداشتم و هیچ امیدی و انتظاری از اهل محل نداشتم؛ همچنین در مسجد امام زمان که در سال 43 ساختم مسائلی از این قبیل زیاد تکرار شد.

خودش فرموده هر کس یک قدم به سمت من بردارد

ص: 237

من حد اقل ده قدم به پیشواز او می روم خدایا سعی من را در این ماه مبارک رمضان مورد شکر قرار بده.

وَدُنِّي فِيهِ مَغْفُورًا

وگناهان من را در این ماه مبارک رمضان مورد بخشش قرار بده خدایا به احترام محمد و آل محمد اعمال ما را مورد قبول خودت قرار بده،
و این روزه ماه مبارک رمضان را هم از ما بپذیر. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

برچسب ها: صالحین،

(مشروح جریان های فوق را در کتاب خاطراتم نوشته ام که اینجا خلاصه ای از آن آمده است).

ص: 238

شرح دعای روز بیست و هفتم: توبه چگونه باعث شادی مومن می شود

یکی از وسایل عفو و بخش خدای مهربان و و راه خلاصی از وزر گناهان، توبه و بازگشت بندگان به سوی اوست، و این برگشتن در پیشگاه خدای عز و جلّ، از اهمیت بالایی برخوردار است .

شرح دعا های ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصَيِّرْ أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ وَأَقْبِلْ مَعَاذِيرِي وَحُطِّ عَنِّي الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ يَا رَعُوفاً بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ
(1)

ای خدا در این روز فضیلت ليله القدر را نصیب من گردان و تمام امور و کارهای مشکل مرا آسان گردان و

عذرهایم بپذیر و وزر و گناهم را محو و نابود ساز ای رثوف و مهربان در حق صالحان.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ

در این دعا هم مانند ادعیه روزهای گذشته خواسته های مهمی را از خدا درخواست می کنیم که یکی نائل شدن به فضائل شب قدر است که عبادت آن شب افضل از عبادت هزار ماه است و از خدا می خواهیم آن فضیلت را به ما عنایت بفرماید در اینکه شب قدر کدام شب از شبهای ماه رمضان است؟ گفتگو بسیار است، و در این زمینه تفسیرهای زیادی شده، از جمله شب اول، شب هفدهم، شب نوزدهم، شب بیست و یکم، شب بیست و سوم، شب بیست و هفتم، و شب بیست و نهم. ولی مشهور و معروف در روایات این است که در دهه آخر ماه رمضان و شب بیست و یکم یا بیست و سوم است (2) لذا در روایتی می خوانیم که در دهه آخر ماه مبارک پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)

ص: 240

تمام شبها را احیا می داشت و مشغول عبادت بود.

وَ صَيَّرَ أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ

خدایا امورات مرا از سختی به آسانی مبدل کن؛ در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: من قرأ سورة المزمّل رفع عنه العسر فی الدنيا و الآخرة: هر کس سوره مزمّل را بخواند سختی ها در دنیا و آخرت از او برداشته می شود. (3)

وَ أَقْبَلَ مَعَاذِيرِي وَ حُطَّ عَنِّي الذَّنْبُ وَ الْوِزْرُ

در ادامه از حق متعال می خواهیم که عذرهایم را بپذیر و وزر و گناهام را محو و نابود ساز؛ («وزر») به معنی بار سنگین است، و به معنی مسئولیت نیز می آید و اگر به وزیر، وزیر گفته می شود به خاطر آن است که بار سنگینی از ناحیه امیر یا مردم بر دوش او گذارده شده است.

توبه و محو آثار گناه

یکی از وسایل عفو و بخش خدای مهربان و راه خلاصی از وزر گناهان، توبه و بازگشت بندگان به سوی اوست، و این برگشتن در پیشگاه خدای عز و جلّ، به اندازه ای اهمیت دارد که در روایات از زبان بزرگان دین آن را به مردی تشبیه نموده اند که تمام مواد خوراکی و آشامیدنی و مرکب خود را در بیابان بی آب و علف و سوزان، گم نماید و با ناامیدی آماده مرگ و جان دادن شود و دیگر هیچ امیدی به زنده ماندن نداشته باشد، در این موقعیت خطرناک، کسی به او مژده دهد که زاد و راحله ات را پیدا کرده و آورده ام، او چقدر خوشحال می شود؛ چنین است خداوند که اگر بنده گناهکار و فراری از درگاهش، توبه کرده و به سوی خدا برگردد، خیلی خوشحال می شود، در این مورد به تک تک آیات و اخبار آتی، دقت نمائید و ببینید خداوند چه قدر مشتاق است بنده گناهکارش بازگشت کند و به آغوش رحمت او برگردد و او چه وعده هائی، به این گونه اشخاص داده است.

1- إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (4) مگر آنها که توبه و

بازگشت کردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نیک،) اصلاح نمودند، و آنچه را کتمان کرده بودند؛ آشکار ساختند؛) من توبه آنها را می پذیرم؛ که من تَوَّابٌ و رحیمم.

2- (وَ الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَ آمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ). (5) و آنها که گناه کردند، و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، (امید عفو او را دارند؛ زیرا) پروردگار تو، در پی این کار، آمرزنده و مهربان است.

أمیر المؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: لا شفیع أنجح من التوبه» (6) شفاعت کننده ای بهتر از توبه نیست.

(1) بحار الأنوار ج : 95 ص : 64

(2) در هدیه الزائر ذکر شده از که شب بیست و سوم از دو شب قدر سابق افضل است و از احادیث بسیار مستفاد می شود که شب قدر همین و در چند روایت است که: از معصوم سؤال کردند که معین فرمائید که شب قدر کدام یک از این دو شب است

ص: 242

منظور بیست و یکم و بیست و سوم است- تعیین نکردند و فرمودند ما ایسر لیلتین فیما تطلب یا آنکه فرمودند ما علیک أن تفعل خیرا فی لیلتین و نحو ذلك) که به متن حدیث تبرکا و تیمنا اشاره می شود: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ جُعِلَتْ فِدَاكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مَا يُرْجَى فَقَالَ فِي إِحْدَى وَ عَشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ قَالَ فَإِنْ لَمْ أَقْوِ عَلَى كِلْتَيْهِمَا فَقَالَ مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطْلُبُ الْخ... كافي ج : 4 ص : 156

(3) تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 13، ص: 495

(4) بقره: 160

(5) اعراف 153

(6) بحار الأنوار: ج 6 ص 20 ح 6؛ امالی صدوق ص 93 و 193/2759

ص: 243

به خبرگزاری حوزه خوش آمدید اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحَجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

پنج شنبه 25 تیر 1394 الخمیس 29 رمضان 2015,61 July Thursday

کد خبر: 354696 / تاریخ مخابره: 1394/4/25 - ?? : ?? / سرویس: علمی، فرهنگی

شرح دعای روز بیست و هشتم: اعمالی که مورد تاکید امام زمان (عج) است

حوزه / نوافل از عباداتی است که مستحب است ولی انجام آن بسیار مورد مدح و تاکید است، مخصوصاً

در نظر ائمه ما و مخصوصاً در نظر مطهر و مبارک امام زمان (علیه السلام) بسیار مورد توجه است .

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه» شرح دعا های ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

اللَّهُمَّ وَفَّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ التَّوَائِلِ وَأَكْرِمْنِي فِيهِ بِإِحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْإِحْطَارُ الْمَلِحِّينَ

ای خدا در این روز به اعمال نافله و مستحبات مرا بهره وافر عطا فرما و به حاضر و آماده ساختن مسائل در حقم کرم فرما و وسیله مرا بین وسایل و اسباب بسوی حضرتت نزدیک ساز ای خدایی که سماجت و الحاح بندگان تو را باز نخواهد داشت.

اللَّهُمَّ وَفَّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ التَّوَائِلِ

در قسمت اول می گوئیم خدایا نصیب من را از نافله ها بیشتر کن، می دانیم که نوافل از عباداتی است که مستحب است ولی انجام آن بسیار مورد مدح و تاکید است، مخصوصاً در نظر ائمه ما و مخصوصاً در نظر

مطهر و مبارک امام زمان(علیه السلام) بسیار مورد توجه است .

تاکید امام زمان علیه السلام بر نافله

مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان حکایت شخصی را نقل می کند در میان برف و کولاک ترکیه که به حضرت حجت بن الحسن علیه السلام توسل کرد و به محضر امام رسید و حضرت به آن شخص فرمود علیک بالجامعه، زیارت جامعه را بخوان، او کسی بود که نمی فهمید زیارت جامعه چیست ولی یک وقت دید حضور ذهن دارد و آن را خواند در ادامه حضرت به او فرمود عاشورا می خوانی؟ گفت نه، حضرت فرمود عاشورا عاشورا عاشورا، دید به ذهنش آمده و توانست بخواند، دوباره حضرت برگشت و فرمود هنوز نرفته ای؟ گفت خیر، حضرت فرمود نافله نافله نافله، او نافله ها را خواند و حضرت دستش را گرفت.

ص:246

عباداتی که شیخ انصاری از سن بلوغ تا آخر عمر به آن ها مواظبت داشت - گذشته از فرائض و نوافل شبانه روز و ادعیه و تعقیبات - عبارت بوده است از قرائت یک جزء قرآن و نماز جعفر طیار و زیارت جامعه و عاشورا در هر روز.

حضرت آیت الله بهجت در این رابطه می فرماید: مرحوم شیخ انصاری با این که یک چشم داشت و شب نمی توانست مطالعه کند، در روز این همه درس، تألیف و عبادت داشت، هر روز زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام، در بالاسر مرقد حضرت امیر علیه السلام نیم ساعت ایستاده می خوانده، و نماز جعفر، و یک جزء قرآن را همراه با توفیق معنوی انجام می داده است.

یادی از مرحوم شیخ محمد حسین غروی اصفهانی

مرحوم حضرت آیت الله بهجت که از شاگردان

مرحوم آیت الله غروی اصفهانی بودند درباره استاد خود می فرمود: مرحوم آقا شیخ محمد حسین، طوری بود که اگر کسی به فعالیت های علمی اش توجه می کرد، تصوّر می کرد در شبانه روز هیچ کاری غیر از مطالعه و تحقیق ندارد، و اگر کسی از برنامه های عبادی ایشان اطلاع پیدا می کرد، فکر می کرد غیر از عبادت به کاری نمی پردازد. در کنار این فعالیت های علمی، آن قدر مقید به برنامه های عبادتی بودند که هر کس این ها را می دید، فکر می کرد که اصلاً به هیچ چیز غیر از عبادت نمی رسد. هر روز زیارت عاشورا و هر روز نماز جعفر طیار از برنامه های عادی ایشان بود. روزهای پنج شنبه - طبق سنتی که علمای نجف دارند و معمولاً روز پنج شنبه یا جمعه یک روزه هفتگی دارند - ضمن توسل به اهل بیت علیهم السلام که زمینه ای بود برای دیدار دوستان و استادان و شاگردان با همدیگر، مرحوم آقا شیخ محمد حسین در این روزه شان مقید بود که خود پای سماور بنشیند، و خود او همه کفش ها را جفت کند، و در عین حال، زبانش مرتّب در حال حرکت بود؛

خیلی تند تند یک چیزی را می خواندند. ما متوجه نمی شدیم که این چه ذکری است که ایشان این قدر در نشستن و برخاستن به گفتن آن مقید است.

وَقَرَّبَ فِيهِ وَسِيَلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ

خدایا در بین وسائل آن وسیله ای که من را زودتر به تو می رساند به من نزدیک کن ؛ و در بین این وسائل بهترین وسیله اهل بیت هستند. لذا یکی از امور بسیار مهم که باید عنایت ویژه ای به آن داشته باشیم، توسل است.

توسل خیلی اثر دارد. گدایی کردن از در خانه خدا و ائمه اطهار علیهم السلام تجارتی است که سرمایه نمی خواهد. یکی از توسلاتی که بزرگان به آن سفارش می کردند، نماز جعفر طیار است که گره های بسیار مهم را با آن می توان باز کرد. البته شرایطی دارد که رعایت آن ها، اثر گذاری اش را بیشتر می کند. بهترین وجهش این است که روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه را انسان روزه بگیرد و در عصر جمعه نماز جعفر طیار را بخواند و بعد هم مبلغی را هر چند اندک باشد، برای سلامتی

ص: 249

حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف صدقه بدهد و حاجتش را از خدا تقاضا کند که فرموده اند: ممکن نیست حاجت او رد شود. اغلب افراد در ماه مبارک رمضان موفق به خواندن نماز جعفر طیار می شوند؛ چون در این سه روز، روزه دارند و عموماً شرطش در ماه مبارک رمضان موجود است.

پی نوشت ها:

(1) بحار الأنوار ج: 95 ص: 66

اللَّهُمَّ وَفَّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ وَأَكْرِمْنِي فِيهِ بِأَحْسَنِ الْأَحْلَامِ فِي الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْإِحْاحُ الْمُلْحِحِّينَ

(2) مرحوم محدث قمی در کتاب مفاتیح الجنان این حکایت را اینگونه بازگو می کند: حاج سید احمد رشتی می فرماید: « در سال 1280، به قصد حج بیت الله الحرام از رشت به تبریز آمدم و در خانه حاج صفرعلی تاجر تبریزی منزل کردم؛ اما چون قافله ای

ص: 250

نبرد، متحیر ماندم تا آن که حاج جبار جلودار سدهی اصفهانی برای طرابوزن (از شهرهای ترکیه) بار برداشت.

من هم به تنهایی از او حیوانی کرایه کرده و رفتم. وقتی به منزل اول رسیدیم، سه نفر دیگر به تشویق حاج صفرعلی به من ملحق شدند: یکی حاج ملا باقر تبریزی، دیگری حاج سید حسین تاجر تبریزی و سومی حاجی علی نام داشت که خدمت می کرد که به اتفاق روانه شدیم. به ارزنه الروم (شهری تجاری و صنعتی در شرق ترکیه) رسیدیم و از آن جا عازم طرابوزن شدیم.

در یکی از منازل بین این دو شهر، حاج جبار جلودار آمد و گفت:

منزلی که فردا در پیش داریم مخوف است امشب زودتر حرکت کنید که به همراه قافله باشید. این مطلب را به خاطر آن می گفت که ما در سایر منازل، غالباً با فاصله ای پشت سر قافله راه می رفتیم. لذا حدود سه ساعت پیش از اذان صبح، حرکت کردیم. حدود نیم فرسخ از منزل خود دور شده بودیم که ناگهان هوا دگرگون شد و برف باریدن گرفت به طوری که هر

کدام از رفقا، سر خود را پوشاندند و به سرعت رفتند؛ اما من هر قدر تلاش کردم نتوانستم به آنها برسم و در آن جا تنها ماندم.

از اسب پیاده شدم و در کنار راه نشستم. خیلی مضطرب بودم؛ چون حدود ششصد تومان برای مخارج سفر همراه داشتم و ممکن بود راهزن یا دزدی پیدا شود و مرا به خاطر آنها از بین ببرد. بعد از تأمل و تفکر، با خود گفتم: تا صبح همین جا می مانم بعد به منزل قبلی برگشته، چند محافظ همراه خود می آورم و به قافله ملحق می شوم.

در همان حال ناگاه باغی مقابل خود دیدم و در آن باغ باغبانی که در دست بیلی داشت، مشاهده می شد. او بر درختها می زد که برف آنها بریزد. پیش آمد و نزدیک من ایستاد و فرمود: تو کیستی؟

عرض کردم: رفقایم رفته و من مانده و راه را گم کرده ام.

فرمود: نافلة شب بخوان تا راه را پیدا کنی.

مشغول نافلة شب شدم. بعد از تهجد (نماز شب)،

دوباره آمد و فرمود: نرفتی؟

گفتم: والله، راه را بلد نیستم.

فرمود: جامعه (زیارت جامعه کبیره ج مفاتیح الجنان) بخوان تا راه را پیدا کنی.

من جامعه را از حفظ نداشتم و الان هم از حفظ نیستم با آن مکرر به زیارت عتبات مشرف شده ام. از جای برخاستم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم.

باز آن شخص آمد و فرمود: نرفتی؟ بی اختیار گریه ام گرفت و گفتم:

همین جا هستم چون راه را بلد نیستم. فرمود عاشورا بخوان. من زیارت عاشورا را از حفظ نداشتم و الان هم حفظ نیستم در عین حال برخاستم و مشغول زیارت عاشورا از حفظ شدم، و تمام لعن و سلام ها و دعای علقمه را خواندم.

دیدم باز آمد و فرمود: نرفتی؟

گفتم: نه، تا صبح همین جا هستم. فرمود: الان تو را به قافله می رسانم.

ایشان رفت و بر الاغی سوار شد و بیل خود را به دوش گرفت و آمد.

فرمود: پشت سر من بر الاغم سوار شو.

سوار شدم و اسب خود را کشیدم اما حیوان حرکت نکرد.

فرمود: دهنه اسب را به من بده.

ایشان بیل را به دوش چپ گذاشت و عنان اسب را با دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب کاملاً آرام می آمد و ایشان را اطاعت می نمود بعد آن بزرگوار دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود:

شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

در زمان طی مسافت، مسیری دایره ای را پیمودیم ناگاه برگشت و فرمود: اینها رفقای شما هستند.

دیدم رفقا کنار نهر آبی پیاده شده، مشغول وضو برای نماز صبح بودند.

از الاغ پیاده شدم تا سوار اسب خود شوم، نتوانستم. آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد و مرا سوار

ص: 254

نمود و سراسب را به سمت رفقا برگرداند. من در آن حال به فکر افتادم این شخص که بود که به زبان فارسی صحبت می کرد در حالی که این طرفها زبانی جز ترکی و مذهبی جز مذهب عیسوی وجود ندارد! تازه چطور به این سرعت مرا به رفقای خود رسانید.

به خاطر همین فکرها پشت سرم را نگاه کردم؛ اما کسی را ندیدم و از ایشان اثری نیافتم. و بعد از این جریان به رفقای خود ملحق شدم. «

(3) سیمای فرزندگان، رضا مختاری ج 16، بوستان کتاب، قم، 1386، ص 139.

(4) در محضر آیت الله بهجت، محمد حسین رخشاد، نشر سما، ج 3، قم، 1382، ج 1، ص 49.

(5) برگی از دفتر آفتاب، رضا باقی زاده، نشر مشهور، ج دهم، قم، 1382، ص 204.

ص: 255

پنجشنبه 26 تیر 1394 - 4:31

شناسه خبر: 6419551 - سرویس فرهنگی

نسخه قابل چاپ منبع: حوزه / لینک خبر

شرح دعای روز بیست و نهم: عصمت از گناهان؛ مقامی دست یافتنی

[عصمت از گناهان؛ مقامی دست یافتنی] حوزه / عصمت یعنی اینکه انسان خودش را از گناهان نگه دارد و توفیق یعنی رسیدن به موفقیت هایی که خداوند عالم معین کرده است.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه» شرح دعا های ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

اللَّهُمَّ عَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَ

ص: 256

الْعِصْمَةَ وَطَهَّرَ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا رَحِيماً بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

ای خدا در این روز مرا به رحمت خود درپوشان و هم توفیق و حفظ از گناهان روزی فرما و دلم را از تاریکیهای شکوک و اوهام باطل پاک دار ای خدای مهربان بر اهل ایمان.

اللَّهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ

اینکه می گوئیم خدایا من را در این ماه مبارک رمضان یا در این روز به رحمت خودت بیچنان، معلوم است خداوند رحمتش وسیع است در سوره مبارکه اعراف آیه 156 می فرماید: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»، رحمت خداوند عالم تمام اشیاء را فرا گرفته است.

حق متعال در سوره انعام آیه 12 رحمت را بر خودش واجب کرده است «كَتَبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» یعنی اصلاً وجودش رحمت است و در سوره حجر آیه 49 می فرماید: «نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» به بندگان من اطلاع بده که خدای من بخشنده و مهربان است، اینها رحمت خداوند است که در آیات قرآن ذکر

ص: 257

شده است و ما در این روز می گوئیم: خدایا من را به رحمت خودت بیچان که البته پیچانده است و بستگی به این دارد که ما این رحمت را از خودمان دور کنیم یا بیشتر کنیم.

وَ اَرْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَ الْعِصْمَةَ وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ

در ادامه می خوانیم: خدایا در این روز روزی فرما مرا به توفیق و عصمت از گناهان.

عصمت یعنی اینکه انسان خودش را از گناهان ننگه دارد و توفیق یعنی رسیدن به موفقیت هایی که که خداوند عالم معین کرده است ، و قلب من را از تاریکیهای تهمت ها پاک بگردان.

عصمت از گناهان مقامی دست یافتنی

بزرگوارانی بودند و هستند که توفیق عصمت از گناه و معاصی دست یافتند و به مقامات بالایی رسیدند مانند رشید هجری که صاحب علم منایا و بلایا و شاگرد

ص: 258

عشقباز علی علیه السلام از اصحاب خاص علی بن ابیطالب (علیه السلام) و محرم اسرار و یار شجاع و باوفای آنحضرت بود و میثم تمار و مسلم بن عوسجه و... حجر بن عدی که همه با توفیق عصمت از دنیا رفتند و با آنکه آن همه به آنها فشار آوردند و شکنجه کردند ایمانشان بیشتر شد.

نگاهی به فضائل جناب حجر بن عدی

قلم در برابر عظمت و وفای حجر، عاجز و نا توان است. او کسی نبود که بزرگیها و فداکاریهای او را بتوان به آسانی ترسیم کرد، مرد وفا بود، شب زنده دار و روزه دار بود او یکی از مسلمانان راستین بود. از دوران جوانی، دلاوری و شجاعت با سرشت او در هم آمیخته شده و خون حماسه و پیکار در رگهای او جاری بود.

او در نوجوانی همراه برادرش «هانی بن عدی» به حضور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و به آئین اسلام گروید. او از دوران حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله)

چیزی درک نکرد و پس از زمان اندکی که از مسلمانی او می گذشت پیامبر از دنیا رفت و در جنگهای زمان آن حضرت نیز اسم او به چشم نمی خورد، ولی در فتح شام یکی از سربازان فاتح بود و هم او بود که «مرج عذرا» را فتح کرد و نیز در جنگ قادسیه شرکت داشت. در جریان فتح مدائن او بود که به رود دجله زد و عبور کرد.

او در عین رزم جوئی، مرد تقوی و نیایش و معنویت بود و به همین سبب او را حجر الخیر می نامیدند، او نسبت به مادرش همواره نیکی می کرد و نماز و روزه فراوان انجام می داد. او هرگز بی وضو نمی ماند و هر وقت وضو می گرفت، نماز می خواند. دعای او در پیشگاه، پروردگار به هدف اجابت می رسید.

خبر غیبی امیر المومنین از شهادت جناب حجر

امیر المومنین در مجلسی خطاب به حجر فرمودند: چگونه خواهی بود هنگامی که تو را به تبری از

من فرا خوانند و چه خواهی گفت در آن حال که از تو بخواهند پیوند دوستی ات را از من بگسلی؟

حجر پاسخ داد: به خدا سوگند، اگر با شمشیر بدنم را پاره پاره کنند و اگر خرمنی از آتش بیفروزند تا مرا در آن بیندازند، تمام اینها را قبول می کند ولی تبری از تو را، نه! حضرت علی (علیه السلام) شهادت حجر و یارانش را پیشگوئی کرد و فرمود: اهل کوفه! هفت نفر از بهترین مردان شما در عذراء کشته خواهند شد و وضع آنان مانند اصحاب اخدود خواهد بود.

لذا در سایه بندگی انسان می تواند به توفیق عصمت دست یافته و این بزرگان بودند که زحمت کشیدند و مصیبت دیدند تا معارف شیعه را به ما تحویل بدهند.

يَا رَحِيمًا بَعْبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

در ادامه می خوانیم: ای خدایی که به بندگان مؤمنش مهربان است این دعاها را بپذیر؛ کسی که میانه اش با خدا خوب باشد در دنیا و آخرت مورد توجه و نظر پروردگار عالم است و اگر با زحمت از دنیا برود به نفع اوست چون قرآن کریم صراحتاً در سوره بقره آیه 216

ص: 261

می فرماید: «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» ای بسا چیزهایی که مکروه می دارید در حالی که به نفع شماست و ای بسا چیزهایی را دوست می دارید که به ضرر شماست.

لذا اگر دعا می کنیم و برخی چیزها برآورده نمی شود حکمت آن در ذیل این آیه مبارکه قرار گرفته است و ما نمی دانیم خیر و شر ما چیست و با خداوند معامله ای انجام داده ایم که باید پای آن معامله بایستیم

حق متعال در سوره توبه آیه 111 می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ**

خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته

می شونند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ!

طبق این آیه مبارکه خدای متعال نیز با مؤمنان خرید و فروشی انجام داده که هرکس پای بند این معامله باشد برنده دنیا و آخرت است.

در این بیع و شرا بایع مؤمنان هستند و مشتری خدای متعال و مبیع (جنس فروخته شده) جان و مال مؤمن است و بها و قیمت آن بهشت است و برای اعتبار این معامله در سه کتاب مهم آسمانی (تورات و انجیل و قرآن) از سوی مشتری (یعنی خدا)، مدرک و سند ذکر گردیده است که هیچ گونه خدشه و تب و لرزی وجود ندارد. در این مورد در سوره مبارکه احزاب آیه 23 می فرماید:

« مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا »

ص: 263

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدهی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.

لطف و رحمت خداوند شامل همه باشد تا این معامله و عهد و پیمان را به حقیقت برسانند آمین.

ص: 264

- سرویس اجتماعی

نسخه قابل چاپ منبع: حوزه / لینک خبر

شرح دعای روز سی ام: خداوند رضایت خود را در طاعت مخفی نموده است

[خداوند رضایت خود را در طاعت مخفی نموده است] حوزه / از آنجایی که امروز روز آخر ماه مبارک رمضان است و عید فطر را پیش رو داریم مناسب است اشاره ای به فضائل شب عید فطر و اعمال آن داشته باشیم.

سرویس علمی فرهنگی خبرگزاری «حوزه» شرح دعا های ماه مبارک رمضان را به قلم حجت الاسلام

ص: 265

والمسلمین محمد امینی گلستانی منتشر می کند .

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (1)

ای خدا در این روز روزه مرا با جزای خیر و مقبول حضرتت قرار ده که پسند حضرتت و پسند رسولت گردد و فروع آن را بواسطه اصول آن محکم گردان، به حق سید ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و آل اطهارش و ستایش خدای را که پروردگار عالمیان است.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ

در فراز اول دعای امروز می خوانیم: ای خدا در این روز روزه مرا با جزای خیر و مقبول حضرتت قرار ده، باید متوجه این معنا بود که روزه گرفتن تنها تحمل گرسنگی و تشنگی نیست و برخی اعمال روزه ما را باطل خواهند کرد و ما امیدواریم خداوند این اعمال کوچک ما را مورد قبول قرار دهد.

ص: 266

فضیلت و اعمال شب عید فطر

از آنجایی که امروز روز آخر ماه مبارک رمضان است و عید فطر را پیش رو داریم مناسب است اشاره ای به فضائل شب عید فطر و اعمال آن داشته باشیم.

شب عید فطر از شب هایی است که احیاء آن مورد سفارش ائمه و بزرگان دینی ما بوده است و اعمال مفصلی در مورد آن از ائمه (علیه السلام) و رسول (صلی الله علیه و آله) به ما رسیده است و این شب را با نماز عید فردا فراموش نکنیم شب عید فطر از شب های مهم اعیاد اسلامی است.

خداوند چهار چیز را در چهار چیز، مخفی کرده است

در یکی از روایات تربیتی از حسن بن راشد، از ابی بصیر، از محمد بن مسلم، از ابی جعفر، از پدرانش از علی (علیهم السلام) آمده است که آن حضرت فرمود: «إن الله أخفی أربعه فی أربعه: أخفی رضاه فی طاعته فلا تستصغرن شیئا من طاعته، فرما وافق رضاه وأنت لا

ص: 267

تعلم، وأخفى سخطه في معصيته فلا تستصغرن شيئا من معصيته، فرما وافق سخطه (معصيته) وأنت لا تعلم، وأخفى إجابته في دعوته فلا تستصغرن شيئا من دعائه، فرما وافق إجابته وأنت لا تعلم، وأخفى وليه في عباده فلا تستصغرن عبدا من عبید الله فرما يكون وليه وأنت لا تعلم. « (2) خداوند چهار چیز را در چهار چیز، مخفی کرده است؛

1- رضایت خود را در طاعت مخفی نموده است پس هیچ عبادتی را کم نشمارید شاید همان مورد رضایت خدا باشد.

رضای خود را در طاعت پنهان کرده است تعیین نفرموده است که رضای او در کدام طاعت خاص است، ممکن از دست پیرمردی گرفته از این طرف خیابان به آن طرف برده ای، رضای خدا در آن باشد، و نگوید این عمل من در برابر آن عمل های نیک بزرگ؛ چه هست!

حکایت:

یکی از بزرگان علما را در خواب دیدند و پرسیدند

ص: 268

چگونه گذشتی و چه رفتاری باتو نمودند؟ فرمود: به تمام اعمال من ایراد کردند، پرسیدند چه با خود آورده ای؟! گفتم: نماز جماعت خوانده ام که ثوابش را فقط خدا می داند، گفتند: بلی ولی یادت هست وقتی که به نماز می آمدی اگر جماعت زیاد بود خوشحال می شدی و اگر زیاد می شد اندوهگین می گشتی؟! پس تو نماز را برای مردم می خواندی نه برای خدا اگر برای خدا بود به تو چه ربطی داشت مردم کم بودند یا زیاد.

دیگر چه آوردی؟ گفتم فلان کتاب مهم و چند جلدی را نوشتم، گفتند:

بلی ولی یادت هست در اول کتاب پادشاه زمان خود را تعریف کرده ای پس آن کتاب به او می رسد نه به ما. دگر چه داری گفتم: دیگر هیچی!!

گفتند: می دانی ترا به چه عملت می بخشیم یادت هست از بازار اصفهان می گذشتی دیدی کسی را می زنند، پرسیدی گناه او چیست؟ گفتند:

به مردم قرض دارد و نمی دهد، تورفتی او را از دست طلبکارها، رها ساختی و تمامی قرض های او را ادا نمودی، چون تو آن

مرد را نمی‌شناختی و آن کارت فقط به خاطر رضای خدا بود، ما هم به خاطر این عمل بی‌ریایت ترا بخشیدیم، پس ثواب را هم بزرگ و کوچک نشمرید ممکن است آنچه را که به حساب نمی‌آوردی ترا مورد مغفرت خداوندی قرار دهد.

2- غضب خود را در معصیت، پنهان نموده است، در کدام گناه و کدام نافرمانی مشخص ننموده ممکن است آن گناهی که ما آن را بی‌اهمیت می‌شماریم، در همان گناه مورد غضب او قرار گیریم چنان که از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است، از گناهی که بخشوده نمی‌شود، گناهیست که کوچک شمرده شود و بگوید کاش گناه من همین می‌شد، پس گناهی را کوچک و بزرگ نشمار درست است که گناهان نسبت به یک دیگر کوچک و بزرگ دارد مثلاً نگاه به نامحرم از زنا کوچک تر است اما خود در جای خود بزرگ است.

3- اجابت را در دعا مخفی نموده است، (و معین نکرده اجابت در کدام دعا و کجا و در چه شرایطی است، در دعای طولانی جوشن کبیر و کمیل یا یکی از

ص: 270

دعاهای تک سطری ماه مبارک رمضان ممکن است همان دعای نیم سطر یا چند کلمه ای را جواب دهد پس هیچ دعایی را اندک مپندارید شاید همان مستجاب باشد.

درست است روایات دیگر، از نظر زمان وقت سحر و بین الطلوعین و شبهای قدر و شبهای رمضان و... همچنین اماکن مقدسه مانند حرم امام حسین علیه السلام و مسجدالحرام و... در حال حضور قلب و آمادگی به مناجات با پروردگار، یا بعد از فلان نماز و فلان زیارت و دعا و جز این ها را، بیان داشته است، این روایات نوعی تعیین مصداق و تشویق اقدام به دعا و گرویدن به سوی خداوند است، اما دعائی که خواندن آن یقیناً مورد اجابت قرار خواهد گرفت، تعیین نشده است، پس نباید دعا را کوچک و بزرگ شمرد یا منتظر زمان و مکان یا حال و احوالی شد، زیرا جواب دهنده دعا در همه جا و هر زمان و در هر حال، بالای سر ماست.

4- بنده خود را در میان بندگان پنهان ساخته و

ص: 271

علائم مشخصی برای آنها تعیین نکرده است، بدین جهت نباید به کسی کم احترامی یا بی محلی کرد، ممکن است آن کسی که تو او را به حساب نیاوردی، او بنده خاص و خالص خدا باشد.

بنابراین مبدا هیچ یک از بندگان خدا را خُرد و کم ارج بشمارید؛ زیرا چه بسا که همان از اولیای الهی باشد و شما ندانید. بنابراین چه بسا شما برای شخصی که ظاهراً انسان کاملاً عادی است زیاد مورد توجه قرار نداده و برایش نمی پردازید و وقت صرف نمی کنید و نیازهای او را برآورده نمی سازید، ممکن است او جزء اولیای خدا و یا از بزرگان و شخصیت های الهی بوده و یا قرار می گیرد. بنابراین (بدون در نظر گرفتن شخص) در برآوردن حاجات مؤمنان حریص و ساعی باشید.

حکایت

مردی از عالمی در خواست نمود که برایش اسم اعظم تعلیم نماید، آن عالم برای او عمل های مخصوص و سخت یاد داد تا پس از گذراندن شش ماه

ص: 272

برگردد، پس از انجام اعمال خاص برگشت و تقاضا نمود که به وعده اش وفا کند، گفت:

عمل دیگری را باید انجام دهی، فردا بامداد پیش از باز شدن درِ دروازه شهر در آنجا باش هرچه دیدی بیا به من بازگو کن؛ مرد رفت و پشت در دروازه منتظر ماند تا باز شد، دید اول کسی که وارد شد پیرمردیست با یک بار هیزم، پلیس مأمور دروازه گفت: آهای پیر مرد آن پشته هیزم را به من بده ببرم در بخاری بسوزانم تا بچه هایم گرم شوند، گفت: آقا من یک پیر مرد افتاده ای هستم که دیروز تاشب بیابان را گشته و دور زده ام تا این بار هیزم را گرد آورده ام ببرم بفروشم برای بچه هایم نان خالی بخرم تا نمیرند، دروازه بان تازیانه را بالا برد و شروع به زدن پیر مرد نمود و هیزم را گرفت و به خانه اش برد.

این شخص به پیش عالم برگشت و جریان را به او گزارش داد و اضافه نمود اگر شما برای من اسم اعظم را یاد میدادی، من در همانجا نفرین کرده آن مأمور را به سزای عملش می رساندم.

ص: 273

عالم فرمود: آن پیر مرد را شناختی؟! گفت: نه، فرمود: او کسی است که من اسم اعظم را از او یاد گرفته ام! پس تو هنوز شایستگی دانستن اسم اعظم را نداری (3)

خدایا به احترام محمد و آل محمد ما را به اعمالی که رضایت تو را به دست می آورد موفق بدار، در دنیا و آخرت ما را از محمد و آل محمد جدا نکن و با ظهور امام زمان چشمان ما را روشن بفرما و پرچم اسلام را در سراسر گیتی برافراشته بفرما، از همه التماس دعا دارم و به احترام محمد و آل محمد در این ماه مبارک رمضان این بنده حقیر را نیز فراموش نفرماید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

(1) إقبال الأعمال ص: 267

(2) وسائل الشیعه (آل البیت) - الحر العاملی ج 1 ص 116: از الخصال: 209/ 31 و معانی الأخبار: 1/ 112 و إكمال الدین: 4/ 296.

(3) لئالی الاخبار

ص: 274

- 4- الأمالى: شىخ صدوق، يك جلد، انتشارات كتابخانه اسلاميه، 1362 شمسى.
- 5- الأحاديث الغيبية: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
- 6- الإستيعاب لابن عبد البر. الإصابه فى تمييز الصحابه: ، ابن حجر العسقلانى بيروت، دار الكتب العلميه، 1415ق. .
- 7- الإختصاص: شىخ مفيد.
- 8- الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، شىخ مفيد، علميه اسلاميه.
- 9- الإمام على: رحمانى همدانى.
- 10- الثاقب فى المناقب: ابن حمزه محمد بن على.
- 11- المستدرک الصحيحين: حاكم حسانى نيشابورى.
- 12- المحججه البيضاء فى تهذيب الاحياء: ملا محسن فيض كاشانى.
- 13- القطره فى فضائل اهل بيت: مؤلف سيد احمد مستنبط

مترجم محمد ظریف.

14 - المناقب: للخوارزمی:

15 - اقبال الاعمال؛ سید بن طاوس

16 - أصول کافی / ترجمه مصطفوی.

17 - إرشاد القلوب إلى الصواب: الدیلمی.

18 - احقاق الحق وازهاق الباطل: نورالله بن شریف شوشتری متوفای 1019 قمری.

19 - امالی ابوجعفر محمد بن حبیب.

20 - إكمال الدين: شیخ صدوق.

21 - الخصال: شیخ صدوق.

22 - أنوار النعمانیة جزائری:

23 - اعیان الشیعه: سید محسن امین عاملی.

24 - اعلام الوری: امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی.

(ب)

25 - بحار الأنوار: علامه محمد باقر مجلسی.

26 - برگی از دفتر آفتاب، رضا باقی زاده، نشر مشهور، ج دهم، قم،

(ت)

ص: 276

27- ترجمه خلاصه تفسیر المیزان،

28- تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس نفیس: حسین بن محمد دیار بکری.

29- ترجمه المراقبات جواد بن شفیع ملکی تبریزی.

30- تنقیح المقال: مامقانی.

31- ترجمه شواهد التنزیل،

32- تفسیر نور الثقلین: الشیخ عبد علی بن جمعه العروسی

(ث)

33- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: سید بن طاوس.

(ج)

34- جامع المقاصد فی شرح القواعد: علی بن حسن محقق کرکی.

(خ)

35- خزینة الجواهر فی زینة المنابر: علی اکبر نهاوندی.

36- خلاصه الاخبار. مهدی بن محمد جعفرالموسوی.

37- خلاصه الاخبار. محمد خواندمیر.

(د)

38- در محضر آیت الله بهجت، محمد حسین رخشاد، نشر

ص: 277

سماء، قم.

(ر)

39-روضه الواعظین: محمد بن احمد فتال نیشابوری.

(س)

40-سفينه البحار: حاج شيخ عباس قمی.

41-سیمای فرزندگان، رضا مختاری، بوستان کتاب، قم،

(ش)

42-شرح أسماء الحسنی: ملا هادی سبزواری.

43-شرح جوشن کبیر الإمام علی: أحمد رحمانی همدانی ص

44-شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

(علیه السلام)

45-عوامل العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال: عبدالله البحرانی.

46-عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ: یاغوالی اللثالی. شیخ محمدب علی بن ابراهیم احسانی معروف به ابن ابی جمهور متوفای 901 ق.

47-عیون المعجزات: حسین بن عبدالوهاب قرن پنجم.

(ق)

ص: 278

48- قاموس الرجال: شيخ محمد تقى شوشترى (التستري).

(ك)

49- كشف الغمه فى معرفه الأئمه: ابوالحسن على بن عيسى بن ابى الفتح اربلى.

(گ)

50- گلستان سخنوران، 110 مجلس سخنرانى مذهبى، محمد امينى گلستانى .

(ل)

51- لئالى الاخبار: محمدنبى بن احمد تويسركانى.

(م)

52- مثير الأحزان و منير سبل الاشجان: نجم الدين جعفر بن محمد بن جعفر بن هبه الله بن نما حلى متوفى 645 ق.

53- مجموعه ورام بن ابى فراس،

54- مستدرک سيده النساء إلى الإمام الجواد،

55- مفاتيح الجنان: حاج شيخ عباس قمى.

56- منتهى الآمال فى تواريخ النبى و الآل عليهم السلام)فارسى

57- من لا يحضره الفقيه: شيخ صدوق.

ص: 279

58- معانى الأخبار: شيخ صدوق.

59- ملاذ الأخبار فى فهم تهذيب الأخبار: محمد باقر مجلسى.

(ن)

60- نصايح: آيت الله مشكينى؛ ترجمه احمد جنتى

61- نوادر و متفرقات: محمد امينى گلستانى 5 مجلد.

(ه)

62- هديه الزائرين و بهجه الناظرين: حاج شيخ عباس قمى.

(و)

63- وسائل الشيعه (آل البيت)- الحر العاملى

ص: 280

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

